



روش دانش

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجوین و کارشناسان آموزش و پرورش

سال همت مضاعف، کار مضاعف

دوره شانزدهم • آبان ۱۳۸۹ • شماره پیاپی ۸۴

یادداشت سردبیر

یاد یار مهربان آید همی / محبت الله همتی / ۲

مدرسه ی زندگی

تندرستی / سعیده اکبری نظری / ۳

مدرسه ی امن / دکتر فرید براتی سده / ۴

نور طبیعی / ثمانه ابروانی / ۵

مدیریت انضباط کلاس / لیلی محمدحسین / ۶

جعبه ی سیاه یادگیری / دکتر یدالله سعیدنیا / ۸

حقوق و آزادی / محمدعلی شامانی / ۱۲

فرصت خلاقیت / کتابون متین / ۲۶

چراغ مطالعه / دکتر احمد مختاریان / ۳۰

نامه نگاری / معصومه خیرآبادی / ۴۶

نوشتن خلاق / علی اصغر جعفریان / ۴۸

خاطره

فرشته، فرشته است! / کتابون رجبی راد / ۱۰

تجربه ها

مهارت درمانی / سیمین جهانی / ۱۳

ایرانی های باهوش / نفیسه ثبات / ۱۸

پرسش های بانشاط / شهین کارور / ۲۲

لذت انشانویسی / فرشته حسنی / ۳۲

دنیای نوجوانان

معجزه ی خوش بینی / بتول سبزی سنجانی / ۱۴

دنیای ارتباطات

وبلاگ در کلاس درس / سپیده شهیدی / ۱۶

تاریخ ماندگار

مکتب خانه / فاطمه محمودیان / ۲۰

طنز

مدرسه ی مثبت کجاست؟ / مهدی رضاییان / ۲۴

اندر احوالات اصلاح نظام آموزشی / احمد عربلو / ۲۸

گزارش

جایگاه کتاب های کمک آموزشی در مدرسه / فاطمه خرقانیان / ۳۵

ویژه نامه

سواد قرآنی / مسعود وکیل / ۳۶

بین و بخوان / بهناز پورمحمد / ۳۸

درس قرآن / دکتر لیلا سلیقه دار / ۴۲

کلاس شاد قرآن / سحر بیاضیان / ۴۴

مدیرمسئول: محمد ناصری
سردبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی: علی رضا صادقی
منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان
فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مهدی کریم خانی
نشانی دفتر مجله: تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
تلفن: ۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۸۳۰۱۴۷۸
پایگاه اطلاع رسانی: www.roshdmag.ir
رایانامه: rahnamayi@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیرمسئول: ۱۰۲ کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۳۳۶۶۵۶ - ۷۳۳۶۶۵۵
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
- مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود.
- مقاله ها می توانند با نرم افزار word و بر روی CD یا فلاپی و یا از طریق رایانامه مجله ارسال شوند.
- نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه ها علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
- محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیتراژ فرعی در متن و سوتیتر باشد.
- معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- مجله در رد، قبول و ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است.
- مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.

ادب و فرهنگ ایران باستان



محبت الله همتی

معاون کتاب و مسئول طرح سامان بخشی کتاب های آموزشی دفتر انتشارات کمک آموزشی

مدرسه، زنگ های تفریح را به کتاب خوانی اختصاص داده بودند و توانسته بودند علاقه ی بچه ها را به کتاب جلب کنند.

طرح باشگاه تابستانی خواندن، با شعار «یک کتاب بخوان - آموزگار خود را متعجب کن» به شکل گسترده در سراسر آلمان اجرا می شود. هدف این طرح، تشویق دانش آموزان کلاس های پنجم تا نهم، به خواندن در تعطیلات تابستان است که با همکاری کتابخانه های عمومی و مراکز آموزشی به اجرا در می آید. این پروژه برای اولین بار در سال ۲۰۰۲ از طرف کتابخانه ی عمومی شهر برلین به اجرا گذاشته شد. کتابخانه ی عمومی برلین این طرح را از طریق با عنوان «باشگاه خواندن نوجوانان» که در یکی از کتابخانه های عمومی شهر لوس آنجلس اجرا می شود، الهام گرفته است.

هدف مبتکران این پروژه، تشویق کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ ساله به کتاب خوانی در تعطیلات تابستان است. طرح به این شکل اجرا می شود که کودکان و نوجوانان می توانند پس از امتحان پایان سال و دریافت کارنامه، همراه با آموزگار خود، به کتابخانه ی عمومی شهر بروند و پس از آشنایی با کتابخانه، کارت عضویت در باشگاه تابستانی خواندن را دریافت کنند. آن ها همچنین می توانند در فصل تابستان، شخصاً از کتابخانه بازدید کنند و عضو باشگاه شوند.

پس از عضویت در باشگاه خواندن، هر عضو، فهرست کتاب هایی را که کتابدار کتابخانه برای خواندن در فصل تابستان انتخاب کرده است، همراه با یک دفترچه دریافت می کند. او باید دست کم سه کتاب را در شش هفته ی تعطیلات تابستان بخواند تا گواهی نامه ی «باشگاه تابستانی خواندن» را در پایان تعطیلات دریافت کند.

کارکنان کتابخانه، هنگام تحویل کتاب، با طرح چند سؤال درباره ی محتوای آن، عنوان کتاب را در دفترچه ی عضو ثبت می کنند. سپس کودکان و نوجوانان می توانند نظر خود را در کارت ارزیابی کتاب بنویسند. نوشتن این بررسی، افزون بر آن که آن ها را به اندیشیدن و تحلیل کردن تشویق می کند، بر نمره ی کارنامه ی آن ها نیز اثر می گذارد. سپس از کودکان و نوجوانان پرسیده می شود که آیا کتاب خوانده شده، می تواند در فهرست کتاب های تدریس شده در کلاس درس نیز جایی برای خود بیابد؟

گسترش کتاب و کتاب خوانی در مدارس و کلاس های درس، حتماً از شاخص های مؤثر در مدرسه است که به کیفیت می اندیشند.

شما چند دلیل برای توجه نکردن به کتاب و کتاب خوانی

فهرست می کنید؟

زیر نویس

1. Adam methz
2. Brilon
3. Teen Reading Club

آدام متز، شرق شناس سوئیسی، در کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» می نویسد: «پادشاهان در موضوع گردآوری کتاب به هم فخر می فروختند و در اواخر قرن چهارم، هر یک از سه فرمان روای مهم اسلامی در بغداد، مصر و قرطبه، علاقه ی شدیدی به کتاب داشتند. فهرست کتاب های کتابخانه ی پادشاه اندلس ۴۴ دفتر بیست ورقی می شد که فقط نام کتاب ها در آن ها ثبت شده بود... **عزیز فاطمی** در مصر، خزانه ی کتاب بزرگی داشت.»

متز پس از ذکر آمار کتابخانه های دوره ی تمدن اسلامی در قرن چهارم، برای مقایسه به چند کتابخانه ی غربی در همان روزگار اشاره می کند. مثلاً کتابخانه ی کلیسای جامع شهر بامبرگ به سال ۱۱۳۰ میلادی، فقط ۹۶ جلد کتاب داشت.

کتاب خواندن «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری»، با ترجمه ی **علیرضا ذکاوتی قراگوزلو**، در دو جلد، برای اولین بار در سال ۱۳۶۲ چاپ شده است و حتماً در سال های بعد نیز به چاپ های مجدد رسیده که نگارنده از آن بی اطلاع است.

قصدم از این مقدمه، افتخار محض به گذشته نیست، بلکه مقایسه ی جایگاه دیروز و امروز تمدن دوره ی اسلامی با تمدن غرب در زمینه ی «کتاب» است. واقعیت این است که شمارگان و تعداد عناوین کتاب های موجود، به استناد آمار و ارقام، با جمعیت گروه سنی کودک و نوجوان کشورمان نسبت مطلوبی ندارد. چرا؟!

بیست و هفتم تیرماه سال جاری، در جمع همکاران دبستان «بهاره سلیمی» نیشابور بودم. برای من آن روز یکی از به یادماندنی ترین روزهای کاری ام بود. اگر از همه ی ویژگی های خوب این مدرسه بگذرم، نمی توانم از کتابخانه ی فعالش یادش نکنم؛ دبستانی با بیش از شش هزار نسخه کتاب و دو کتابدار فعال و دانش آموزانی جداً کتاب خوان. روز یکشنبه **۲۵ تیرماه**، کتابخانه ی مدرسه باز بود و بچه های کتابخوان مشتری آن.

سال ۱۳۷۹، در ویژه نامه ی رشد آموزش ابتدایی، گزارش مبسوطی از ترویج کتاب خوانی در مدارس عشایری استان کرمان چاپ شده بود. این گزارش از علاقه مندی مدیران آموزش و پرورش عشایری وقت استان به گسترش کتاب خوانی در میان فرزندان عشایر حکایت می کرد و این که چگونه از امکانات کتابخانه های سیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به این منظور استفاده کرده بودند.

تجربه ی همکاران پر تلاش و دلسوز دبستان «شهید غفاری» شهر فلاورجان و ایجاد زمینه ی مساعد در زنگ های تفریح در حیات مدرسه، برابیم تازه و دل پذیر بود. آن ها با ایجاد یک قفسه ی متحرک در حیات

دفتر
ادب و فرهنگ ایران باستان



مهارت‌های معلمی

بخش دوم

سعیده اکبری نظری



تندرستی

برای رسیدن به اهداف
بزرگ زندگی، داشتن
بدن سالم اولین قدم
است



سایرین، بسیار تلاش کرده بوده و معلمان بی‌شماری در موفقیت او نقش داشته‌اند، اما همین عدم آموزش و یادگیری مهارت‌های بهداشتی، سبب شده بود بیشتر وقت گران‌بهای ایشان صرف درمان شود و فرصت و آرامش کافی برای بهره‌گیری از علم خویش نداشته باشد.

پس برای رسیدن به اهداف بزرگ زندگی، داشتن بدن سالم اولین قدم است. یادگیری مهارت‌های بهداشتی برای حفاظت از بدن، یک‌شبه امکان‌پذیر نیست، بلکه فرد باید از همان کودکی به طور مداوم آموزش ببیند و اگر خانواده و مدرسه به طور همسو این کار را انجام دهند، بسیار اثرگذار خواهد بود. مثلاً اگر تمامی معلمان، نه فقط مربی بهداشت یا معلم ورزش، در حین قدم زدن در کلاس، نحوه‌ی نشستن، نوشتن و مطالعه کردن دانش‌آموزان را با تذکری ساده و دوستانه اصلاح کنند، بعد از مدتی این مراقبت‌ها برای دانش‌آموز به عادت تبدیل می‌شود. یا چه خوب می‌شد اگر تمامی معلمان و کادر دفتری، در ورزش صبحگاهی مدرسه شرکت می‌کردند و این مراسم که معمولاً در نهایت خوددگی دانش‌آموزان اجرا می‌شود، با جدیت بیشتری انجام می‌شد.

این‌ها تنها نمونه‌های کوچکی از آموزش مهارت‌های بهداشتی بود که اگر همه‌ی ما به فرزندانمان کمک کنیم تا برای نگهداری مناسب از بدن خود این مهارت‌ها را کسب کنند، به طور غیرمستقیم به افزایش موفقیت و بهروزی در نسل آینده کمک کرده‌ایم. چه خوب است این راه را در پیش بگیریم!

یکی از مهارت‌هایی که به نظر خیلی پیش پا افتاده می‌آید، ولی جزو مهم‌ترین مهارت‌هاست، مهارت‌های بهداشتی نام دارد. همه‌ی ما در اطراف خودمان کسانی را دیده‌ایم که با وجود سن نه چندان زیاد، از بعضی مشکلات جسمی رنج می‌برند و مجبورند زمان قابل توجهی از عمرشان را به تحمل درد یا درمان بیماری بگذرانند. درست است که برخی بیماری‌ها گریزناپذیرند و با وجود رعایت مسائل بهداشتی، باز هم گریبان‌گیر آدم می‌شوند، ولی همه‌ی بیماری‌ها این‌گونه نیستند و اگر انسان به مهارت مواجهه‌ی مطلوب با بدن خود مجهز باشد، می‌تواند از برخی بیماری‌های دردسرساز در امان بماند.

برخی از این راهکارها، جزئی از فرهنگ ما شده‌اند؛ مثل مسواک زدن. خوب یاد می‌آید، در دوران دبستان، مربی بهداشت روی همراه داشتن لیوان و دستمال و کوتاه بودن ناخن‌ها خیلی تأکید داشت. ولی الان می‌بینم که برای حفاظت از جسمم، چه مسائل ساده و مهم دیگری را باید رعایت می‌کردم که کسی به آن‌ها اهمیت نداد؛ مسائل بسیار زیادی از قبیل نحوه‌ی تغذیه، میزان خواب، نحوه‌ی نشستن روی صندلی، نحوه‌ی راه رفتن، چگونگی مطالعه‌ی متن و بسیاری موارد دیگر.

در دانشگاه استاد بسیار اندیشمندی داشتیم که شاید به واسطه‌ی رعایت نکردن همین مسائل، دچار کمر درد می‌شد و بسیاری از کلاس‌های ایشان لغو می‌شد. شاید این استاد گران‌قدر برای رسیدن به این مرتبه‌ی علمی و ارائه‌ی آموخته‌های خود به



مدرسه‌ی امن

مدرسه‌ی مثبت بخش دوم

دکتر فرید براتی سده

بر شما تحمیل می‌کند. حتی می‌تواند بر درک دانش‌آموزان از چگونگی یادگیری و آموزش هم اثر بگذارد. شیوه‌ی سالم‌تر آن است که آن‌چه را نمی‌دانید، بپذیرید. پذیرش این که چیزی را نمی‌دانید، یک تجربه‌ی منفی نیست. نباید به آن این طور نگاه کنید. مثلاً اگر دانش‌آموزی سؤالی پرسید که پاسخش را نمی‌دانید، می‌توانید آن را به صورت یک پرسش در کلاس مطرح کنید و سپس با ذهن‌انگیزی (بارش مغزی)، بچه‌ها را به بحث وادارید تا خود پاسخ‌گوی سؤال باشند. این عمل نشان می‌دهد که حتی متخصصان هم همه چیز را نمی‌دانند. از آن مهم‌تر، این وضعیت به فراگیرنده راه خوبی را نشان می‌دهد که چگونه مورد نیاز را به دست بیاورد. به این شکل، هم معلم و هم دانش‌آموزان، در فرایند یادگیری مشارکت و همکاری می‌کنند.

۲. شرایط گرم و راحتی فراهم آورید؛ شرایطی که دانش‌آموزان آن را خوب بشناسند و بپذیرند.

این رهنمود، به معنای حساس بودن به شرایط زندگی دانش‌آموزان در بیرون از مدرسه و آگاهی از آن است. چنین دانش و معرفت شخصی، نوعی پیوند مهم بین معلم و دانش‌آموز برقرار می‌کند. هر فردی (چه معلم و چه دانش‌آموز)، موجودی زیستی، روانی، اجتماعی، معنوی و اخلاقی است و صرفاً ایفاگر نقش معلم یا دانش‌آموز نیست. آگاهی از وضعیت دانش‌آموزان در بیرون از مدرسه و در محیط زندگی آن‌ها، به فرایند معلمی کمک مؤثری می‌کند. این آگاهی هم به تصمیم‌گیری کمک می‌کند و هم شکاف بین مطالب درسی و آگاهی‌ها و دانسته‌های قبلی دانش‌آموز را پر می‌کند.

منابع

۱. براتی سده، فرید (۱۳۸۸). اثربخشی مداخلات روان‌شناسی مثبت‌گرا در افزایش نشاط و شادی، خشنودی از زندگی و معناداری زندگی و کاهش افسردگی: مدلی برای اقدام. پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکتر، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی.

2. Peterson, C. (2006). A Primer in Positive Psychology. NY: Oxford University Press.

3. Seligman, M.E.P. & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive Psychology: An Introduction. American psychologist, 55, 5-14.

4. Snyder, C.R. & Lopez, S.J. (2007). Positive Psychology: The Scientific and Practical Exploration of Human Strengths. USA: Sage Publications.

5. Watson, M. & Eckman, L. (2003). Learning to trust: Transforming Difficult Elementary Classrooms Through Developmental Discipline. San Francisco: Jossey-Bass.

کلیدواژه‌ها: مدرسه‌ی مثبت، محیط حمایت‌کننده، روان‌شناسی مثبت‌گرا.

اشاره

در شماره‌ی قبل، درباره‌ی «روان‌شناسی مثبت‌گرا» توضیح دادیم و گفتیم که یکی از اهداف این شاخه از روان‌شناسی، ایجاد محیط مثبت و از جمله مدرسه‌ی مثبت است. مدرسه‌ی مثبت به ساختمانی شباهت دارد که توجه، اعتماد و احترام، بنیاد آن محسوب می‌شوند. اکنون در ادامه، اصلی‌ترین مؤلفه‌های ایجاد مدرسه‌ی مثبت را شرح می‌دهیم. در این شماره، اولین مؤلفه را که «ایجاد محیط حمایت‌کننده» است، معرفی می‌کنیم و راهکارهای ایجاد این محیط را برمی‌شماریم.

نخستین مؤلفه‌ی عمده در بنای مدرسه‌ی مثبت، ایجاد محیطی حمایت‌کننده است

محیطی حمایت‌کننده برای دانش‌آموزان فراهم سازید. به

این ترتیب، نخستین مؤلفه‌ی عمده در بنای مدرسه‌ی مثبت، ایجاد محیطی حمایت‌کننده است. این محیط به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد تا خطرات یادگیری را متقبل شوند. بنابر نظر بعضی از متخصصان، یادگیری معنی‌دار غالباً از نظر شخصی با خطر همراه است. زیرا فرد وارد فرایندی می‌شود که از آن شناخت یا درکی ندارد و گاه این ناآگاهی و شناخت، در معرض دید و قضاوت دیگران قرار می‌گیرد. اما چنان‌چه معلم از پویایی‌های مذکور مطلع باشد و محیطی حمایت‌کننده بیافریند که در آن هر کس فاقد آگاهی و دانش است، به نداشتن آن معترف شود و بپذیرد که گاهی خطا کردن در چنین فرایندی طبیعی است، فرصت یادگیری توسعه می‌یابد و زیاده‌تر می‌شود. بعضی از راهکارهای ایجاد محیط امن و حمایت‌کننده برای یادگیری، به شرح زیرند:

۱. در فرایند یادگیری سرمشق خطرپذیری شوید. معنای این جمله چنین است: اگرچه بعضی از دانش‌آموزان فکر می‌کنند که معلمان باید همه چیز را بدانند، ولی بپذیرید که به عنوان معلم قرار نیست همه چیز را بدانید. ممکن است شما هم از آن معلمانی باشید که احساس می‌کنید معلم‌ها باید همه چیزدان باشند. اما بدانید که این انتظار سنگینی است و فشار زیادی



نور طبیعی

ثمانه ابروانی

نور طبیعی روز، به دلایل برخورداری بودن از طیف وسیع نور و کامل بودن از نظر رنگ و کیفیت نور، تأثیر مثبت زیادی روی جسم و روان دانش‌آموزان می‌گذارد

به صورت کنترل شده و با طراحی مناسب، آن را وارد بنا کرد و از این موهبت خدادادی برای فرزندان استفاده کرد. در خاتمه، برای درک بهتر می‌توانید به این دو عکس نگاه کنید. عکس شماره ۱، کلاسی با نور مصنوعی و پرده‌های تیره را نشان می‌دهد و عکس شماره ۲، کلاسی با نور طبیعی روز است.

پی‌نوشت

1. Schools for the future: design proposals from architectural psychology/ Rotraut Walden, editor. Includes bibliographical references.

کلیدواژه‌ها: معماری، نور، مدرسه، کلاس، یادگیری.

اشاره

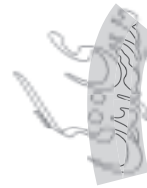
در شماره‌ی پیشین، از یک عامل اضافی دیگر برای داشتن مدرسه‌ی مؤثر سخن رفت و آن «معماری مدرسه» بود. در این قسمت می‌کوشیم به موضوع «نور» بپردازیم.

فرض کنید به دو معلم دو اتاق درس می‌دهند با تعداد شاگردان مساوی و میز و نیمکت کاملاً یکسان. یکی از کلاس‌ها نور طبیعی بسیار خوبی دارد و دیگری فاقد پنجره است و یا پنجره‌های بسیار کوچکی دارد که نور کلاس را تأمین نمی‌کند و در بیشتر مواقع، برای روشنایی کلاس، از لامپ‌ها و مهتابی‌های پر نور استفاده می‌شود.

فکر می‌کنید معلمان کدام یک از این کلاس‌ها را بیشتر دوست دارند؟ کلاس غرق در نور طبیعی یا کلاس پر از لامپ مصنوعی. این آزمایش در بسیاری از مدارس جهان انجام شده است. معلمان مایل‌اند در کلاس درسی تدریس کنند که بیشترین نور طبیعی را از پنجره‌ها و حایل‌های خود دریافت کند. از طرف دیگر، تحقیقات نشان می‌دهد دانش‌آموزان در کلاس‌های پر از نور طبیعی، نسبت به کلاس‌های پر از لامپ فلورسنت، بهتر درس می‌خوانند و پیشرفت تحصیلی آنان بسیار بهتر است. یعنی کلاس‌هایی عملکرد بهتری دارند و یا معلمان دوست دارند آن‌ها را انتخاب کنند که نور طبیعی بسیار خوبی وارد آن‌ها شود. این یکی از بدیهی‌ترین مواردی است که همیشه ثابت می‌کند، «معماری مدرسه بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، روش‌های تدریس معلمان و احساس آن‌ها نسبت به فضایی که در آن هستند، تأثیر دارد.»

در کتاب «مدارس برای آینده» و منابع فراوان دیگر، اشاره شده است که نور طبیعی روز، به دلایل برخورداری بودن از طیف وسیع نور و کامل بودن از نظر رنگ و کیفیت نور، تأثیر مثبت زیادی روی جسم و روان دانش‌آموزان می‌گذارد و به همین دلیل است که ما به طور ناخودآگاه، از کلاس پر نورتر لذت می‌بریم و در آن احساس راحتی و آرامش بیشتری می‌کنیم. در سال‌های ۱۹۵۰ میلادی تا اواخر قرن بیستم، مدارس بدون پنجره‌ی زیادی در کشورهای آلمان و آمریکا و سایر کشورهای اروپایی طراحی و ساخته شدند، چرا که آن موقع گمان می‌کردند مدرسه با نورهای مصنوعی زیباتر است. می‌توان میزان، شدت، کمی و رنگ آن را کنترل و با طراحی ساختمان هم‌ساز کرد. اما بعد از آن سال‌ها، تحقیقات نشان داده است که اضافه کردن بیش از حد نور مصنوعی در مدارس، باعث بروز اختلالات روانی زیادی در دانش‌آموزان سنین ۴ تا ۱۸ سال می‌شود. متأسفانه، امروزه در شهرهای ایران، مدارس بسیار زیادی را می‌بینیم که با وجود داشتن کلاس‌هایی با نور روز، پرده‌های ضخیمی به آن اضافه کرده و در عوض کلاس را در لامپ‌ها و مهتابی‌های فلورسنت غرق کرده‌اند. یکی دیگر از مزیت‌های نور طبیعی، ارزان بودن و کیفیت بسیار بالای آن است که می‌توان





مدیریت انضباط کلاسی



کلیدواژه‌ها: مدیریت کلاس، انضباط، معلمان.

اشاره

تمام دانش‌آموزان شرکت فعال دارند، مسئولیت یادگیری‌شان را به عهده می‌گیرند و بنابراین، معلم می‌تواند محتوای آموزشی را به طور مؤثر ارائه دهد. در ضمن، معلمان دوست ندارند دانش‌آموزان بدرفتار داشته باشند.

به نظر می‌رسد مدیریت کلاس درس یکی از دغدغه‌های اصلی معلمان، به ویژه معلمان تازه‌کار، در سراسر دنیا باشد. معلمان دوست دارند کلاس‌های منظمی داشته باشند که در آن‌ها



قوانین کلاس با مشارکت دانش‌آموزان، روشن، قابل درک و قابل اجرا تدوین شود

آن‌ها را به دفتر مدیر بفرستید. این معلم، در پنج سال گذشته، شاگردان کمی را به علت بی‌انضباطی در کلاس به دفتر مدیر فرستاده است.

آخرین توصیه‌ی این معلم: «بچه، بچه است. اگر در درس فعال نباشد، در کار دیگری فعال می‌شود.»

راهکار شماره ۲: وقتی دانش‌آموزان با حرف زدن، سقلمه زدن به دیگران، یا مچاله کردن کاغذ، نظم کلاس را به هم می‌زنند، کنار آن‌ها بایستید. این کار با پسران از همه بیشتر مؤثر است. زمانی که پسران یا دانش‌آموزان خیلی شیطان در کلاس باشند، در قسمت انتهایی کلاس بایستید و درس بدهید. این کار این پیام را به آن‌ها می‌دهد که کارشان را متوقف کنند و اکثر اوقات همین کار را می‌کنند و به کار کلاس برمی‌گردند.

راهکار شماره ۳: با دانش‌آموزان گفت‌وگو کنید. اگر آن‌ها را در راهروی مدرسه، در رستوران یا در میوه‌فروشی می‌بینید، از آنان احوال‌پرسی کنید. اگر نوشته‌ی آن‌ها را در یک روزنامه‌ی محلی دیدید، به آن‌ها تبریک بگویید. اگر کار خوبی کردند، از لطفشان تشکر کنید. این کارها آن‌ها را آگاه می‌سازد که واقعاً برایتان مهم هستند.

راهکار شماره ۴: تمام مدت کلاس را سخن‌رانی نکنید. دانش‌آموزانی که در فعالیت یادگیری فعال هستند، معمولاً کلاس را به هم نمی‌ریزند. فعالیت‌های عملی برای داشتن کلاس‌های بانشاط بسیار مؤثرند.

راهکار شماره ۵: درس را هیجان‌انگیز بگردانید. اگر ۴۵ دقیقه زمان در اختیار دارید، سه فعالیت متفاوت طراحی کنید. بکوشید در طول کلاس، لااقل یک‌بار دانش‌آموزان را از روی صندلی‌هایشان بلند کنید. دانش‌آموزانی که انرژی‌شان در کلاس محصور شده است، به خاطر این کار از شما ممنون خواهند بود.

پی‌نوشت

۱. نگرش بُرد-بُرد (win-win): یعنی این که دانش‌آموزان بکوشند در کلاس، همه احساس برنده بودن کنند، نه فقط خودشان برنده باشند و بقیه کلاس بازنده.

2. <http://www.squidoo.com/cfclark4>

3. <http://achievementzones.wikispaces.com/file/view/Student+responsibility+and+classroom+Management.pdf>

4. Hayden Kellie (2010), Top five classroom management Strategies-They really work. <http://www.brighthub.com/education/k-12/articles/3318.aspx#ixzz0qHmMNQdo>

مروری بر ادبیات تعلیم و تربیت جهانی، راهکارهایی را - البته متناسب با فرهنگ هر جامعه‌ای - ارائه می‌دهد. در اکثر این راهکارها، به تدوین قوانین کلاسی سفارش شده است؛ قوانین روشن، قابل درک و قابل اجرا. قوانین کلاسی می‌تواند مانند نمونه‌ی زیر، کم تعداد و ساده باشد:

۱. همه لایق احترام هستند؛

۲. آماده به کلاس بیایید؛

۳. نهایت سعیتان را بکنید؛

۴. نگرش بُرد-بُرد داشته باشید؛

۵. لذت ببرید و یاد بگیرید.^۲

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در تدوین این قوانین از افعال منفی استفاده نشده است. بهتر است، همواره از افعال مثبت استفاده کنیم. اگر این قوانین در جلسه‌ی اول کلاس همراه دانش‌آموزان تدوین شود، از ضمانت اجرایی بیشتری برخوردار خواهد بود. در استرالیا، رابطه‌ی بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و نظم کلاسی، در تحقیقی بررسی شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که وقتی معلمان دانش‌آموزان را بیشتر در تصمیم‌گیری شرکت می‌دهند، اشارات غیردستوری بیشتری دارند، رفتار مطلوب را تصدیق می‌کنند، با دانش‌آموزان بدرفتار طوری بحث می‌کنند که آنان مجال می‌یابند تأثیر رفتارشان را بر دیگران درک کنند و برای این که بهتر رفتار کنند، بکوشند، دانش‌آموزان مسئولیت‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند.^۳

یک معلم آمریکایی با تجربه‌ای ۱۷ ساله‌ی تدریس در مدارس دولتی (دوره‌های راهنمایی و دبیرستان) برای مدیریت موفق و برقراری نظم در کلاس، پنج راهکار ارائه می‌دهد. البته او معتقد است که همه‌ی راهکارها برای هر دانش‌آموزی مؤثر نیست، بلکه معلمان باید با در نظر گرفتن روحیه‌ی دانش‌آموزان، راهکارشان را تغییر بدهند.^۴

راهکار شماره ۱: وقتی کنار شاگردان ایستادید، یا با آن‌ها حرف زدید و مشغول درسشان کردید، ولی باز هم نظم کلاس را بر هم زدند، آن‌ها را بیرون از کلاس و به راهرو ببرید. از آنان بپرسید: «آیا حالت خوب است؟» تجربه نشان داده است که فرو می‌ریزند و به شما می‌گویند که مثلاً با والدینشان بحث داشته‌اند، به موقع از خواب بلند نشده‌اند یا مسائل دیگری وجود داشته است. اگر باز هم جسور بودند،



جعبه‌ی سیاه یادگیری!

دکتر یدالله سعیدنیا

خواسته، بدون هرگونه بستگی به خواسته‌ی فرد، از راه مدیریت محرک و پاسخ‌ها برای فرد قابل حصول است. کتاب معروف اسکینر به نام «فرای آزادی و شأن» (۱۹۷۱) به روشنی انسان را ساخته‌ی محیط و فاقد اراده می‌داند.

همه‌ی اصول ذکر شده در شماری پیشین، از نگاه آن‌ها به انسان ناشی می‌شود. پافشاری آن‌ها به این که تنها رفتار مشهود و قابل اندازه‌گیری اصالت دارد، بیان دیگر نگاه جعبه‌ی سیاه‌گونه به انسان است. با نگاهی به طراحی‌های آموزشی که رفتارگراها ارائه کرده‌اند (برای مثال نگاه کنید به Gagne, 1985) اصول ذکر شده را می‌توان یافت.

برای مثال، اصول عمومی طراحی آموزشی از نظر اسکینر را در لینک داده شده در مراجع (رفتارگرایی در کلاس، ۲۰۰۲) می‌توان پیدا کرد. اگرچه این اصول به اندازه‌ی کافی به عنوان اصول برگرفته از رفتارگرایی شناخته شده هستند، برای تبیین بیشتر می‌توان از اصول شروع کرد و ارتباط آن‌ها را با فلسفه‌ی زیربنایی‌شان بررسی کرد.

با نگاهی به آن اصول دیده می‌شود، از دیدگاه آنان، چون انسان از راه محرک و پاسخ یاد می‌گیرد و رفتار باید قابل اندازه‌گیری باشد، هدف باید به اندازه‌ی جزئی شود که بتوان آن را به محرک خاصی مرتبط و ارزش‌یابی کرد. انسان چون جعبه‌ی سیاهی است که معلم باید جریان آموزش را برای او طراحی و اجرا کند. پس معلم باید به مباحث مسلط باشد. آموزش جریانی یک‌طرفه از معلم به شاگرد است و این که شاگرد اساساً این نیاز را دارد یا ندارد، مطرح نیست. چون احساس احترام باعث تأثیر معلم به عنوان یک محرک می‌شود - صرف‌نظر از این که موضوع آموزش چیست (خوب، بد؛ لازم یا غیر لازم) - باعث یادگیری می‌شود. اهداف توسط دیگران برای یادگیرنده تعیین می‌شود. اراده‌ی فرد برای تعیین آن‌چه می‌خواهد یاد بگیرد، مطرح نیست. اهداف آموزشی تعیین می‌شوند و شاگرد موظف است در زمان معین آن‌ها را یاد بگیرد. مسئولیت فرد در مورد خودش سلب می‌شود و این دیگری است که عامل شکست و موفقیت شاگرد را در دست دارد.

کلیدواژه‌ها: روش‌های آموزشی، رفتارگرایی، دانش آموز، معلم

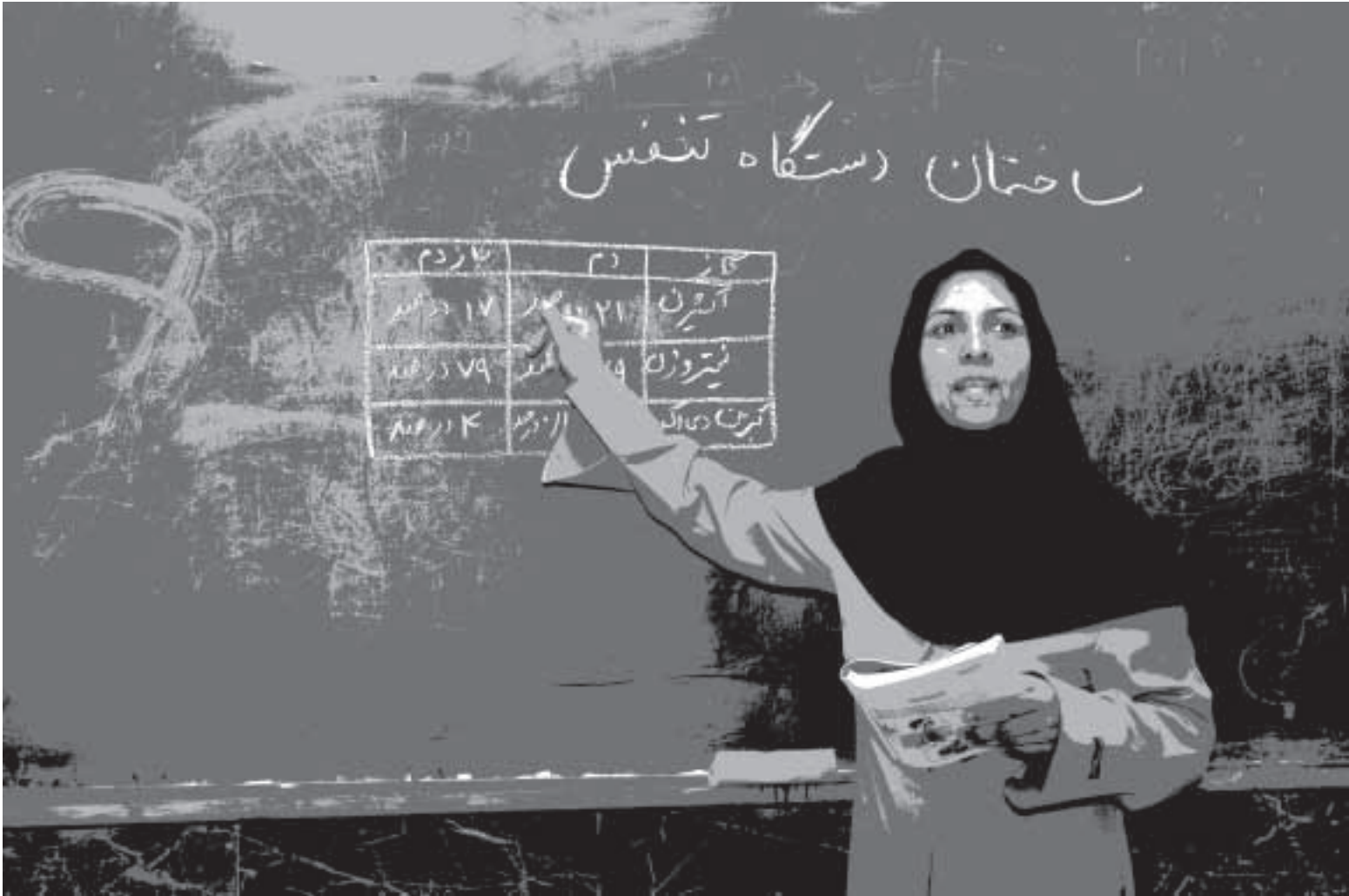
اشاره

در شماری پیشین، اصول اصلی نظام آموزشی جاری در ایران و بسیاری دیگر از کشورها بیان شد. در پایان ذکر شد، این اصول در واقع از نظر تاریخی از نظرات روان‌شناسان رفتارگرا نتیجه شده است. در پایان آن شماره ذکر شد، دیدگاه این روان‌شناسان به انسان، بسیار متفاوت‌تر از دیدگاه‌های فرهنگی و دینی ایرانیان به انسان است و اصول ذکر شده، از نظر نگاه‌های آنان به انسان ناشی می‌شود.

موضوعی که در این شماره به آن پرداخته می‌شود، این است که این ادعاها مستند شود. ادعا شد که رفتارگراها از فلسفه‌ای در روان‌شناسی پیروی می‌کردند که انسان را فاقد اختیار و ساخته‌ی جامعه و برآیندی از محرک و پاسخ‌ها می‌پنداشتند. آن‌ها انسان را موجودی ابتدایی و بدون شکل می‌دانستند که به وسیله‌ی تربیت، می‌تواند به آن‌چه خواسته‌ی آموزشگران باشد، تبدیل شود؛ و نیز جعبه‌ی سیاهی که با کشف پاسخ‌هایی که به محرک‌ها می‌دهد، می‌توان او را شکل داد. برای مستند کردن این ادعا، اگرچه مراجعه به مراجعی که در زیر می‌آید توصیه می‌شود، نقل قول معروفی از **جان واتسون** - از بنیان‌گذاران اصلی این نظریه - شاید مکفی باشد.

جان واتسون (۱۹۳۰) می‌گوید: «یک دوجین نوزاد سالم و شرایط خاصی که موردنظر من است، به من بدهید تا آن‌ها را بزرگ کنم. من تضمین می‌دهم که هر کدام را به طور اتفاقی انتخاب و برای تخصص خاصی مانند پزشکی، وکالت، هنرمندی، بازاری، و حتی دزدی و گدایی، تربیت کنم؛ صرف‌نظر از استعداد، تمایل، توانایی، شغل دل‌خواه و آمادگی فردی آن فرد.»

این جملات به روشنی نشان می‌دهد که آن‌ها انسان را قابل تبدیل به هر آن‌چه که آموزش‌گران بخواهند، می‌دانند. این



**پرسش این است که
کودکان یعنی دبستانی‌ها؟
راهنمایی‌ها؟ دبیرستانی‌ها؟
یا دانشگاهی‌ها؟**

**ما باید برای دانش‌آموزان
تصمیم بگیریم؟**

پرسش این است که کودکان یعنی دبستانی‌ها؟ راهنمایی‌ها؟ دبیرستانی‌ها؟ یا دانشگاهی‌ها؟ روش جاری آموزشی ذکر شده، به نحو یکسانی برای همه‌ی این دوره‌های سنی جریان دارد. بنابراین، گویا سن در این موضوع دخالت ندارد. از طرف دیگر به نظر می‌رسد، اگر انسان را دارای اراده، فهم، قدرت انتخاب، قدرت تشخیص، و صاحب حق در تعیین سرنوشت خویش می‌شناسیم، لازم است در هر سنی اصل را بر این بگذاریم و سپس براساس محدودیت‌های سنی، آن اصول را اصلاح کنیم؛ در حالی که اصول حاضر، از ابتدا برای همه‌ی سنین با نگاه قیّم‌مآبانه و کنترلی و منفی به انسان تدوین شده است.

منابع

1. Behaviorism in classroom (2002), <http://filebox.vt.edu/users/spenney/behaviorism/classroomex.htm>
2. Gagne, R. M., (1985). The Conditions of Learning and the Theory of Instruction, (4th ed.), New York: Holt, Rinehart, and Winston. <http://psychology.jrank.org/pages/796/behaviourism-B-F-Skinner-on.html>
3. Skinner, B. F., 1971. Beyond Freedom and Dignity. New York: Knopf.
4. Skinner, B. F., (no date), behaviorism Purpose, intention, expectation, Mental processes, Sensations, perceptions, and images, Reasons and reasoning, <http://psychology.jrank.org/pages/796/behaviourism-B-F-Skinner-on.html#ixzz0rHv5L9LU>
5. Watson, J., 1913. Psychology as a Behaviorist Views It, Psychological Review, 20, 158-77.
6. Watson, J., 1930. Behaviorism. Norton: New York.

آن‌چه در این اصول موجود است و مدارس موفق‌تر آن‌ها را بهتر اجرا می‌کنند، عبارت‌اند از: برای شاگردان برنامه‌ی درسی می‌ریزند، درس‌ها را تهیه می‌کنند، معلم‌ها را گزینش می‌کنند، روش درسی را با معلم توافق می‌کنند، درس‌ها را بودجه‌بندی می‌کنند، اهداف دروس را تعیین و ابلاغ می‌کنند، شاگردان را تشویق و تهدید می‌کنند، روش‌های متعدد مانند رقابت را به کار می‌برند، شاگردان خوبی را که به اهداف مدرسه رسیده‌اند، تشویق می‌کنند، و آن‌چه را به صلاح شاگردان تشخیص می‌دهند، اعمال می‌کنند.

آیا در این اعمال، جز رفتار قیّم‌مآبانه، آمرانه و مستبدانه (از نوع مشفقانه) چیزی دیده می‌شود؟ قطعاً خواهند گفت اگر آن‌ها چنین نکنند، شاگرد درس نمی‌خواند! چون نمی‌داند کار درست چیست؟ روش درست چیست؟ چگونه باید موفق شود؟ نیازهایش را نمی‌فهمد! مسیر را اشتباه می‌رود! شیطان و دوستان ناباب او را از راه به در می‌کنند! بازیگوشی می‌کند! وقت خود را تلف می‌کند! عقب می‌افتد! در زندگی دچار مشکل می‌شود! دانشگاه نمی‌رود! و...

برای لحظه‌ای فرض کنیم همه‌ی این گزینه‌ها درست باشد! آیا کارهایی که به این دلایل می‌کنیم، به معنی این نیست که او (انسان) را موجودی می‌دانیم که در مورد این که به چه چیز تبدیل شود، باید برایش تصمیم گرفت و براساس آن برنامه‌ریزی دقیقی کرد. با اجرای این برنامه و پایش فرایندها و خروجی‌ها، رسیدن به هدف را می‌توان تضمین کرد؟ آیا این همان جمله‌ی آشنایی نیست که واتسون گفته است؟!

دلیل دیگری که احتمالاً در ذهن خواننده برای توجیه اجرای روش جاری آموزشی هست، این است که مخاطب این روش‌ها کودکان هستند و رفتار قیّم‌مآبانه برای کودکان معنی‌دار است.

اومد، اومد...

شلوغی خاصیت کلاس بود؛ هیاهو و جنب و جوش. مثل موج رودخانه‌ای که زندگی‌اش زنگ تفریح است و هیجان. و کلاس، فرصتی که اگر پیدا می‌شد، وقت آسودن آب. تا با گوش دادن به صحبت‌های ساحل بداند که این بار باید با کدام موج سفر کند و چگونه به هیجان و شتاب‌هایش پاسخ گوید. کلاس مثل چاله‌هایی بود پشت صخره‌های تیز رودخانه که تازه‌تازه دل به فرسایش آب داده بودند و صیقلی شده بودند.

این کلاس با بقیه‌ی کلاس‌ها فرق داشت. دیگر تعبیر رود و موج و امثالهم از آن نمی‌شد. همه‌ی همکاران از این کلاس شکایت داشتند. این موضوع را در اولین شورای

دبیران فهمیدم. تقریباً از بین تمام دبیران، فقط من از این کلاس راضی بودم. نه این که فکر کنید خیلی بیست بیست بودند، نه، اصلاً قصه این نیست. من اصلاً به دانش‌آموز و کلاس این‌طور نگاه نمی‌کنم که: «کلاس باید برای من راحت و ساکت باشد.»

تا به حال نشده بود مثل معلم‌های همکارم، به این کلاس لقب شیطان بدهم. آخر از نظر من خرج کردن خیلی چیزها را خودمان به غلط یاد بچه‌هایمان می‌دهیم. مثل همین کلمه‌ی شیطان که لایق فرشته‌هایی مثل بچه‌ها نیست.

معلم‌ها داشتند در جلسه‌ی سرّی شورای دبیران نظر می‌دادند که باید توبیخ انضباطی برای این بچه‌ها در نظر بگیرند... گوش‌های من انگار به مناظره‌ای گوش می‌داد که کسی جز من و خدا نمی‌شنید... «فرشته بودن که لایق توبیخ نیست! چرا برای خود بودن این قدر باید بها پرداخت؟ اگر ما الان از این فرشته‌ها بخواهیم که خودشان نباشند، نمی‌شود آموزش دروغ‌گویی؟...» و هزار و یک سؤال که در ذهنم می‌چرخید...

ناگهان متوجه هجمه‌ی سکوت و نگاه‌هایی شدم که گویا مدتی است متوجه من شده بود، خانم مدیر پرسید: «نظر شما چیه، خانم رجبی؟»

مثل بچه‌هایی که مچشان توسط معلم باز شده باشد، آرام پرسیدم: «درباره‌ی؟»
«درباره‌ی فرشته دیگر؟»



کتابیون رجبی‌راد



گفتم: «دختر بسیار خوبیه! درسش عالیه! سر کلاس خیلی به من کمک می‌کنه و چون استعداد این رو داره که مثل یه کارگردان عمل کنه، برام یه دستیار خیلی خوبه.»

چشم‌های از حدقه درآمده‌ی معلمان را می‌دیدم که پر بود از سؤال، یا شاید هم تردید. اما بعدها یکی از همکاران که با من خیلی دوست شده بود، بهم گفت همه تقریباً به عقل من شک کرده بودند.

راستش من نظرم را گفته بودم و هیچ وقت هم فرشته، مرا اذیت نکرده بود. اما از آن روز، به طور نامحسوسی توجه بیشتری به فرشته می‌کردم. رفتاراش را زیر نظر گرفتم تا بدانم کجای گفتار و رفتاراش معلمان دیگر را تا این حد آزرده است. البته، هرگز با این پیش فرض که دختر بدی است و شیطان، به او نگاه نمی‌کردم.

فرشته باهوش بود. زودتر از بقیه یاد می‌گرفت. دست تندی هم داشت. تمرین و امتحان، هر چه را که کتبی بود هم زود تحویل می‌داد. بیکار که می‌شد، زیر زیرکی شروع می‌کرد به حرف زدن، و چون خوب می‌توانست بقیه را مدیریت کند، همه‌ی دور و بری‌هایش را تقریباً از تمرین نوشتن می‌انداخت. خیلی اتفاقی از یکی از دوستانش شنیدم که اهل کارهای اضافه و کتاب خواندن و از این جور فعالیت‌هاست.

آن روز، آرام رفتم و کنارش ایستادم. دستم را گذاشتم پشتش و به نشانه‌ی دادن آرامش، کمی پشتش را مالیدم. صورتش را نزدیک گوشش بردم و طوری که فقط خودش بشنود، گفتم: «اگه این کاری رو که می‌گم بکنی، می‌ذارم به پروژه‌ها و کارهای دیگه‌ات برسی.»

انگار دنیا را به او داده بودند. طی یک توافق پنهانی میان من و او، فرشته شد مدیر کارهای خودش نه کلاس. شروع کرد به نوشتن سریع‌تر تکالیف و تمرین‌هایش. من هم زود به زود به کارهایش سرک می‌کشیدم که آیا درست می‌نویسد یا نه؟

شاید باور کردنی نباشد. همان دانش‌آموزی که تا بیست دقیقه‌ی قبل هر کتابی دلش می‌خواست در می‌آورد و به بهانه‌ی تمام شدن تمرین کلاسی‌اش، شروع می‌کرد به خواندن، حالا به آرامی از من اجازه گرفت که تمرین‌های ریاضی‌اش را حل کند.

بلند شد رفت به شופاز تکیه داد، تکالیفش را روی زمین پهن کرد و با تمرکز زیاد شروع کرد به حل کردن آن‌ها. با این کار، من به او اجازه داده بودم به ذهن خودش انسجام بدهد. در ضمن، سکوت کلاس را رعایت کند. دفعه‌ی بعد هم همین کار را کرد.

من هم درست همان موقع که او می‌رفت سر درس دیگر، نکات مهمی را از لابه‌لای تمرین‌ها به بقیه‌ی بچه‌ها می‌گفتم. دفعه‌ی بعد، دقیقاً از همان نکته‌ها از فرشته سؤال می‌پرسیدم. جالب‌تر این است که بسیاری از آن‌ها را درست جواب می‌داد، اما چند جایی هم گیر افتاد.

جلسات بعدی، دیدم اشتیاق او برای جدا شدن از کلاس و نشستن کنار شופاز کم شده است، اما همچنان کتاب ریاضی یا درس‌های دیگر را در می‌آورد. آرام آرام توجه من به بچه‌های دیگر بیشتر شد. به میزی که فرشته سر آن نشسته بود نزدیک می‌شدم، اما جواب بغل دستی‌اش را می‌دادم. کتاب ریاضی او را نگاه می‌کردم، اما نمی‌گذاشتم حرفی برای گفتن میان ما ردوبدل شود؛ نه آن طور که فکر کند با او قهر کرده‌ام. درست مانند قبل، باز هم دستم را به گرمی بر پشتش می‌گذاشتم، اما حرکت نمی‌دادم.

چندی گذشت و فرشته که تشنه‌ی حرف زدن بود، منتظر بود میان من و او کلامی ردوبدل شود. از طرف دیگر، چون به او اجازه داده بودم سر کلاس آن طور که دوست دارد رفتار کند، خجالت می‌کشید وقت کلاس را با سؤال‌آلاتش که منطق معلم را درگیر می‌کرد و کلاس را به چالش و می‌داشت، تلف کند. بدجوری گیر کرده بود. هم دلش می‌خواست سر کلاس هر کاری می‌خواهد بکند، هم توجه معلمی را می‌خواست که دوستش داشت. نمی‌دانست چگونه رفتار کند.

یک روز که مثل همیشه حس کردم الان موقع سر رفتن حوصله‌ی فرشته است، دیدم برخلاف انتظار من، با تمام وجود دارد تمرین حل می‌کند؛ تمرین درس کلاس خودمان را. با خودم فکر کردم که بالاخره حوصله‌اش سر می‌رود و بیست دقیقه یا نهایت نیم ساعت بیشتر این طور دوام نمی‌آورد. اما با تعجب کامل دیدم، یک کتاب زبان درآورد و شروع کرد به حل کردن تمرین. از آن جایی که زبانش خیلی خوب بود، به اشکال بر نمی‌خورد که بخواهد به بهانه‌ی آن با من سر حرف را باز کند.

من که دیدم بالاخره توانسته است حریم کلاس و چارچوب آن را بفهمد، جلو رفتم و باز مثل قدیم‌ترها دستم را به گرمی پشتش کشیدم و گفتم: «حتماً کتاب خوبیه که توانبخش کردی!»

لیخنند رضایت بر لبانش ظاهر شد. مدت‌ها بود این قدر فرشته کوچولو را آرام و راضی، و البته هنوز پرهیجان و پر انرژی ندیده بودم.

من به او اجازه داده
بودم به ذهن خودش
انسجام بدهد

حقوق و آزادی



آشنایی با حقوق - بخش دوم

کلیدواژه‌ها: حق، آزادی، امنیت.

اشاره

فصل سوم قانون اساسی، به مهم‌ترین حقوق شهروندی در قوانین ایران - حقوق فردی و آزادی‌های عمومی - اشاره دارد.

۱. حق زندگی

زندگی موهبتی است که خداوند آن را به بشر ارزانی داشته و هیچ کس حق ندارد بی‌جهت این حق خداداد را از انسان سلب کند و حکومت‌ها موظف‌اند زندگی شهروندان خود را حفظ کنند. همچنین مقامات کشور نمی‌توانند به صورت خودسرانه، امنیت و جان افراد را به مخاطره بیندازند.

۲. امنیت فردی

در زمینه‌ی امنیت فردی، اصل بر این است که هیچ‌گونه بازداشتی ممکن نیست، مگر آن‌که به موجب قانون باشد. برای تضمین امنیت فردی، رعایت موارد زیر ضروری است:

۱-۲. اصل قانونی بودن جرم و مجازات

برای این‌که در هر جامعه امنیت فردی تضمین شود، باید تمام احکامی که از طرف دادگاه صادر می‌شود، مستند به قانون باشد و از جانب مقامات، صلاحیت‌دار شده باشد. اصل سی‌وششم قانون اساسی در این باره می‌گوید: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

اصل یکصد و شصت و ششم نیز قانونی بودن احکام دادگاه‌ها را بیان می‌کند: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشند که براساس آن حکم صادر شده است.»

۲-۲. ممنوعیت بازداشت خودسرانه

در جامعه‌ای که حاکمیت قانون و اصل قانونی بودن جرم و مجازات رعایت می‌شود، هیچ‌گونه بازداشتی ممکن نیست، مگر آن‌که مجوز آن از طرف مقامات قضایی و به موجب قانون صادر شده باشد. در اصل سی‌ودوم قانون اساسی آمده است: «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت



بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، پرونده‌ی مقدماتی به مراجع صالحه‌ی قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.»

البته ممنوعیت بازداشت با استثناهایی به شرح زیر مواجه است: - در جرائم مشهود و یا جرائم علیه امنیت کشور. - توقیف احتیاطی، بدون مجوز قضایی، به مدت کوتاه. همان‌طور که در قانون اساسی آمده است، فقط به مدت ۲۴ ساعت.

۳-۲. علنی بودن محاکمات

«رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...»

اصل شصت و پنجم قانون اساسی نیز می‌گوید: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد»

۴-۲. حق استفاده از وکیل

اصل سی و پنجم: «در همه‌ی دادگاه‌ها، طرفین دعوی، حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.»

۵-۲. آزادی ارتباطات

اصل بیست و پنجم: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.»

۶-۲. آزادی عقیده و بیان

اصل بیست و سوم: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» اصل بیست و چهارم: «تشریفات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد...»

۷-۲. آزادی کار و شغل

اصل بیست و هشتم: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه‌ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل ایجاد کند.»

منبع

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



مهارت درمائی

سیمین جهانی

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های زندگی، آموزش، سازگاری.

انتخاب‌های دیگر (برای تصمیم‌گیری)؛ تشخیص راه‌حل‌های جدید برای مشکلات.



برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی، از جمله روش‌هایی است که برای رفتارهای ناهنجار در افراد، از جمله در دانش‌آموزان، مناسب به نظر می‌رسد. آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان، مورد تأکید بسیاری از مربیان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت بوده است. از نظر **جان دیویی**، هدف تعلیم و تربیت، آماده کردن شهروندان برای خودگردانی است و این یادگیری مثل هر یادگیری دیگر، باید از راه عمل صورت بگیرد. به نظر او، بزرگ‌ترین نقص آموزشگاه‌های سنتی که مایه‌ی بسی تأسف است، آن است که در آن سعی می‌شود در محیطی که فاقد هر گونه روح اجتماعی است، اعضای شایسته و مفیدی برای اجتماع تربیت یابند. مهارت‌های زندگی عبارت‌اند از توانایی‌ها، دانش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و مهارت‌های عملی که سبب احساس شادمانی و موفقیت در فرد می‌شوند. نتیجه‌ی یادگیری مهارت‌های زندگی، افزایش توانایی‌های روحی و اجتماعی و عزت‌نفس در فرد و بروز رفتارهای سازگارانه و مثبت است. این مهارت‌ها فرد را قادر می‌سازند تا مسئولیت‌ها و نقش اجتماعی خود را بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران، با خواسته‌ها، انتقادات و مشکلات روزانه، به ویژه در روابط بین فردی، به شکل مؤثری روبه‌رو شود. در آموزش مهارت‌های زندگی، با کثرت روش‌های تدریس مواجه هستیم و اساساً نمی‌توان روش‌هایی قطعی را تجویز کرد، بلکه بسته به موقعیت، معلم می‌تواند از روش‌های متناسب با موضوع و با توجه به امکانات استفاده کند.

سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۴) ۱۰ مهارت را به‌عنوان مهارت‌های زندگی ذکر کرده است. معلمان می‌توانند برای افزایش این مهارت‌ها در خود و دانش‌آموزان بکوشند:

- **تفکر انتقادی:** ادراک تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار؛ آگاهی از نابرابری‌ها؛ پیش‌داوری‌ها و بی‌عدالتی‌ها؛ واقف شدن به این موضوع که دیگران همیشه درست نمی‌گویند.
- **مقابله با هیجانات:** شناخت هیجان‌های خود و دیگران؛ ارتباطات هیجان‌ها با احساسات، تفکر و رفتار؛ مقابله با ناکامی، خشم، بی‌حوصلگی، غمگینی، ترس و اضطراب؛ مقابله با هیجان‌های شدید دیگران.
- **مقابله با استرس:** مقابله با موقعیت‌هایی که قابل تغییر نیستند؛ فنون مقابله برای موقعیت‌های دشوار (فقدان، طرد و انتقاد)؛ مقابله با مشکلات بدون توسل به مصرف مواد مخدر؛ آرام ماندن در شرایط فشار؛ تنظیم وقت.
- **توانایی همدلی:** علاقه داشتن به دیگران؛ تحمل افراد؛ دوست داشتنی تر شدن؛ احترام قائل شدن برای دیگران؛ رفتار بین فردی با پرخاشگری کمتر.
- **مهارت‌های ارتباطی:** برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی مؤثر؛ ابراز وجود؛ مذاکره؛ غلبه بر خجالتی بودن؛ گوش دادن.
- **مهارت‌های بین فردی مناسب:** دوست‌یابی؛ شروع و خاتمه‌ی ارتباطات.

منبع

۱. شجاعی، ستاره. تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر میزان اختلال سلوک دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی. ناظر: دکتر علی خانزاده. دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. ۱۳۸۳.

● خودآگاهی: آگاهی از نقاط قوت و ضعف خود؛ آگاهی

از حقوق و مسئولیت‌های خود؛ توضیح ارزش‌ها؛ رشد ویژگی‌های شخصی؛ ایجاد و تقویت ویژگی‌های شخصیتی از قبیل: اتکا به نفس، استقلال، واقع‌گرایی، ارزش شخصی و اراده.

● **حل مسئله:** تشخیص مشکلات، علل و ارزیابی دقیق آن‌ها؛ تشخیص کارهایی که می‌توان انجام داد؛ درخواست کمک؛ مصالحه (برای حل تعارض)؛ آشنایی با مراکزی که به حل مشکلات کمک می‌کنند؛ تشخیص راه‌حل‌های مشترک برای جامعه.

● **توانایی تصمیم‌گیری:** تصمیم‌گیری فعالانه بر مبنای آگاهی از حقایق که انتخاب‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ تصمیم‌گیری بر مبنای ارزیابی دقیق موقعیت‌ها؛ تعیین اهداف واقع‌بینانه؛ برنامه‌ریزی و پذیرش مسئولیت اعمال خود؛ آمادگی برای تغییر دادن تصمیم‌ها به منظور انطباق با موقعیت‌های جدید.

● **تفکر خلاق:** تفکر مثبت (مثبت‌اندیشی)؛ یادگیری فعال (جست‌وجوی اطلاعات جدید)؛ ابراز وجود؛ تشخیص حق



معجزه خوش بینی

بتول سبزل علی سنجانی

کلیدواژه‌ها: خوش بینی، نوجوانان، زندگی.

اشاره

آدم‌ها حاصل خیز می شوند، یا مثل کویپر و بیابانی بی آب و علف تا انتهای زندگی خشک سالی را تجربه می کنند. نکته‌ی مهمی که من در دوران معلمی ام آموختم؛ این است که بچه‌ها از رفتار ما می آموزند تا از حرف‌های ما. عمل کردن ما، شیوه‌ی زندگی ما، نگاه ما به دنیا و جهان هستی، مردم، مشکلات، آینده و تجربه‌های زندگی ما، مهم ترین معلم زندگی نوجوانان محسوب می شود. مثبت زندگی کردن، داشتن نگاه مثبت به زندگی و خوش بین بودن به نوجوانان، معجزه می کند. دیدن توانایی آنان و اعتماد کردن به آن‌ها و اشتباه‌ها و خطاهای آنان را به عنوان بخشی از ماجرای رشد پنداشتن، آنان را دل گرم می کند، به زندگی امیدوارشان می سازد و به زنان و مردان آینده‌ی این سرزمین تبدیلشان می سازد.

نگاه مثبت به نوجوانی و به توانایی‌ها و توانمندی‌های نوجوانان، رمز رشد و بالندگی آنان است. نگاه مثبت، برخلاف نگاه آسیب شناسانه،

من یک معلم. بیشتر عمرم در آموزش گذشته است. سر کلاس درس حاضر شده‌ام و با دانش آموزان زندگی کرده‌ام. نیمی از عمرم در مدرسه گذشته است. همه‌ی این راه را با نوجوانان سپری کرده‌ام؛ در دوره‌ی راهنمایی. در مناطق گوناگون درس داده‌ام. به تجربه دریافته‌ام، نوجوانی بهترین دوران زندگی آدم‌هاست. تولد دوباره‌ی آن‌هاست. تولد روان شناختی و اجتماعی آدم‌ها در این دوره شکل می گیرد و آثار آن تا پایان زندگی ماندگار است. در این دوره است که آدم‌ها بدبین می شوند یا خوش بین. در این دوره است که



به دنبال کشف توانایی‌ها و قوت‌های نوجوانی است. این نگاه، همه‌ی تهدیدهای این دوره را فرصت‌هایی برای رویش و رشد و بالندگی در نظر می‌گیرد. نوجوان به دنبال استقلال است. نوجوست. آرام نیست. دنبال کشف است. راحت قانع نمی‌شود. مخالفت می‌کند. مقاومت می‌کند. خطر می‌کند و آرام و قرار ندارد. تا نفهمد، نمی‌پذیرد. ارزش‌های بزرگسالان را درک نمی‌کند. به دنبال ارزش‌هایی است که خودش انتخاب می‌کند. در زندگی به دنبال قهرمانی می‌گردد. در گذشته نمی‌ماند. رو به سوی آینده دارد. نمی‌توان به راحتی از او انتظار چشم‌شبین داشت. نمی‌خواهد در خانه‌ای که ما برایش می‌سازیم زندگی کند. می‌خواهد زندگی‌اش را خودش بسازد. لذت بردن را دوست دارد. خوش‌بین است. امیدوارانه در جاده‌های زندگی گام می‌زند.

این‌ها همه ما را سردرگم می‌کند و به هراس می‌اندازد. در حالی که زندگی بارآور و رضایت‌بخش، خشنودکننده و شادی‌بخش است. برخلاف آن‌چه تصور می‌شود، زندگی شاد، زندگی بدون چالش نیست. مردم و به خصوص نوجوانان، به چالش در زندگی نیاز دارند. آن‌ها به کارهایی روی می‌آورند که مهارت‌هایشان را مورد امتحان قرار دهد. نوجوانان به فرصت‌هایی نیاز دارند تا افکار و آرای نو را بیاموزند و توانایی‌ها و استعدادهایشان را رشد دهند. به فرصت‌هایی نیاز دارند تا به استقلال و خودمختاری میدان دهند و بتوانند در جاده‌ی موفقیت گام بردارند.

زندگی بارآور، یک زندگی تمام عیار و کامل است. لذت‌بخش است. شوق به زندگی در آن موج می‌زند. بامعناست. کامل است. نوجوانان در زندگی در جست‌وجوی هیجان‌های مثبت هستند. در این نوع زندگی، نوجوانان از انجام اعمال هدفمند مثل ورزش کردن و کتاب خواندن لذت می‌برند؛ اعمالی که مطابق با توانمندی‌های آن‌هاست. نوجوانان به دنبال کشف و اکتشاف ناشناخته‌های زندگی هستند؛ به دنبال چیزی بیشتر از شادی.

زندگی در گیرانه، با غرق شدن در کار، روابط صمیمانه و تفریح‌های سالم تعریف می‌شود. زندگی در گیرانه، نوعی زندگی است که فرد با بهره‌گیری از توانمندی‌هایش نظیر شجاعت، مهربانی، خردمندی، دوست داشتن، مهر ورزیدن و دوست داشته شدن در عرصه‌های گوناگون، می‌کوشد به زندگی خوب دست پیدا کند.

زندگی بی‌خطر نیست. هر خطری دو سو دارد: موفقیت و ناکامی. نمی‌توان بی‌تن دادن به شکست، یکسره به موفقیت و کام‌یابی چشم دوخت. اشتباه کردن و زمین خوردن، بخش جدایی‌ناپذیر این ماجراست. افراد وقتی به طور کامل در کاری درگیر می‌شوند، خستگی و هر چیز دیگری به غیر از خود فعالیت را از یاد می‌برند. این احساس به کسی دست می‌دهد که در حال خواندن یک رمان خوب یا بازی فوتبال خوبی است یا در حال گفت‌وگویی مهیج و جالب است.

زندگی خوب در عین حال زندگی بامعناست. معناداری در زندگی، با داشتن قصد و هدف در زندگی مترادف است. معنا داشتن باعث می‌شود فرد احساس خودکارآمدی داشته باشد؛ فعالیت‌هایش را مشروع بداند و احساس ارزشمندی کند. چنین افرادی، معمولاً گرایش دارند با کسان دیگری همکاری و مشارکت داشته باشند تا

بتوانند معنی‌هایی را که در زندگی دارند، با هم در میان بگذارند. این حس اجتماعی و همکاری گروهی، باعث کسب تأیید اجتماعی برای ارزش‌ها، باورها و اخلاقیات فردی و اجتماعی می‌شود و در نتیجه به ارزشمندی خویش و احساس خود ارزشمندی می‌انجامد.

نوجوان پُر است از هیجان‌های مثبت و متراکم. نوجوان با آن‌ها زنده است و آن‌ها سرمایه‌ی او برای رشد محسوب می‌شوند. ما برای کمک به رویش و رشد آنان، باید به این هیجان‌های مثبت توجه کنیم. هیجان‌های مثبت سازگاری روان‌شناختی افراد را افزایش می‌دهند و به بقای آدمی کمک می‌کنند. هیجان‌های مثبت اعمال و رفتار ما را گسترش می‌دهند، به جلو می‌برند و انعطاف‌پذیری رفتاری را تسهیل می‌کنند. در حالی که هیجان‌های منفی، خزانه‌ی رفتاری افراد را به سمت اعمال خاصی محدود و معطوف می‌سازند تا ما بتوانیم به رفتارهای محافظت از زندگی روی بیاوریم. مهربانی کردن به دیگران، در افزایش شادی سهم مهمی دارد. هر عمل مهربانانه مثل خون دادن، دستگیری از دیگران، دیدار از سالمندان آسایشگاهی آشنا و نوشتن نامه‌های تشکرآمیز، برای افزایش خشنودی از زندگی، شادکامی، هیجان‌های مثبت و به طور کلی حرکت به سمت سعادتمندی، اساسی قلمداد می‌شود.

باید کاری کرد تا افراد فعال‌تر باشند. زمان بیشتری را صرف اجتماعی شدن کنند. در کاری با معنا به بهره‌وری برسند. نظم داشته باشند. نگرانی را کنار بگذارند. انتظارات و آرزوهای دور و دراز خود را کم کنند. خوش‌بینانه فکر کنند. در زمان حال زندگی کنند. یک شخصیت سالم را الگوی خود قرار دهند. شخصیتی اجتماعی و خون‌گرم داشته باشند. خودشان باشند. روابط صمیمانه ایجاد کنند. احساسات منفی را حذف کنند. برای شادکامی ارزش قائل شوند و آن را اولویت اول در زندگی قرار بدهند.

نقش ما در این راه، کمک کردن به شکل‌گیری این جنبه‌های مثبت در زندگی نوجوانان است، نه سکان‌داری آن‌ها و نه سرکوبشان. ما باید در کنارشان باشیم تا آن‌ها با تکیه بر توانایی و تجربه‌ی ما و دانش و مهارت‌های ما، خود راهشان را انتخاب کنند. راه به دنیای نوجوانی، رفاقت کردن است. مذاکره، استدلال و همدلی کردن، همه و همه کمک می‌کنند تا در یک سطح دور هم بنشینیم و با هم گفت‌وگو کنیم. شنیدن صدای نوجوان، نقطه‌ی شروع این ماجراست. تا نشنوی، شنیده نمی‌شوی.

هیجان‌های مثبت، سازگاری روان‌شناختی افراد را افزایش می‌دهند و به بقای آدمی کمک می‌کنند

هیجان‌های منفی، خزانه‌ی رفتاری افراد را به سمت اعمال خاصی محدود و معطوف می‌سازد

نوجوانان به فرصت‌هایی نیاز دارند تا افکار و آرای نو را بیاموزند و توانایی‌ها و استعدادهایشان را رشد دهند





سپیده شهیدی

اجرا شود، داخل وبلاگ قرار می‌گیرد، دانش‌آموز می‌تواند در هر جایی که باشد، در زمانی که برایش مناسب است، این مطالب را فراگیرد. از آن‌جا که در وبلاگ امکان پرسش و پاسخ در قسمت نظرات وجود دارد، سؤال‌های دانش‌آموز نیز بی‌جواب نمی‌ماند و هر کجا که ابهامی وجود داشت، با معلم یا دیگر افراد عضو وبلاگ تبادل نظر می‌شود.

رسانه‌های هم‌زمان ^۱	رسانه‌های غیرهم‌زمان ^۲
- گفت‌وگو از طریق chat - کنفرانس تلفنی - ویدیو کنفرانس	- وبلاگ - ویکی^۳ - سایتهای به اشتراک‌گذاری عکس، فیلم و... - سایتهای خبری

وبلاگ و دیگر رسانه‌های غیرهم‌زمان، وقت کافی را برای تفکر و تأمل در اختیار یادگیرنده قرار می‌دهند و او می‌تواند بدون هیچ تنش و اضطرابی، مطالب را با سرعتی که برایش مناسب است، بخواند، بیاموزد و در مدت زمان کافی، به پاسخ سؤال‌ها فکر کند. البته باید توجه داشت که استفاده از وبلاگ همواره به صورت موازی و در کنار کلاس درس است، چرا که بسیاری از مهارت‌های دانش‌آموز مانند اظهار عقیده در میان جمع، سرعت در یادگیری و انتقال مطالب، و پاسخ به سؤالات، باید در کلاس درس پرورش یابند.

● در وبلاگ آموزشی، برنامه‌ریزی درسی بر اساس نیاز دانش‌آموز تنظیم می‌شود و مشارکت محور است.

در کلاس‌های درس سنتی، معمولاً همه‌ی دانش‌آموزان به یک شیوه‌ی مشترک تعلیم می‌بینند. به عبارت دیگر، با وجود آن‌که روش فراگیری یک مطلب برای هر فرد متفاوت

اشاره

در شماره‌ی قبل بیان شد که وبلاگ نوعی ابزار نشر اینترنتی ساده است که نویسندگان را قادر می‌سازد به سرعت و به آسانی، مطالب خود را در وب منتشر سازد. همچنین، به برخی فایده‌های استفاده از وبلاگ در کلاس درس، از جمله بهبود روحیه‌ی مباحثه و همکاری بین دانش‌آموزان، تقویت مهارت‌های خواندن و نوشتن، و ایجاد انگیزه در آن‌ها اشاره شد. از آن‌جا که وبلاگ فضایی است در دسترس عموم، بر این نکته نیز تأکید شد که دانش‌آموزان پیش از انتشار مطالبشان در وبلاگ، باید آموزش‌های کافی دیده باشند. از این پس، در هر شماره، به چند مورد از استفاده‌های وبلاگ در کلاس درس پرداخته خواهد شد.

● استفاده از وبلاگ، یادگیری را از زمان و مکان مستقل می‌سازد.

در مدل آموزش سنتی، یادگیری معمولاً مستلزم حضور در مکانی خاص و در ساعاتی معین است. چنان‌که اگر دانش‌آموز در زمان مشخصی در کلاس درس حضور نداشته باشد، یا به دلایل گوناگون، حضور او در کلاس فقط جنبه‌ی فیزیکی داشته باشد، به احتمال زیاد در آن مبحث درسی به مشکلاتی برخورد خورد و این امر همواره یکی از موانع یادگیری به شمار رفته است.

وبلاگ‌ها این قابلیت را دارند که آموزش را از قالب زمان و مکان خارج سازند. در حقیقت، هنگامی که محتوای یک جلسه از درس تقریباً با همان شکلی که قرار است در کلاس



از دیگری است، ولی به دلیل وجود محدودیت‌هایی نظیر مدت زمان آموزش، در طرح درس‌ها غالباً از یک روش برای آموزش همه‌ی افراد استفاده می‌شود. از سوی دیگر، این روش‌ها غالباً معلم محورند. یعنی برای این که دانش آموز مطالب را به درستی فراگیرد، وجود معلم به عنوان یک منبع اطلاعاتی و آموزشی در کلاس ضروری است.

آن چه امروزه در مباحث آموزشی به آن تأکید فراوانی می‌شود، مشارکت فعال تک تک اعضای کلاس در امر یادگیری است؛ به گونه‌ای که معلم فقط نقش هدایت کننده‌ی کلاس را به عهده داشته باشد. در حقیقت، معلم مگر در مواقع ضروری، نقش خوراک‌رساننده به مغز دانش آموز را ندارد، بلکه به او می‌آموزد که چگونه یاد بگیرد. هنگامی که فردی روش آموختن را بیاموزد، دیگر یادگیری او به حضور دائمی معلم یا فرد دیگری وابسته نیست، بلکه خود به یادگیرنده‌ی مادام‌العمر

وبلاگ قرار داد و از دانش آموزان خواست پس از مطالعه یا مشاهده‌ی مطالب، از دانسته‌ها یا تجربیات خود در مورد آن بنویسند. همچنین می‌توان سؤالاتی در ارتباط با موضوع مطرح کرد و اجازه داد تا دانش آموزان درباره‌ی جواب سؤالات بحث کنند، خود به تصحیح یکدیگر بپردازند و هر کجا لازم بود، برای جلوگیری از اشتباهات احتمالی یا به بیراهه رفتن بحث، آن‌ها را هدایت کرد.

همچنین، گاه ممکن است به دلیل محدودیت زمانی یا عوامل دیگر، به برخی مطالب مرتبط با یک موضوع در کتاب درسی پرداخته نشده باشد و بعضی دانش آموزان مایل باشند که در آن زمینه مطالب بیشتر یا کامل‌تری بدانند. در این مورد نیز می‌توان به جای اختصاص زمان زیادی از وقت کلاس به این مطالب، موضوع را در وبلاگ مطرح کرد و آن را به بحث گذاشت.

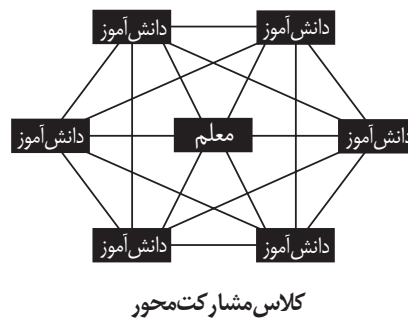
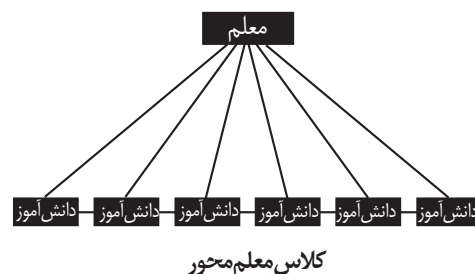
البته باید توجه داشت که بعضی دانش آموزان در ابتدا بسیار تمایل دارند که معلم همه‌ی مطالب را مرحله به مرحله بیان کند. نیاز این دانش آموزان نباید نادیده گرفته شود. در حقیقت، معلم باید این افراد را آرام آرام برای ورود به فضای مشارکت آماده کند تا خود به این مقوله علاقه‌مند شوند. در غیر این صورت، گویی دانش آموز در فضایی بزرگ و نامحدود و مملو از اطلاعات رها می‌شود و احساس سرگردانی و ناامنی خواهد کرد و چه بسا از آموختن به این شیوه کاملاً سرخورده شود.

دیگر این که چون هر کس می‌تواند به وبلاگ دسترسی داشته باشد، ممکن است بعضی نظرات اشتباه نیز در مورد یک مطلب نوشته شود یا این که نظر بعضی افراد تحت تأثیر افراد دیگر قرار گیرد. بنابراین، حضور معلم در نقش مدیر وبلاگ بسیار مهم است.

پی‌نوشت

1. synchronous
2. asynchronous

۳. ویکی (دانش‌نامه‌ی آزاد) به انواعی از وبسایت‌ها گفته می‌شود که به تمام بازدیدکنندگان، گاه حتی بدون نیاز به ثبت‌نام در سایت، اجازه‌ی ویرایش، افزودن یا حذف مطالب را می‌دهند.



تبدیل خواهد شد. در چنین دانش آموزانی، شوق یادگیری، اکتشاف و نیز ابتکار و خلاقیت، افزایش چشمگیر خواهد یافت. تحقق این امر در کلاس، فقط با مشارکت تک تک دانش آموزان میسر است و از آن جا که به دلایلی مثل کمبود وقت یا کمروبی بعضی دانش آموزان، این مشارکت در بسیاری از اوقات در کلاس اتفاق نمی‌افتد، وجود وبلاگ‌ها تا حدود زیادی می‌تواند این امر را تسهیل کند.

مثلاً برای تدریس یک موضوع، می‌توان قبل یا هنگام طرح آن در کلاس، بعضی مطالب خاص و انگیزاننده در ارتباط با موضوع را به همراه عکس، فیلم یا لینک‌های مورد نظر، در

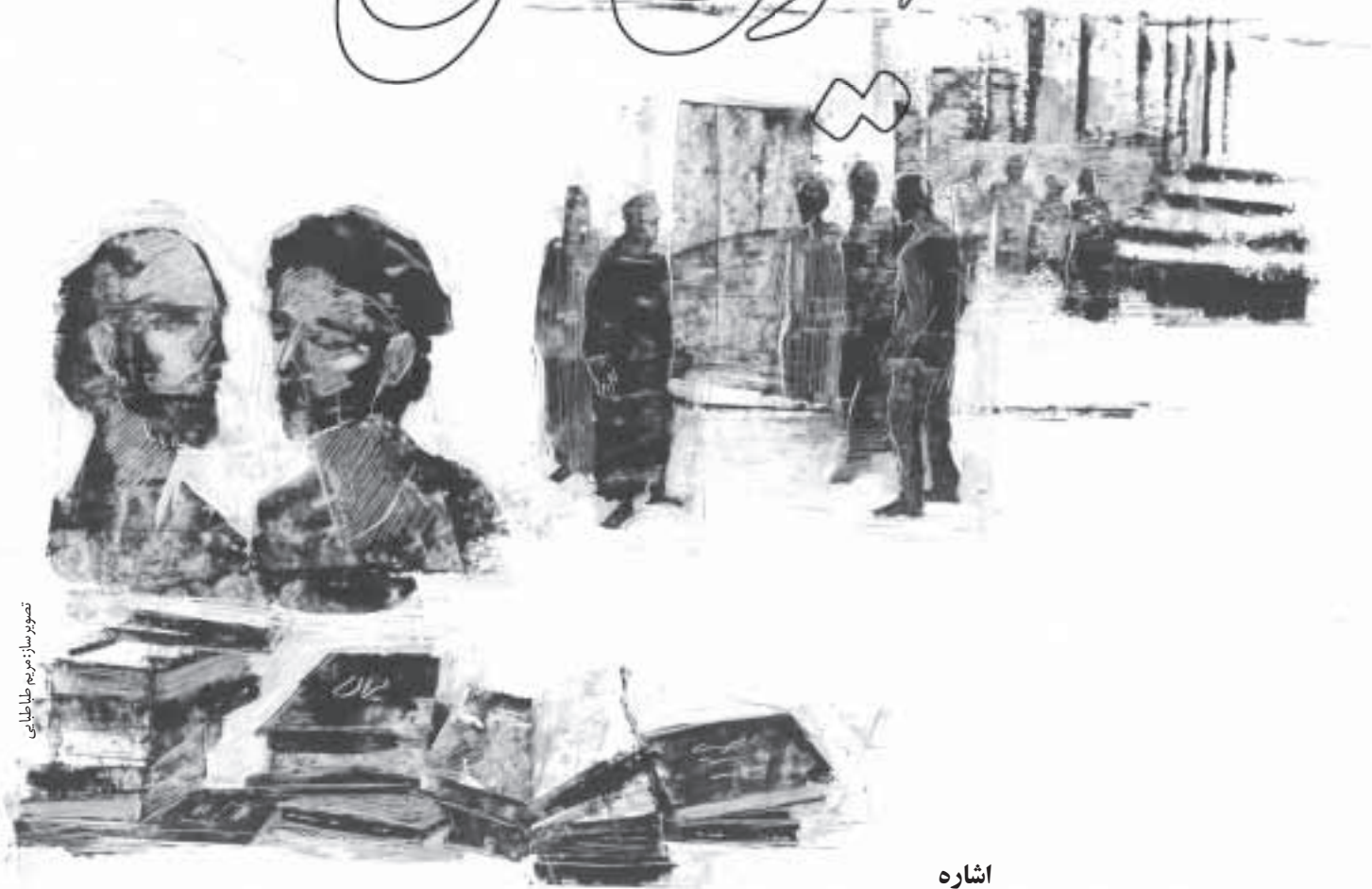
هنگامی که محتوای یک جلسه از درس تقریباً با همان شکلی که قرار است در کلاس اجرا شود، داخل وبلاگ قرار می‌گیرد، دانش آموز می‌تواند در هر جایی که باشد، در زمانی که برایش مناسب است، این مطالب را فراگیرد

بخش دوم

آموزشی در دوران اسارت

اسرائیلی با سوشل

گردآورنده: نفیسه ثبات



تصویر ساز: مریم علیا علی

اشاره

بسیاری از آزادگان سرافراز ایران اسلامی زمانی که از اسارت بازگشتند، سینه‌ای پر از خاطرات تلخ و شیرین داشتند. و البته نویسندگانی هم بوده‌اند که این خاطرات را ثبت کرده‌اند. خانم نفیسه ثبات، از جمله‌ی این نویسندگان است که با گروهی از آزادگان در اردوگاه موصل، گفت‌وگویی انجام داده و سپس حرف‌های داغ و تازه‌ی این عزیزان را با سلاح قلم، بر سینه‌ی سپید کاغذ حک کرده است. این خاطرات، به داستان‌هایی واقعی و سراسر آموزشی و تربیتی تبدیل شده‌اند تا به یاد داشته باشیم، یادگیری با حداقل امکانات و در شرایط سخت امنیتی، چه قدر شیرین تر و ماندگار تر می‌شود.

آن روز بعد از نماز همه را جمع کردم ته آسایشگاه: «بچه‌ها، می‌دونید که فردا پس فردا، صلیبی‌ها می‌خوان بیان. از الان باید حواسمون رو جمع کنیم، درست عمل کنیم. هر حرفی رو نباید بزنیم. درد دل‌های شخصی ما برای صلیب نیست. ما بهشان اعتماد نداریم. معلوم نیست از حرف‌های ما چه چیزایی به گوش عراقی‌ها می‌رسه. بهشون احترام بذارید. بذارین بفهمن ما چه جور مسلمونایی هستیم.»

حاج آقا ابوترابی هم نشسته بود و مثل بقیه با دقت گوش می‌داد. این دفعه باید از وضع کتاب‌هایمان به آن‌ها می‌گفتم. ما می‌خواستیم درس بخوانیم، کتاب خوب نداشتیم. می‌خواستیم قرآن بخوانیم، نداشتیم. قرار شد صلیب سراغ هر کس رفت، از کتاب‌های کهنه و قدیمی اردوگاه بگوید که به هیچ دردی نمی‌خورند. فشار بیاوریم تا برایمان کتاب‌های به روز بیاورند. خیلی وقت بود کفش نداده بودند؛ حتی برای دست‌شویی دمپایی نداشتیم. زیرپوش‌ها مان پاره بود، ولی نباید از هیچ کدام این‌ها می‌گفتم. فقط باید از کتاب‌ها حرف می‌زدیم. برای تمام درس‌ها کتاب می‌خواستیم: انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ریاضی، فیزیک، شیمی، نهج‌البلاغه، عربی، زیست، فارسی و... از اکابر تا دکترا. یک فهرست از این کتاب‌ها نوشتیم. حاج آقا ابوترابی هم یک فهرست برای خودش نوشت: تبيان، اصول فقه، جامع الدروس، منطق مظفر و...

صبح **مجید غلاث** فهرست‌ها را دید. کلی با هم خندیدیم. به حاج آقا گفت: «حاج آقا، این جا رو که نمی‌ذارن حوزه‌ی علمیه بشه.» حاج آقا هم خندید: «آقا جان ما می‌نویسیم، شد شد، نشد نشد.»

صبح کله‌ی سحر، دو تا گوسفند چاق و چله آوردند اردوگاه. دیگر معلوم شد نماینده‌های صلیب دارند می‌آیند. هیچ وقت از غذای ما به آن‌ها نمی‌دادند. گوشت‌های ما یخ زده بود. بعضی وقت‌ها کرم هم گذاشته بود. با همه‌ی این‌ها، بعضی‌هاشان می‌آمدند سر سفره‌ی ما غذا می‌خوردند.

ساعت نه، در اردوگاه - دری که خیلی کم باز می‌شد و زود بسته می‌شد - را باز کردند و گروه صلیب سرخ آمدند تو. ما نباید بیرون اردوگاه را می‌دیدیم. سربازها ما را عقب نگه داشته بودند. گونی‌های نامه را پشت سرشان می‌کشیدند روی زمین. از دور بعضی‌ها را شناختم: **پل و آر تور و خانم لوچیا**. سی سالش هم نمی‌شد. به خاطر ما پیرهن گشاد و آستین بلند می‌پوشید، روسری هم سرش می‌کرد. **نیکل** هم آمد، فرانسوی بود، ولی سوئیسی حرف می‌زد. جوان خوش‌هیکی بود. بیشترشان سوئیسی بودند. همه‌شان لیسانس داشتند. انگلیسی و سوئیسی را مسلط بودند.

من و پل و چند تا از بچه‌ها با هم حرف می‌زدیم که عباس از آن طرف آمد و با پل دست داد و به فرانسه با او سلام و علیک کرد. چند وقت بود توی کلاس فرانسه اسم نوشته بود و توی هشت ماه مسلط شده بود؛ اوایل که صلیب می‌آمد، فقط چند نفر انگلیسی حرف می‌زدند. آن‌ها مجبور بودند با خودشان مترجم بیاورند. حالا بیشتر بچه‌ها مستقیم با آن‌ها حرف می‌زدند. صلیبی‌ها هم بین خودشان فرانسوی حرف می‌زدند که ما نفهمیم. عباس هم می‌خواست حال پل را بگیرد، گرفته بودش به حرف و تندتند به فرانسه از مشکلات اردوگاه می‌گفت. پل مانده بود چه کند؟ به او گفت: «همین چند ماه پیش تو فقط انگلیسی حرف می‌زدی؟»

دستش را گذاشت روی شانه‌ی پل و گفت: «می‌دونی چیه؟ من روزها انگلیسی می‌خونم، شب‌ها فرانسه می‌ذارم زیر سرم.»

دیگر نتونستم جلوی خودم را بگیرم، زدم زیر خنده. پل نفهمید چه می‌گوید. عباس برایش توضیح داد: «ما روی کاغذ سیگار و کاغذ تایید، درس می‌خونیم. کاغذ تایید رو می‌ذاریم خیس می‌خوره، لایه لایه از هم جدایش می‌کنیم، بعد می‌ذاریم دوباره خشک بشه و هر کدومش یک صفحه برای جزوه نوشتن بشه. این‌ها را توی بالشمون جاسازی می‌کنیم. شب‌ها در می‌آریم، تا صبح تمرین می‌کنیم. حالا دلتون می‌یاد برامون کتاب نیارید؟»

پل چیزی نداشت که بگوید، فقط یک جمله گفت و رفت: «پدر من می‌گفت، ایرانی‌ها باهوش‌ترین انسان‌های دنیان، اگه بهشون میدون بدین، از میدون به درت می‌کنن.»

ما می‌خواستیم درس
بخوانیم، کتاب خوب
نداشتیم. می‌خواستیم
قرآن بخوانیم، نداشتیم

ما روی کاغذ سیگار
و کاغذ تایید درس
می‌خونیم. کاغذ تایید
رو می‌ذاریم خیس
می‌خوره...

تاریخ آموزش و پرورش در ایران

بخش دوم



فاطمه محمودیان

قرآن کریم، پاره‌ای از لغات عربی کم‌کم در زبان پهلوی (فارسی) راه یافت. اولین مکان تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش قرآن کریم بود. مساجد ایران همانند مساجد تمام ممالک اسلامی، هم محل عبادت و پرستشگاه مسلمین به شمار می‌رفتند و هم به عنوان مرکز علمی - آموزشی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. این اوضاع و شرایط، از همان ابتدای اسلام در ایران نیز مشهود است، با این تفاوت که در ایران، مراکز تعلیم و تربیت زودتر و سریع‌تر از سایر بلاد اسلام از مساجد جدا گشت.

مکتب‌خانه‌ها

اهمیت بسیاری که دین اسلام برای علم و علم‌آموزی قائل است، عامل توسعه و رشد مراکز آموزش و مکتب‌خانه‌ها شد. از همان قرون اولیه‌ی هجری، مسجد محل پرورش و خاستگاه تفکرات بزرگی شد که در قرون بعد، علوم اسلامی را شکل داد و به اوج رساند. جویندگان دانش از نقاط دیگر به مساجد کشیده شدند و به تدریج در حجره‌ها سکنا گزیدند. لذا مسجد دیگر نمی‌توانست نیازهای آموزشی را برآورد. وقتی تعداد کودکان تحت تعلیم بیش از پیش افزایش یافت، آموزش کودکان به تدریج از مسجد جدا و در محل‌ها و گذرهای دورتر تشکیل و در مکتب‌خانه‌ها متمرکز شد. به هر صورت، علت جدایی مکتب از مسجد را کثرت دانش‌آموزان

کلیدواژه: ایران، آموزش و پرورش، مسجد، مکتب‌خانه.

اشاره

تاریخ آموزش و پرورش ایران در دوره‌ی باستان، موضوعی بود که در شماره‌ی قبل به توضیح آن نشستیم. اما در دوره‌ی ایران اسلامی، نظام آموزش و پرورش کشور ما تغییرات زیادی به خود دید. از جمله این که مکتب و مکتب‌خانه، به عنوان نخستین محل آموزش و تربیت در ایران پا گرفت.

مسجد، محور آموزش و پرورش

با ورود اسلام به ایران، دو گونه تعلیم و تربیت در آن واحد در ایران رواج داشت: یکی مخصوص کسانی که به دین نیاکان خود باقی مانده بودند و نوع دوم برای کسانی که به اسلام گرویده بودند. برای خواندن قرآن، به تدریج عده‌ای الفبای عربی آموختند، ولی تعلیم اصول دین شفاهی بود و در مساجدی که کم‌کم در بعضی از شهرها برپا می‌گشت، انجام می‌یافت. برای توده‌ی مردم، به طور کلی وسایل تعلیم خواندن و نوشتن فراهم نبود، ولی اصول و فروع دین و اخبار و احادیث، در شهرهایی که مسجد داشت، به طور شفاهی بیان می‌شد. با ورود الفبای عربی به ایران و تعلیم قرائت

و کمبود محل مناسب و نیز عدم رعایت طهارت توسط کودکان ذکر کرده‌اند. هدف اصلی و دائمی مکتب، آموزش خواندن و نوشتن به مردم، و آشنا کردن آن‌ها با اصول و قواعد دینی بود. افزودن بر آن، دانش‌آموز در کنار فراگیری متن، احترام به معلم و علم را نیز می‌آموخت و اولین تعلیم معلم، شکل دادن رفتار و دیدگاه دانش‌آموز نسبت به دانش و معلم بوده است.

حقوق آموزگاران و کرایه‌ی محل مکتب، توسط اولیای شاگردان پرداخت می‌شد. علاوه بر «درس‌بها»، آموزگار گاهی از شاگردان، به مناسبت عید، هدیه‌ای می‌گرفت و یا برای ختم قرآن از سوی شاگردان، مبلغی به عنوان «حق ختم» به وی پرداخت می‌شد. درس‌بهای معلمان به شکل ثابت و یکسان نبود.

موضوعاتی هم‌چون ورود و خروج، حضور و غیاب، تنبیهات و تشویقات، همه به وسیله‌ی معلم و در چارچوب پیشنهادهای اولیای مذهبی وقت صورت می‌گرفت. در بعضی کشورهای مسلمان، مکتب‌ها مختلط نبودند. مکتب‌خانه‌هایی برای پسران با معلم مرد وجود داشت، اما در ایران می‌توان صراحتاً ابراز کرد که مکتب‌خانه‌ها مختلط بودند و دختر و پسر با هم به کلاس می‌رفتند.

سازمان‌دهی مواد آموزشی

سازمان‌دهی مواد آموزشی توسط معلم صورت می‌گرفت و نظام مکتبی تشکیلات مرکزی واحد نداشت. اصولاً معلمان فرصت‌های تمرین تجربی را برای شاگردان در کلاس فراهم می‌کردند و همان‌جا یادگیری تحت نظم و انضباط در می‌آمد و با یادآوری تقویت می‌شد. آموزگار با پس گرفتن درس خوانده شده در مکتب‌خانه، آموخته‌های شاگرد را ارزش‌یابی می‌کرد.

ورود به مکتب

برای ورود به مکتب، هیچ‌گونه محدودیت سنی و یا اجباری وجود نداشت. چرا که هیچ‌گاه برای آموختن خواندن و نوشتن دیر نبود و شاگرد در هر لحظه از سال می‌توانست به راحتی وارد مکتب شود. مکتب را عموماً اشخاص تأسیس می‌کردند. لذا سازمان و ضوابط درونی واحدی برای آن وجود نداشت و براساس سلیقه و خواست مؤسس آن اداره می‌شد. البته اراده و خواست مکتب‌دار نیز نقش اساسی را داشت.

با توجه به پراکندگی و گوناگونی مکتب در ایران، به طور کلی می‌توان دو هدف اساسی برای آن ذکر کرد:

۱. تجهیز کردن مردم برای زندگی و دادوستد و ارتباط متقابل، به حداقل سواد مورد نیاز جامعه و زمان؛

۲. آماده و تجهیز کردن افراد به منزله‌ی یک دوره‌ی پیش‌نیاز و آمادگی برای ورود به مدارس علمیه.

روش آموزش

روش آموزش در مکتب‌خانه‌های ایران، آموزش فردی بود و هر شاگرد که از معلم درس می‌گرفت، خود آن درس را به شاگردان دیگر در سطوح پایین‌تر می‌آموخت. در مکتب، غالباً یادگیری براساس حفظ مطالب صورت می‌گرفت. برای تأمین نظم و انضباط نیز تنبیه رایج بود.

عقیده‌ی شگفت‌انگیز

از نکات شگفت‌انگیز آموزشی در آن دوره، عقیده‌ی مردم آن زمان (قرون اولیه‌ی هجری) در مورد اثر ویژه‌ی آموزش مکتبی در شکل بخشیدن به توانایی‌های کودک است. اگر شاگردی در پایان یک مدت آموزشی، خواندن و نوشتن نمی‌دانست، مقصر شناخته نمی‌شد، بلکه این معلم بود که مورد سرزنش قرار می‌گرفت و گاه از خدمت معلمی خلع می‌گردید. در آموزش کودک، به عناصر محیط اهمیت بیشتری داده می‌شد تا به توانایی‌های ارثی یا قدرت یادگیری ذاتی.

در شماره‌ی آینده، درباره‌ی چگونگی تشکیل مدارس در ایران صحبت خواهیم کرد.

اگر شاگردی، در پایان دوره، خواندن و نوشتن نمی‌دانست، مقصر شناخته نمی‌شد



منابع

۱. درانی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش: قبل و بعد از اسلام. سمت، تهران. چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۲. صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران. تهران. چاپ پنجم، ۱۳۴۹.
۳. ضوابطی، مهدی. پژوهشی در نظام طلبگی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.

پرسش‌های بانشاط



شهین کارور
دبیر شهرستان زرند کرمان

شماره ۲۲
دوره ۱۶

شماره ۲۲ آبان ۸۹
دوره ۱۶

در روستایی که من تدریس می‌کردم، دانش‌آموزان مشکلات زیادی از هر لحاظ درسی، اقتصادی، خانوادگی و بدتر از همه جسمی داشتند. چندان علاقه‌ای به درس نشان نمی‌دادند. حتی حوصله‌ی گوش دادن هم نداشتند. با داشتن ۱۸ سال سابقه‌ی تدریس، کم‌کم داشتم ناامید می‌شدم. رغبتی برای رفتن به مدرسه و کلاس نداشتیم. با این اوضاع و شرایط، شاگردانم هم تمایلی به کلاس و درس نشان نمی‌دادند. دلم می‌خواست از آن مدرسه می‌رفتم. حتی حاضر بودم به جای دورتری بروم و در مدرسه‌ای نباشم که هیچ‌کس علاقه‌ای به درس نداشت و حتی یک جمله را هم به زور می‌ساختند. یک روز در حال ورق زدن تقویم، چشمم به حدیث پرمعنایی از امام صادق (ع) افتاد: «لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقُولُ لشيءٍ قديمي: لَوْ كَانَ غَيْرُهُ».

رسول خدا (ص) هیچ‌گاه نسبت به امری که صورت گرفته بود، نمی‌فرمود، کاش غیر از این شده بود. دلم لرزید که چه‌طور بعد از ۱۸ سال تجربه، باید خسته شده باشم و بخواهم فرار کنم! شاید مدرسه‌های دیگر هم بهتر از این‌جا نبودند. به فکر چاره افتادم. باید از صفر شروع می‌کردم. از خدا کمک خواستم. روز بی‌کاری‌ام بود. تمام روز مشغول فکر کردن بودم. باید کاری می‌کردم تا بچه‌ها از درس پرسیدن لذت ببرند و شور و نشاط در آن‌ها ایجاد شود. ابتدا چند وسیله‌ی کمک‌آموزشی ساده درست کردم. روی مقوای بزرگی، اسامی دانش‌آموزان را نوشتم و آن‌ها را گروه‌بندی کردم.

گروه‌ها را نام‌گذاری کردم، سرگروه‌ها را مشخص ساختم و نام بقیه‌ی اعضای گروه را زیر نام سرگروه نوشتم.

چهار گروه کامل شدند. برابر اسم هر گروه، جایی برای گذاشتن پله یا برچسب یا ستاره، بازگذاشتم تا هر گروه که با جواب دادن سؤالات، پله‌ها و... بیشتری گرفت، زودتر به قله صعود کند.

بعد تابلویی درست کردم که روی آن به تعداد گروه‌ها جیب قرار داشت؛ مثلاً چهار گروه و چهار جیب. به تعداد هر گروه چهار نفری، چهار پنج سؤال آماده کردم. روز اول، از سؤالات ساده و کوتاه پاسخ استفاده کردم. سؤالات را در جیب‌های

تابلو می‌گذاشتم و از گروهی که به قید قرعه انتخاب شده بود، می‌خواستم به کنار تابلو بیایند. هر نفر باید کارتی را برمی‌داشت و سؤالتش را بلند می‌خواند و پاسخ می‌داد. اگر پاسخ صحیح بود، سؤال را در جیب سؤالات پاسخ داده شده می‌انداخت و روی مقوای دیواری که اسامی و گروه‌بندی افراد روی آن مشخص شده بود، جلوی اسم خود، پله یا برچسب و یا ستاره‌ای (به‌دل‌خواه) می‌گذاشت. اما اگر پاسخ غلط بود، سؤال را در جیب سؤالات بدون پاسخ می‌انداخت.

برای ناامید نشدن آن‌ها از این که سؤال را جواب نده‌اند، احادیث امیدوارکننده‌ای با مضمون باید بیشتر بکوشید، به آن‌ها می‌دادم تا رغبت و همچنین اعتماد به‌نفس خود را از دست ندهند.

هم‌چنین، به کسی که خوب و عالی جواب سؤالات را می‌داد، کارت «الحمد لله رب العالمین» می‌دادم تا گاهی برای تنوع، به جای برچسب و پله و ستاره، جلوی اسم خود بچسباند و بیشتر لذت ببرد. به کسی هم که نصف بیشتر سؤالات یا سؤال را جواب می‌داد، کارت «با برنامه‌درس خواندم و پیشرفت کردم» داده می‌شد. کارت «من می‌توانم» را به شخصی می‌دادم که ضعیف‌تر بود و آن روز بهتر درس خوانده بود. کارتی با مضمون «خدایا کمک کن» را هم به ضعیف‌ترین فرد می‌دادم تا او هم دچار خود کم‌بینی نشود و بکوشد تا کارت‌های بهتری دریافت کند.

به این ترتیب، گروه‌ها با عنوان‌های متفاوت امتیاز می‌گرفتند. هر گروه می‌کوشید زودتر خود را به قله نزدیک کند و یا کارت‌های بیشتری بگیرد. گاهی مشاهده می‌شد، حتی سرگروه‌ها هم تلاششان مضاعف می‌شد تا فرد ضعیف‌گروه خود را به بالا برسانند. این کار تا دو ماه ادامه داشت. دیگر خستگی و ملال و بی‌حالی و کسالت از کلاس رخت بر بسته بود. بچه‌ها با شادی از این طرح استقبال می‌کردند. به جایی رسیدیم که درس ادبیات (حتی املا و انشا) از بهترین و دوست‌داشتنی‌ترین درس‌ها شناخته شد. بدین ترتیب کوشیدیم، هر چند ماه یک‌بار، نحوه‌ی تدریس و پرسش‌م را متنوع‌تر کنیم تا بچه‌ها و خودم از درس لذت بیشتری ببریم...

سرگروه‌ها هم تلاششان مضاعف می‌شد تا فرد ضعیف‌گروه خود را به بالا برسانند

مدرسای مثبت مدرسی شماست! اگر توصیه‌های مثبت را جدی بگیرید!

مدرسی



صبح را با انرژی و نشاط شروع کنید و به خودتون بکید: «امروز بهترین روز زندگی منه»



از انرژی مثبت اطرافیان نهایت استفاده را بگیرید.



هنگام روپرو شدن با انرژی‌های منفی، به اون‌ها اعتنا نکنین و از کنارشون رد بشید. مگر این‌که خودتون بخوان یا شما احوال پرسبی کنن.

به خاطر تأخیرهای مکرر، ۳۷ درصد از حقوق این ماه شما از حسابتون کم میشه!



با انجام دقیق وظایف، انرژی مثبت را تشدید کنید.



با دیدن نتیجه‌ی مثبت فعالیت‌هاتون، از انرژی مثبت لذت ببرید.



به هر حال، انرژی قابلیت انتقال داره؛ چه مثبت و چه منفی. انتخاب با خودتونه.



با استفاده از تکنیک‌های شادی آفرین، انرژی مثبت رو به دانش‌آموزانتون منتقل کنید.

فرصت خلاقیت

کتایون متین
katayoon1@gmail.com

ساده صورت می‌گرفت، نخست در مرحله‌ی اول، فقط برگه‌ها را که نشان‌دهنده‌ی حرف‌های افراد بود، روی صفحه چسباند (فقط با استفاده از دو بعد). ولی در این مرحله که از او خواستیم رفع مشکل یکی از این دو نفر را به دست نفر دیگر نشان دهد، از صفحه خارج شد و در سه بعد شروع به کار کرد (عکس‌های شماره‌ی ۱ و ۲).



۱



۲

۲. به این دانش‌آموز امکان دادیم از خلاقیت خود استفاده کند و جنگل و جاده‌ای زیبا اما خطرناک را تصویر کند. ما به او نگفتیم

همکاران گرامی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی! حتماً گفت‌وگوی دایره و مستطیل را که در شماره‌ی قبل مطرح کردیم، به خاطر دارید. در این شماره می‌خواهیم از زاویه‌ی دیگری به تماشای نوعی از گفت‌وگو میان این دو شکل بشینیم. گفتیم که برگه‌ی A_4 فضای گفت‌وگو میان جناب دایره و مستطیل است. این بار می‌گوییم: «برای یکی از این دو نفر، مشکلی پیش آمده است که نفر دیگر می‌خواهد در حل مشکلیش به او کمک کند. مشکل و راه‌حل را نشان دهید و مشخص کنید چرا یک نفر مشکل دارد و دیگری چگونه می‌خواهد به او کمک کند؟» به فعالیتی که یکی از دانش‌آموزان دوم راهنمایی مدرسه‌ی روشنگر انجام داده است، توجه کنید:

از نظر **ضحی حاجی‌خانی**، جناب دایره مشکل دارد. وی می‌گوید: «چون دایره لطافت دارد، ممکن است از روی احساس تصمیم بگیرد، انتخاب کند و فکر کند که راه زیباتر و پردرخت‌تر او را به خانه می‌رساند. ولی مستطیل قدرت خلاقیت بیشتری دارد. می‌داند که ته راه پردرخت به دره می‌رسد.» از او پرسیدم: «از کجا مطمئنی که مستطیل راه بهتر را می‌شناسد؟»

و ضحی در جواب گفت: «او حتماً این راه را رفته است یا به خوبی می‌تواند آن را تصور کند.»

بخش سفید رنگ روی دایره را نشان دادم و پرسیدم: «چرا این جا سفید شده است؟» گفت: «دایره، مشکلی به رنگ قرمز و به شکل دایره داشته که فقط در این قسمت‌های سفید رنگ حرف‌های مستطیل به او اثر کرده و راه‌حل را پذیرفته است.»

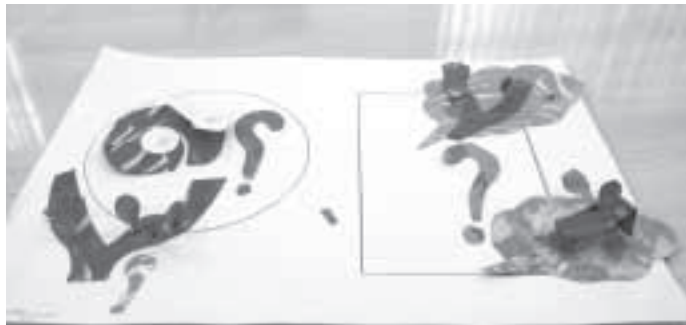
نکته‌ها

۱. همین دانش‌آموز در گفت‌وگوی دایره و مستطیل که به صورت



۵

صورت گیرد تا حل مشکل صورت پذیرد، می‌توانست از این دانش آموز
بپرسد: خود فرد دارای مشکل (در این جا دایره) از نظر تو چه باید بگوید



۶

**دانش آموز ما توانست
دست به تشخیص مشکل
بزند و شکل، رنگ، جایگاه،
داستان و روایت مشکل را
نشان دهد**

که راحت تر مشککش برطرف شود؟ در این صورت، شاید بتوان توجه
دانش آموز را به این موضوع جلب کرد که گاهی باید پیش از تحمل
انتظار برای دریافت کمکی از بیرون، تحول را از درون شروع کرد.

۷. این دانش آموز بدون این که ما به او بگوییم، روی مرحله به
مرحله این گفتگو شماره گذاری کرده است. او در این تعامل برای
دایره و مستطیل، نوبت قائل شده است. شماره‌ی یک را هم به طرح
موضوع مورد اشکال اختصاص داده است.

۸. او از رنگ‌ها به درستی استفاده کرده و وحدت رویه‌ی استفاده
از رنگ را رعایت کرده است. درخت‌ها، ابر گفتگو که نشان دهنده‌ی
گفتن راه حل است، علامت‌های سؤال هر دو نفر و نیز علامت تیک که
نشان دهنده‌ی تأیید راه درست است، به رنگ سبز آمده است. یعنی هر
چه از نظر او دارای بار مثبت بوده، با یک رنگ نشان داده شده است. و
مشکل دایره را به صورت دایره‌ای تودرتو و قرمز نشان داده است. دوراهی
را در هر دو نفر با رنگ قرمز که نشانه‌ی تشویش دایره است نشان داده
که همین دوراهی، در مستطیل، روی ابر گفتگوی ملاپیم تری با رنگ
نارنجی قرار گرفته است. او رنگ راه حلی را که مستطیل به دایره داده،
سفید انتخاب کرده است.

ما هم می‌توانیم عین این تمرین را به دانش آموزان خود بدهیم و به
اندازه‌ی مدت زمان یک کارگاه گفتگو، قدری با آن‌ها در نوع نگاهشان
به مسائل، رنگ و شکل، محل و جایگاه استقرار مشکلات، زمان و
مکان نوع ابراز، افشا و بروز حرف‌ها و مسائلشان، نحوه‌ی کمک‌رسانی
و کمک‌گیری‌شان در حل مشکلات، همراه شویم و از این منظر بهتر
بدانیم که هر کدام از دانش آموزان ما چگونه به پتانسیل‌های حسی خود
مانند شنوایی اعتماد می‌کنند و چگونه قدرت تکلم خود را در ایجاد این
نوع گفتگو و به منظور حل مسئله‌ی یکی از طرفین به کار می‌گیرند
تا در مواقع لازم مانند حل مسئله، بتوانند از این توانمندی‌های خود به
راحتی و به درستی استفاده کنند. هدف ما در این شیوه‌ی تسهیل گرانه،
خودآگاه کردن افراد شرکت کننده نسبت به موقعیتی است که در چنین
مواردی انتخاب می‌کنند.



۳

چون شکل مستطیل زاویه‌های خشن دارد، مشکل دارد. او مشکل را در
احساس لطافت بیش از حد دایره دانست. او انتخاب کرد.



۴

۳. دانش آموز ما توانست دست به تشخیص مشکل بزند و شکل،
رنگ، جایگاه، داستان و روایت مشکل را نشان دهد (عکس شماره‌ی
۳).

۴. دانش آموز ما توانست راه حل بدهد. یعنی این توانمندی را در
صفحه‌ی گفتگوی خویش حس کرد که می‌تواند راه حل خاص خود
را ارائه دهد (عکس شماره‌ی ۴). چرا که برگه‌ی هیچ کس دیگری شبیه
او نبود. او مشکلی را اختصاصی مطرح و به طور اختصاصی هم حل کرد.
این کار اعتماد به نفس برای بیان مسائل، گفتگو در راستای حل مسائل
و حس کمک کردن به دیگران را در او می‌پروراند (عکس شماره‌ی ۵).
۵. البته اگر این کار به او این اطمینان را بدهد که راه حل ممکن،
همین است و بس، می‌تواند برخلاف هدف تسهیل گری که آسان سازی
آموزش و نیز پرورش خلاقیت دانش آموز است، حرکت کند. ما باید در
انتهای کارگاه راه را باز بگذاریم تا بتوان راه حل‌های جدید را بدان افزود.
۶. این دانش آموز از ابر گفتگو فقط برای کسی استفاده کرد که
می‌خواست راه حل را نشان دهد (عکس شماره‌ی ۶). این می‌تواند نشانگر
آن باشد که در ذهن او، همیشه از بیرون یک فرد باید کمک برسد.
معلم برای تفهیم این مطلب که گاهی شروع گفتگوها باید از درون



آب یخ بیاورد، نه این که این جا بایستد و بروبر به بنده زل بزند!»

در این هنگام، سرایدار که مات و مبهوت مانده بود، دوید و سراغ پارچه‌های آب رفت تا آب آن‌ها را عوض کند.

آقای دال گفت: «این بیچاره، حق دارد. دو تا بچه‌ی راهنمایی دارد، می‌خواهد ببیند تکلیف آن‌ها چه می‌شود و شما دوره‌ی راهنمایی را حذف می‌کنید یا نه!».

آقای جیم گفت: «عجبا! عجبا! دو تا بچه‌ی راهنمایی؟ چه خبره آخه؟ این بابا که هنوز سنی ندارد!»

آقای میم گفت: «گناه دارد بیچاره. بیا بید دوره‌ی راهنمایی را حذف نکنید. خدا را خوش نمی‌آید بچه‌های این بیچاره آلاخون والاخون بشوند!»

آقای جیم گفت: «حذف می‌کنیم، خوب هم حذف می‌کنیم. می‌خواست این قدر زود بچه‌دار نشود که هنوز هیچی نشده، بچه‌هایش به سن راهنمایی برسند.»

آقای «جیم» خیس عرق بود. شرشر عرق می‌ریخت و یکریز حرف می‌زد. از بس با دستمال کاغذی عرق پیشانی و سروصورتش را پاک کرده بود، روی میزی که پشت آن نشسته بود، پر از دستمال کاغذی لوله شده بود. دور تا دور میز بزرگ، کیپ تا کیپ کارشناس و خبرنگار نشسته بود. آقای جیم یک لیوان آب خورد و گفت: «این هم که مثل آب سماور گرم بود. این همه زحمت می‌کشیم، تازه باید توی گرمای ۴۰ درجه‌ی تابستان، آب گرم هم بخوریم. وقتی می‌گوییم نظام آموزشی باید اصلاح شود، می‌گویید نه.»

آقای الف گفت: «آقای جیم، نظام آموزشی چه ربطی به آب گرم این پارچ دارد؟»

آقای جیم گفت: «اختیار دارید قربان. اگر نظام آموزشی درست شود، این آقای که مسئول رتق و فتق امور این جلسه است، یعنی همین آقای سرایدار، درس خودش را خوب می‌خواند و یاد می‌گیرد که برای چنین جلسه‌ی داغی، باید



احمد عربلو

اندر اصول اصلاح نظام آموزشی

آقای قاف گفت: «آقایان، آقایان... بس کنید! همین جوری که یه هو این کار را نمی‌کنیم. ان شاءالله چند سالی طول می‌کشد. آن وقت بچه‌های این بابا هم از آب و گل درآمده‌اند و به دوره‌ی متوسطه رفته‌اند.»

آقای هـ دو چشم گفت: «احسنت! احسنت! چه فکر خوبی! تازه با حذف دوره‌ی راهنمایی، سه سال در عمر بچه‌هایمان صرفه‌جویی می‌شود. یعنی همه یک‌هوا از دبستان می‌پرند توی متوسطه. یعنی همه جهشی درس می‌خوانند. وای خدای من! چه خوب و ناز می‌شود!»

آقای صاد گفت: «مرد حسابی، چی‌چی رو می‌پرند توی متوسطه؟ بالاخره این سه سال را باید یک جوری پر کنیم!»

آقای پ گفت: «من پیشنهاد می‌کنم که حداقل یک سال برای کودکانمان کلاس‌های قبل از تولد بگذاریم. یعنی قبل از به دنیا آمدن، توسط مادرانشان، آموزش‌های مقدماتی دوره‌ی دبستان و پیش از دبستان را ببینند! اسمش را هم می‌گذاریم دوره‌ی **مادر معلم!**»

آقای ت گفت: «ای بابا! مرد حسابی، مادر معلم کجا بود. بچه که توی این سن و سال قدرت شنوایی ندارد! می‌خواهی بچه‌های مردم ناقص به دنیا بیایند؟»

آقای جیم گفت: «آن سه سال اضافه را بین دبستان و متوسطه تقسیم می‌کنیم. یعنی یک سال و نیم را می‌دهیم به دبستان، یک سال و نیم دیگر را هم می‌دهیم به دوره‌ی متوسطه. خیرش را ببینید.»

آقای چ گفت: «ول کنید بابا. این سه سال اضافی را می‌گذاریم که بچه‌ها بازی و تفریح کنند تا برای دبیرستان آماده شوند. چه خبره، این همه مشق به بچه‌ها می‌گوییم؟! انگشتانشان درد گرفت از بس مشق نوشتند!»

آقای ط گفت: «آقای چ، از شما بعید است. مشق چه ربطی به این طرح دارد؟ حالا که این جور شد، من پیشنهاد می‌کنم یک سال هم از دوره‌ی ابتدایی حذف و به دوره‌ی متوسطه اضافه کنند!»

آقای جیم گفت: «نه بابا. گناه دارد. این جوری خانواده‌ها گیج می‌شوند. این جوری که از دبستان چیزی نمی‌ماند. بچه تا بفهمد چی به چی است، افتاده توی دبیرستان!»

آقای ل گفت: «اتفاقاً بهتر است. این جوری بچه‌ها

زودتر بزرگ می‌شوند و دبیرستانی می‌شوند و کلی از زحمات خانواده‌ها کمتر می‌شود.»

آقای غ گفت: «احسنت. اتفاقاً دوره‌ی راهنمایی دوره‌ی خیلی پر شروشوری است. این جوری بچه‌ها از این دوران می‌پرند توی دوره‌ی دبیرستان و در دسرهایشان هم کمتر می‌شود!»

آقای ع گفت: «پس آقایان همه متفق القول هستند که دوره‌ی راهنمایی حذف شود؟»

همه متفق القول و یکصدا گفتند: «بله ب... ل... ه»

اما ناگهان آقای ی که تا آن لحظه ساکت بود، گفت: «ن... خ... ی... را بنده اعتراض دارم. از لحاظ علم روان‌شناسی، حذف دوره‌ی راهنمایی درست نیست، ما باید...»

آقای ج گفت: ...

آقای ع گفت: ...

آقای ق گفت: ...

سال‌ها بعد...

آقای ج که با ظاهری مرتب، پشت میزگرد نشسته بود، رو به حاضران گفت: «آقایان عزیز! امروز در این‌جا جمع شده‌ایم تا زحمات بی‌دریغ مرحوم پدرم، یعنی آقای ج بزرگ را به بار بنشانیم و طرح حذف دوره‌ی راهنمایی و دبستان و چند دوره‌ی دیگر و اصلاح نظام آموزشی را تصویب کنیم و به مردم اعلام کنیم تا دیگر این همه گیج نشوند. اکنون بعد از ۴۵ سال، مفتخریم که نتیجه‌ی آن همه تلاش و کوشش را به مردم اعلام کنیم.»

ناگهان آقای غ از جا بلند شد و گفت: «قربان! پدر بزرگ بنده، اون قدیم ندیم‌ها، در همین سالن و پشت همین میز، ایرادهایی اساسی به این طرح و حذف دوره‌های تحصیلی گرفتند؛ ایرادهایی که قبل از تصویب این طرح، باید بررسی شوند.»

آقای ط گفت: «پدر بزرگ بنده هم همین طور. باید دوباره درباره‌ی این طرح بحث کنیم تا زحمات آن عزیزان به هدر نرود و مردم گیج نشوند...»

آقای پ گفت: ...

آقای ح گفت: ...

آقای الف گفت: ...

و این داستان ادامه دارد؟!

بهداشت مدرسه

بخش دوم

دکتر احمد مختاریان

چراغ مطالعه

از: مربی بهداشت، دبیران علوم، مشاوران پایه‌ها، معاون (ناظم) و مدیر.

توصیه می‌شود، در ارائه‌ی مسائل بهداشتی به دانش‌آموزان، از پزشکان استفاده نشود، مگر آن که ضرورت اقتضا کند. زیرا آنان کارشناس و یا پژوهشگر امور بهداشتی تلقی نمی‌شوند. اما اگر سابقه‌ی تدریس درس‌های علوم و یا زیست‌شناسی را در پرونده‌ی خود داشته باشند، می‌توانند در قالب دبیر علوم و یا زیست‌شناسی به آموزش این مباحث اقدام کنند.

همچنین، لازم است آموزش مسائل بهداشتی، در دستور کار تمامی جلسات اولیا و مربیان قرار گیرد و آموزش‌های داده شده به دانش‌آموزان، از طریق مربیان ذکر شده در بالا، به اطلاع اولیا نیز برسد.

همچنین پیشنهاد می‌کنم آموزش‌های بهداشتی در برنامه‌های مراسم صبحگاه و نماز، به طور مداوم و منظم ارائه شود.

هر چه در زمینه‌ی اجرای بهداشت - در تمام جنبه‌ها - در مدارس هزینه شود، سرمایه‌گذاری واقعی محسوب می‌شود؛ هزینه کردن برای بهداشت، یعنی افزایش بهره‌وری در همه‌ی زمینه‌ها. زیرا انسان سالم است که می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری و در نتیجه توسعه‌ی پایدار شود. داشتن و تربیت انسان‌های سالم می‌تواند بزرگ‌ترین و محوری‌ترین شعار عملی هر مدرسه باشد.

بهداشت لوازم التحریر

تعریف لوازم التحریر در این سلسله از مقالات عبارت است از: هر آن چه که دانش‌آموزان در راستای یاد گرفتن به آن نیاز دارند و یا با آن سروکار پیدا می‌کنند. پس، لوازم التحریر صرفاً مداد، کاغذ، دفتر و پاک‌کن نیست، بلکه نیمکت، کیف و... نیز لوازم التحریر به حساب می‌آیند.

با دقت در تعریف ارائه شده درمی‌یابیم، لوازم التحریر، وسایل و اشیایی هستند که برای آموختن یک درس ضروری و لازم هستند و از آن‌جا که آموختن بدون نوشتن (تحریر) امکان‌پذیر نیست، به آن چه که وجود آن برای آموختن الزامی است، لوازم التحریر گفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: لوازم التحریر، بهداشت، نور، مطالعه.

پیش از پرداختن به مطالب مربوط به بهداشت لوازم التحریر، لازم است یادآور شد که بهترین جا برای آشنا شدن دانش‌آموزان با مسائل بهداشتی، خانواده و مدرسه است و مسلماً بهترین فرصت برای آموختن بهداشت دانش‌آموزی، مدرسه است. بهتر است آموزش موضوعات بهداشتی به عهده‌ی کسانی باشد که از آگاهی‌های لازم برخوردارند و جایگاهی مناسب در این زمینه دارند. این افراد، به ترتیب اولویت در مدارس راهنمایی عبارت‌اند



از نظر بهداشتی، ضوابط کلی حاکم بر لوازم التحریر عبارت‌اند از:

- سمی نباشد. یعنی با مرور زمان باعث ایجاد مسمومیت و بروز علائم مسمومیت نشود.
 - باعث تغییر در ساختار طبیعی بدن نشود.
 - استفاده از آن سهل و آسان باشد.
 - خطرناک نباشد و باعث صدمه دیدن نشود.
 - در ایجاد تمرکز فکری نقش جدی داشته باشد.
 - حفظ و نگهداری آن آسان باشد.
 - تأثیرات روحی و روانی منفی نداشته باشد، بلکه باعث شادابی دانش آموز شود.
- مهم‌ترین لوازم التحریری که در این بخش به آن‌ها پرداخته خواهد شد عبارت‌اند از:

۱. چراغ مطالعه: ۲. میز، صندلی و نیمکت: ۳. کیف و کوله‌پشتی: ۴. دفتر و کتاب: ۵. خودکار، پاک‌کن، مداد، خط‌کش.

چراغ مطالعه

نور و روشنایی، از عناصر اصلی و مهم زندگی بشر است. نور از جنبه‌های متفاوت بررسی و تحقیق شده و موضوع کارهای مطالعاتی فیزیک‌دانان، روان‌شناسان، هنرمندان، فیزیولوژیست‌ها و نورپردازان قرار گرفته است.

در این بخش، نکات بهداشتی مرتبط با نور را بررسی می‌کنیم که می‌تواند در روند و فرایند یادگیری مؤثر باشد. درباره‌ی نور و روشنایی، باید به چند مورد توجه شود. در این جا به دور از طرح مسائل دقیق نور از دیدگاه فیزیک، روان‌شناسی، فیزیولوژی و... آن‌چه را که باید به دانش‌آموزان آموزش داده شود، می‌آوریم. دبیران علوم بهترین گزینه برای طرح این مبحث - چه در کلاس رسمی علوم و چه غیر از آن - هستند:

- شدت و مقدار نور: هرگاه شدت نور و مقدار آن زیاد باشد، باعث ایجاد حالت «خیرگی» در چشم می‌شود و خستگی چشم را به دنبال دارد و هرگاه شدت و مقدار آن کم باشد، باعث کاهش دید می‌شود.

انتخاب شدت مناسب نور، کاملاً به نوع کار بستگی دارد. کارهای دارای جزئیات و ظرافت، شدت نور بیشتر و کارهای معمولی به شدت‌های عادی نور نیاز دارند.

- زاویه‌ی تابش نور: هرگاه زاویه‌ی تابش مناسب باشد، دید دقیق‌تر پدید می‌آید. زاویه‌ی تابش نامناسب دقت دید را کاهش می‌دهد و خستگی زودرس به بار می‌آورد.

- منبع نور: هرگاه منبع نور ایجاد حرارت کند، باعث خستگی چشم می‌شود.

- مدت تابش: تأییدن طولانی مدت نیز خستگی چشم را به دنبال دارد.

- طیف تابش نور: هرچه طیف تابشی به زرد طبیعی (نور خورشید اوایل روز) نزدیک‌تر باشد، هماهنگی بیشتری با چشم خواهد داشت و کمتر باعث بروز بیماری چشمی می‌شود.

با توجه به مطالب گفته شده، هنگام مطالعه و نوشتن، رعایت این موارد الزامی است:

- شدت نور را متناسب با کاری که انجام می‌دهید انتخاب کنید. مسلماً فاصله‌ی منبع نور، بر شدت آن مؤثر است. در خانه و مدرسه که ارتفاع منبع نور در حدود دو متر است، شدتی معادل ۱۲۰ تا ۲۰۰ وات کافی است.

- زاویه‌ی تابش نور برای خط فارسی و راست دست‌ها از سمت چپ یا روبه‌رو و برای خط لاتین و چپ دست‌ها از سمت راست و یا روبه‌رو خواهد بود. در هر حال نباید سایه‌ی قلم و یا سر روی نوشته بیفتد.

- حرارت منبع نور نباید در محدوده‌ی بدن، به ویژه سر حس شود و یا دمای محیط را به طور محسوسی افزایش دهد.

- هر ۶۰ تا ۹۰ دقیقه، محل کار خود را برای مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ترک کنید تا در معرض تابش طولانی مدت قرار نگیرفته باشید.

- از نورهای نزدیک به نور خورشید اوایل روز استفاده کنید

چند نکته

- فاصله‌ی چشم‌ها (سر) را تا متن تنظیم کنید. بهترین فاصله ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر است. این فاصله مانع خستگی چشم و صدمه دیدن عضلات آن می‌شود و هم‌چنین در حفظ سلامتی گردن و ستون مهره‌ها مؤثر است.

- هرگز از چراغ مطالعه و آباژور استفاده نکنید. زیرا غالباً باعث پدیده‌ی «اثر تونلی^۱» می‌شود و خستگی چشم و بی‌حوصلگی را به دنبال دارد.

- حتماً تمام محیطی که در آن می‌نویسید و یا می‌خوانید، روشن باشد.

- از لامپ‌های مهتابی و فلورسنت - چه سفید، چه آفتابی و چه ترکیب آن‌ها - استفاده نکنید.

لامپ‌های کم‌مصرف برای کارهایی غیر از مطالعه و نوشتن مناسب و مقرون به صرفه هستند.

- هنگام تماشای تلویزیون، حتماً چراغ سقف را روشن کنید

مطالب این مقاله را در خانه، مدرسه و هر مکان دیگر، حتماً رعایت کنید تا چشمانی خستگی‌ناپذیر، سالم و روحیه‌ای شاداب داشته باشید.

پی‌نوشت

۱. اثر تونلی شبیه همان اثری است که برای سرنشینان اتومبیلی با چراغ‌های روشن، در ورود به تونلی طولانی و کاملاً تاریک پیش می‌آید. در چنین حالتی، در مدت زمان کوتاهی، میزان دید کاهش می‌یابد و دستگاه اعصاب به ویژه مغز، دچار خستگی زودرس و بی‌حوصلگی می‌شود. در محیطی تاریک که فقط نور چراغ مطالعه آن جا را روشن می‌کند نیز، همین حالت برای افراد پیش می‌آید.

هرگاه منبع نور ایجاد حرارت کند، باعث خستگی چشم می‌شود

لامپ‌های کم مصرف، برای کارهایی غیر از مطالعه و نوشتن، مناسب و مقرون به صرفه هستند

داشتن و تربیت انسان‌های سالم می‌تواند بزرگ‌ترین و محوری‌ترین شعار عملی هر مدرسه باشد



اشاره

موضوعات متفاوت نگارش، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در تدریس هر یک از این موارد، هر دبیر ادبیاتی، راهکار و روش تدریس به خصوصی دارد که طی سالیان تدریس خود، هر کدام از آن‌ها را ارزیابی می‌کند و دست آخر بهترین روش را که بیشترین نتیجه را داده است، انتخاب و پیش می‌گیرد. به نظر بنده، در جلسات گروه‌های آموزشی که هر چند وقت یک بار در اداره و با حضور دبیران ادبیات تشکیل می‌شود، باید دروس متفاوت نگارش به بحث گذاشته شوند و راهکارهای متنوع ارائه‌ی مطلب از همکاران خواسته شود تا سرگروه‌های آموزشی، روشی را که مطلوبیت بیشتری دارد، به صورت روش پیشنهادی، در اختیار دبیران سایر مدارس قرار دهند. البته در صورت پذیرش روش و اجرای آن، نتیجه به گروه‌های آموزشی گزارش شود تا محاسن و معایب احتمالی آن بررسی و معایب برطرف و محاسن تقویت شود.

درک مفهوم انشا

وقتی دانش‌آموز بداند که انشا به معنی آفریدن است، آفریدن جمله‌هایی که حاصل افکار و احساسات درونی ما را جمع به موضوع خاصی است، فکرش را به کار می‌اندازد تا بهترین جمله‌ها را از خود به نمایش بگذارد و شنونده را سرشوق آورد تا صحبت‌هایش را گوش دهد. پس به دنبال بهترین عبارات برای ارائه‌ی مطالب خود می‌گردد و می‌کوشد تا حد امکان، جملاتش را از نظر نگارشی و دستوری نیز از اشکال خالی سازد.

امروزه در آموزش و پرورش کشورمان، بحث خلاقیت، از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولان به شمار می‌رود. اما کمتر به این موضوع پرداخته‌ایم که یکی از ابعاد خلاقیت، خلاقیت در زمینه‌ی نوشتن است. متأسفانه، درس انشا در بعضی از مدارس کشور جدی گرفته نمی‌شود؛ در حالی که انشا هم یعنی خلاقیت. از این‌رو، در نوشته‌ی پیش رو، راهکارهایی برای ارتقای انشانویسی ارائه شده است.

الزامات هر انشا

در هر نوشته، مطلب و موضوع که نمایانگر افکار و اندیشه‌ها و مشاهدات نویسنده است و عقاید و نظرات او را نشان می‌دهد، رعایت بعضی از نکات ضروری و الزامی است که عبارت‌اند از:

۱. داشتن مقدمه؛ ۲. فکر کردن درباره‌ی موضوع؛ ۳. صحیح و ساده نوشتن؛ ۴. مختصر و مفید بودن؛ ۵. علائم نگارشی و دستوری؛ ۶. واضح و روان بودن مطلب [مرعی، ۱۳۷۲].

راهکارهای معلمان انشا

انشا چیست؟ و چگونه می‌توانیم انشایی قابل بنویسیم؟ انشا تراوشات فکری نویسنده در مورد موضوعی خاص است. حال این که این تراوشات چگونه و با چه فکر و بیانی روی کاغذ جاری شود، به قاعده و قوانینی احتیاج دارد که در

و او را تحسین می‌کنند، ناخودآگاه به سوی آفریدن جملات بهتر کشیده می‌شود و به سوی نوشتن مطالب جالب‌تر سوق می‌یابد. در ضمن، با یادداشت کردن مطالب مفید انشای هم‌کلاسی‌ها، می‌تواند در انشاهای بعدی خود نیز از آن‌ها بهره بگیرد و مطالب خود را نیز پربارتر کند. یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید: کم‌رنگ‌ترین جوهرها از قوی‌ترین حافظه‌ها مانا تر هستند. پس سعی کنیم مطالب جالب را در دفترچه‌ی یادداشتی که به همین منظور تهیه کرده‌ایم، بنویسیم تا به هنگام لزوم و احتمالاً فرااموشی، از آن‌ها بهره بگیریم.

مطالعه‌ی کتاب برای تقویت انشا

اگر دانش‌آموز بداند خواننده‌ها، دیده‌ها و شنیده‌ها، او را در ارائه‌ی مطالب ارزشمند یاری می‌دهند، می‌آموزد و می‌کوشد همیشه کتاب‌های مفید را بیابد و مطالعه کند. همچنین، هرچه را که می‌بیند، خوب نگاه کند. در نگاه‌هایش نکات جالب را ببیند، صداهای جالب را بشنود و از آن‌چه دیده است، لذت ببرد، به آفریننده‌ی آن‌ها ببیند و آرامش بگیرد.

اگر دانش‌آموز متوجه این موضوع شود که هر چیز را فقط با دیدن نمی‌شود، فهمید، می‌آموزد که بعضی مسائل را باید درک کرد و از روابط متقابل افراد باید فهمید که خلق و خوی و درونیتش چگونه است. پس در رفتار و کردارش دقیق‌تر می‌شود، خود را بهتر و بیشتر می‌شناسد و با شناخت خود، به شناخت پروردگارش نیز دست می‌یابد: «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» [نهج‌البلاغه].

یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید: کم‌رنگ‌ترین جوهرها از قوی‌ترین حافظه‌ها مانا تر هستند

زنگ انشا فرصتی است برای ایجاد عادت مطالعه و خلاصه‌نویسی



برای این کار، احساس نیاز می‌کند؛ نیاز به مطالعه‌ی کتاب‌ها و آثار نویسندگان زبردست. پس، ضمن مطالعه، جملات کتابی را که می‌خواند، با دید بازتری نظاره می‌کند و به قول معروف، به چشم مشتری می‌نگرد. همان‌طور که مشتری سعی می‌کند بهترین جنس را خریداری کند، این خواننده نیز می‌کوشد از آن‌چه می‌خواند، بهترین‌ها را یادداشت کند و کنار جملات خود از آن‌ها نیز مدد جوید و یا حتی عین جملات را با اشاره به منابع، در نوشته‌های خود بیاورد تا شنوندگان ضمن آشنایی با کتاب‌های دیگر، به مطالعه‌ی آن‌ها نیز علاقه‌مند شوند. با این کار، ضمن پربار کردن نوشته‌های خود، به این حدیث نبوی که «علم را با نوشتن به زنجیر بکشید»، جامه‌ی عمل خواهد پوشاند.

وقتی راجع به موضوعی انشا می‌نویسد، آن‌چه را خوانده و شنیده است، در فکرش مرور می‌کند و بهترین‌ها را روی کاغذ می‌آورد و وقتی آن را می‌خواند، مغرور نمی‌شود، چرا که قصد پیشرفت دارد و دوست دارد شنونده به انشایش نقادانه بنگرد و اگر اشکالی بود انتقادهای سازنده را با گوش جان بشنود و در نوشته‌های بعدی لحاظ کند و اگر انتقادی نابه‌جا بود، توان قانع کردن شنونده را داشته باشد و اگر احساس کرد انشایش گویا نبوده و ایجاد ابهام کرده است، در نوشته‌های بعدی دقت بیشتری کند.

زمان انشا

وقتی دانش‌آموز بداند که مدت زمان زنگ انشا محدود است، می‌کوشد افکارش را سریع مرور کند، احساسات و افکار مفید را هرچه سریع‌تر روی کاغذ بیاورد و بهترین استفاده را از حداقل زمان ممکن داشته باشد.

وقتی دانش‌آموز بداند که با پایان یافتن مهلت انشا، حتی پیش‌نویس انشا توسط دبیر جمع و به نوبت به او داده خواهد شد تا همان‌جا بخواند، می‌آموزد به دیگری وابسته نباشد و روی پای خود بایستد و می‌کوشد بهتر و بهتر بنویسد.

نقد انشا

وقتی دانش‌آموز بداند که به انشایش به چشم نقد نگاه خواهند کرد، می‌کوشد قبل از دیگران خودش انشایش را نقد کند و تا حد امکان، مطالب زائد و بی‌ارزش را حذف و مطالب جالب‌تری را جای‌گزین کند.

یادداشت کردن جملات طلایی هر انشا

وقتی دانش‌آموز بداند، اگر در انشایش جمله‌ای ارزشمند باشد که نظر دوستان را جلب کند، آن‌ها یادداشت برمی‌دارند



انتقادهای سازنده، افکار
انسان را صیقل می‌دهند

انشا تراوشات فکری
نویسنده در باره‌ی موضوعی
خاص است

از زنگ انشا برای جبران
عقب افتادگی دروس دیگر
استفاده نکنیم

شماره ۲ آبان ۸۹
دوره ۱۶

اگر دانش آموز تشویق شود، کتاب‌هایی را که مطالعه می‌کند، خلاصه‌نویسی کند و زنگ انشا برای دوستانش بخواند، او ضمن عادت به مطالعه و فرهنگ‌پذیری، در نوشتن انشا نیز مهارت می‌یابد. هم‌چنین با این روش از محتوای کتاب‌هایی که خودش نخوانده است هم آگاه می‌شود.

آرایه‌های ادبی و احادیث در انشا

اگر دانش آموز بداند که استناد به احادیث و سخنان بزرگان دین و ادب جهان، به ارزش نوشته‌اش می‌افزاید، همواره می‌کوشد ضمن مطالعه، از چنین مطالبی یادداشت بردارد، یا آن‌ها را به خاطر بسپارد و به هنگام لزوم استفاده کند.

اگر دانش آموز بداند که آرایه‌های ادبی چیست و استفاده از آن‌ها چه قدر نوشته‌اش را زیباتر و تأثیرگذارتر می‌کند، قوه‌ی تخیل خود را به کار می‌گیرد و آرایه‌پردازی می‌کند.

داستان‌های نیمه تمام برای انشا

اگر ذهن دانش آموز را درگیر داستانی بکنیم و در نقطه‌ی اوج داستان، نوشتن ادامه‌ی آن را به خودش واگذاریم، به داستان‌نویسی تشویق و زمینه‌ی نویسندگی و به‌کارگیری و تقویت قوه‌ی تخیل در او فراهم می‌شود.

اگر هر چند وقت یک بار، از دانش‌آموزان بخواهیم با موضوع دل‌خواه خود انشا بنویسند، ناگفته‌های درونشان را روی کاغذ می‌آورند، احساس خوبی به آن‌ها دست می‌دهد و احساس وجود می‌کنند.

نتیجه‌گیری

۱. زنگ انشا را به یک تک ساعت ۴۵ دقیقه‌ای محدود نکنیم

۲. از زنگ انشا برای جبران عقب‌افتادگی دروس دیگر حتی فارسی یا املا استفاده نکنیم.

۳. برای درس انشا، از دبیران غیر تخصصی استفاده نکنیم

۴. دانش‌آموزان را به مطالعه‌ی کتاب‌های مفید و مناسب غیردرسی و استفاده از خلاصه‌ی آن‌ها در کلاس تشویق کنیم.

۵. در جلسات و کارگاه‌های آموزشی برای توجیه و ارتقای سطح علمی دبیران محترم ادبیات، از نویسندگان مجرب منطقه و استادان با معلومات استفاده کنیم.

۶. در ابتدای سال تحصیلی دانش‌آموزان را نسبت به درس انشا توجیه کنیم. به طوری که طرز انشا نوشتن، مدت

زمان آن و چگونگی نمره‌دهی، برای آن‌ها کاملاً روشن شود.

۷. دانش‌آموزان را به استفاده از آرایه‌های ادبی، احادیث و آیات، تک بیت‌های ناب، سخنان بزرگان و یادداشت‌برداری هنگام مطالعه، تشویق کنیم.

۸. برای افزایش خلاقیت دانش‌آموزان موضوعات متنوع و آزاد طرح کنیم.

۹. دانش‌آموزان خلاق را بشناسیم و در حد مدرسه، منطقه و حتی استان معرفی کنیم تا تشویقی برای دانش‌آموزان دیگر هم باشد.

۱۰. روحیه‌ی انتقادپذیری را در دانش‌آموزان تقویت کنیم؛ چرا که انتقادهای سازنده، افکار انسان را صیقل می‌دهند.

۱۱. کتابی جداگانه به درس انشا و نگارش اختصاص دهیم تا باعث ارزش‌دهی به درس انشا از طرف دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها نیز بشود.

۱۲. دانش‌آموزان را به نوشتن داستان‌های کوتاه و نیمه‌بلند تخیلی و یا کامل کردن داستان‌های خوانده شده راهنمایی کنیم و سوق دهیم تا قوه‌ی تخیل آن‌ها پرورده شود و زمینه‌ی نویسندگی در آینده برایشان مساعد شود.

۱۳. دانش‌آموزان را به شنیدن انشاهای دوستان و یادداشت جملات طلایی انشاهای و نقد جملات دارای اشکال توجه دهیم.

۱۴. دانش‌آموزان را به انجام فعالیت‌های به‌روز اجتماعی، از قبیل تهیه‌ی ماه‌نامه و فصل‌نامه سوق دهیم. هم‌چنین آن‌ها را به خلاصه‌نویسی، نوشتن یادداشت روزانه، شرح حال، گزارش، مصاحبه، معرفی زادگاه و نامه‌نگاری و... تشویق کنیم.

خدایا چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار

منابع

۱. فروغی، محمدعلی. مجموعه آثار شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی. انتشارات ققنوس. چاپ ششم. ۱۳۷۴.
۲. گنجوی، نظامی. مخزن الاسرار.
۳. معین، محمد. فرهنگ فارسی یک جلدی. گردآوری عزیزالله علیزاده. انتشارات راه رشد. ۱۳۸۵.
۴. یاحقی، محمد جعفر و ناصح، محمد مهدی. راهنمای نگارش و ویرایش. انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۷۲.
۵. امامی، محمد جعفر و آشتیانی، محمدرضا. نهج البلاغه. انتشارات مدرسه‌ی امام علی بن ابی طالب (ع). ۱۳۷۷.
۶. مرعشی، امیر. اصول نویسندگی و فن نگارش، انشا و نامه‌نگاری حافظ. حافظ نوین. ۱۳۷۲.

جایگاه

کتاب‌های کمک آموزشی در مدرسه

گزارش: فاطمه خرقانیان

شمارگان هر عنوان کتاب کودک، بین دو تا سه هزار نسخه است که به نسبت گروه سنی کودک در جامعه‌ی ما، اسفناک است



فرحناز وکیلی

می‌گویم اگر سؤالی دارید، اول خودتان فکر کنید، حدس بزنید، دنبال پاسخ بروید و به یک منبع هم اکتفا نکنید. معلم و یا مادر، جواب سؤال را از خودشان می‌گویند. در حالی که ما معتقدیم، بچه‌ها باید جواب را از منابع به دست آورند. یعنی قبل از شناخت اقسام کتاب، مهم آن است که برای یافتن جواب، سراغ کتاب بروند و به مطالعه عادت کنند.» وی با تأکید بر تأثیرگذاری معلمان در ترویج فرهنگ مطالعه گفت: «معلم باید ایده داشته باشد. با توجه به توانایی‌های نسبی دانش‌آموزان، بداند که چگونه در ذهن آنان پرسش ایجاد کند و این حرکت، مستلزم گنجاندن ساعت کتاب‌خوانی در کلاس درس است.»

نگاه همتی به موضوع، نگاهی مدیریتی است. او که از سیاست‌های آموزش و پرورش مطلع است، اعتقاد دارد، حوزه‌ی کتاب‌خانه در آموزش و پرورش شخصیت مستقلی ندارد و فاقد برنامه است. او وضعیت موجود کتاب‌خوانی در کشور را نامناسب دانست و گفت: «از زمانی که مفهوم کودکی به رسمیت شناخته شد، در کشور ما هم کسانی پیدا شدند که در بخش کودک و نوجوان مشغول فعالیت شدند. با وجود این، شمارگان هر عنوان کتاب کودک، بین دو تا سه هزار نسخه است که به نسبت گروه سنی کودک در جامعه‌ی ما، اسفناک است. البته گاهی حرکت‌های خلاقانه در مدارس اتفاق می‌افتد که از نگاه مدیر و یا معلم مدرسه ناشی می‌شود. به گفته‌ی همتی، آمار نشان می‌دهد، رفتار خرید کتاب در دو مقطع افزایش می‌یابد: در آغاز سال تحصیلی و در دوره‌ی برگزاری نمایشگاه کتاب. بنابراین، معلمان می‌توانند با شناخت این دو مقطع، بر سلیقه‌ی مخاطب اثر گذارند و دانش‌آموزان را در خرید کتاب‌های مناسب جهت دهند.

آنچه مسلم است، نقش بی‌بدیل معلمان در ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و بهره‌گیری از کتاب‌های کمک آموزشی در مدرسه است. در این میان، لزوم تشکیل کلاس‌های آموزشی برای معلمان، و آشنا کردن آنان با شیوه‌های صحیح ترویج کتاب‌خوانی، بیش از گذشته احساس می‌شود.

زیر نویس

۱. از تولیدات دبیرخانه‌ی سامان بخشی کتاب‌های آموزشی

میزگرد بررسی «جایگاه کتاب‌های کمک آموزشی در مدرسه» با حضور دکتر علی رؤوف، استاد دانشگاه و مؤلف کتاب، فرحناز وکیلی، مترجم، محبت‌الله همتی، معاون برنامه‌ریزی کتاب دفتر انتشارات کمک آموزشی، و تنی چند از کارشناسان مجلات رشد برگزار شد. این نشست در تاریخ ۲۳ دی‌ماه ۸۸ و در محل دفتر انتشارات کمک آموزشی تشکیل شد.

مفهوم کتاب‌های کمک آموزشی در جامعه‌ی ما بیشتر با کتاب‌هایی هم‌چون کتاب کار، تست و کنکور عجین شده است. حال آن‌که در این نشست، کتاب کمک آموزشی با تعریفی متفاوت مورد نقد و بررسی قرار گرفت. براساس تعریف مجموعه راهنماهای تولید کتاب آموزشی، کتاب‌های کمک آموزشی آن‌هایی هستند که به منظور ایجاد انگیزه، توسعه‌ی یادگیری، افزایش دانش و مواد علمی پرورش مهارت‌های ذهنی و عملی، رشد روابط اجتماعی و ارتقای یادگیرنده براساس هدف‌ها و برنامه‌های خاصی تهیه می‌شوند و لزوماً به برنامه‌های درسی دوره‌ی تحصیلی وابسته نیستند. با چنین رویکردی، دکتر رؤوف درباره‌ی نقش کتاب‌های آموزشی در فرهنگ یاددهی و یادگیری و استفاده‌ی صحیح از این نوع کتاب‌ها گفت: «کتاب‌های آموزشی منهای کتاب‌های درسی، می‌توانند به انحای گوناگون مکمل کتاب‌های درسی باشند. این کتاب‌ها، انگیزه‌ی یادگیرندگان را برای فراگیری مطالب کتاب درسی تقویت می‌کنند و این حرکتی است که طی سال‌های متمادی، آموزش‌های پیشروی جهان را دربرگرفته است.»

این استاد دانشگاه که خود چندین کتاب درباره‌ی ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی نوشته است، اعتقاد دارد که شخصیت انسان‌ها تا پنج شش سالگی شکل می‌گیرد و فرهنگ کتاب‌خوانی باید در دوران آغازین کودکی به کودکان تعلیم داده شود. در این مسیر، معلمان مهم‌ترین عامل ترویج این فرهنگ هستند.

در ادامه‌ی نشست، وکیلی، در زمینه‌ی نحوه‌ی استفاده از کتاب‌های علمی و ادبیات مستند (کتاب‌های کمک آموزشی) در کلاس درس اظهار داشت: «من به عنوان یک مروج کتاب‌خوانی، به دانش آموز



سواد قرآنی

مسعود وکیل

کارشناس مسئول گروه درسی قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

در آیه‌ی دوم سوره‌ی مبارکه‌ی جمعه آمده است، نسبتی قابل قبول داشته باشد.

از این رو، تعریف آموزش جامع قرآن چنین است: آموزش جامع قرآن، فرایندی است برای دستیابی به توانایی خواندن، درک معنا، تدبر در آیات و آشنایی با معارف قرآن، به منظور انس و بهره‌گیری دائمی از قرآن کریم و تقویت ایمان و عمل صالح. در صورتی که آموزش قرآن به صورت جامع انجام شود، دانش‌آموزان که آحاد جامعه را تشکیل می‌دهند، به «سواد قرآنی» دست می‌یابند. امروزه سواد در حوزه‌های گوناگون علمی، به کسب دانش یا مهارت منحصر نیست، بلکه این دانش و مهارت باید به ایجاد و تقویت نگرش خاصی منجر شود که موجب به کارگیری آموخته‌ها در زندگی و ارتباط دائمی فرد با آن‌ها باشد؛ و چه بسا زمینه‌ساز توسعه و گستردگی آن علم شود.

سواد قرآنی

با توجه به جامعیت آموزش قرآن و نکات فوق در کسب «سواد» در حوزه‌های گوناگون علوم، می‌توان سواد قرآنی را چنین تعریف کرد: «سواد قرآنی، اعتقاد و علاقه به یادگیری قرآن کریم و برخورداری از دانش و مهارت پایه به منظور بهره‌گیری مستمر و مادام‌العمر از قرآن کریم و انس داشتن با آن است.»

مطابق این تعریف، سواد قرآنی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. نوعی نیاز همگانی است. همه‌ی افراد جامعه با هر وضع اقلیمی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی و... برای آن که هویت انسانی - الهی خویش را بشناسند، از آن مراقبت کنند و زمینه‌ی شکوفایی تدریجی آن را فراهم آورند، به سواد قرآنی نیازمندند.

کلیدواژه‌ها: آموزش قرآن، آموزش و پرورش، فلسفه‌ی آموزش قرآن.

برنامه‌ی آموزش قرآن در پی آن است که راهی روشن، مطمئن و دائمی برای انس و ارتباط همه‌ی مردم با قرآن کریم که به بهره‌گیری مادام‌العمر ایشان از هدایت کتاب الهی منجر شود، باز کند. قرآن کتاب همه‌ی انسان‌هاست. هر فردی در هر سطحی از علم و تقوا - به شرط آن که زبان این کتاب را درک کند - می‌تواند از آن بهره‌گیرد [هدی للناس، بقره/۱۸۵].

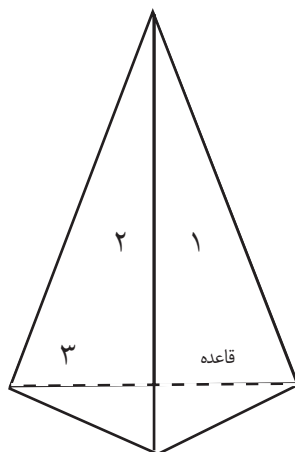
مهم‌ترین پیشینه‌ی آموزش قرآن، آموزش‌های سنتی است که از دیرباز در همه‌ی جوامع اسلامی و از جمله ایران وجود داشته است. تلقی رایج از آموزش قرآن در سطح عمومی جامعه - حداقل در سده‌ی اخیر- توانایی روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم بوده است؛ یعنی از نظر عموم مردم و بسیاری از مراکز فرهنگی سنتی و حتی بخش قابل توجهی از صاحب‌نظران، هر فردی که می‌توانست قرآن را بخواند، اولین مرحله‌ی ضروری و عمومی آموزش را فراگرفته بود. هر چند همیشه برای آموزش مراحل بالاتر، به ویژه نسبت به فهم قرآن کریم، توصیه‌هایی می‌شده است. اما پیش از سال‌های اخیر، برای عموم مردم، در حد مراحل بالاتر از خواندن قرآن، هیچ آموزش مدون، جدی و ویژه‌ای وجود نداشته است.

جامعیت آموزش قرآن

در برنامه‌ی جدید آموزش قرآن، در آموزش و پرورش، جامعیت آموزش قرآن، به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه و اهتمام جدی قرار گرفته است. جامعیت آموزش قرآن در صدد آن است که بتواند به گونه‌ای اهداف و اجزای آموزش قرآن را ترسیم و تدوین کند که این آموزش با آن چه

روح حاکم و جهت‌گیری کلی برنامه از پیش دبستان تا پیش‌دانشگاهی، فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای دستیابی به انس با قرآن کریم است

اجزا و ثمره‌ی سواد قرآنی را می‌توان چنین نشان داد:



۱. توانایی خواندن قرآن کریم
 ۲. درک معنای عبارات و آیات قرآن کریم
 ۳. تدبر در آیات
- قاعده‌ی هرم: انس با قرآن کریم

رویکرد برنامه‌ی درسی قرآن

با توجه به آن‌چه در فلسفه‌ی آموزش قرآن بیان شد که آموزش عمومی قرآن کریم به سواد قرآنی منجر خواهد شد، رویکرد این برنامه، انس با قرآن کریم است؛ یعنی روح حاکم و جهت‌گیری کلی برنامه از پیش دبستان تا پیش دانشگاهی، فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای دست‌یابی به انس با قرآن کریم است. حضرت امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - می‌فرمایند: «لَيْكُنْ سَمِيرُ الْقُرْآنِ»: باید مونس و همدم تو قرآن باشد.

انس با قرآن کریم، امری دارای مراتب متفاوت و مجموعه‌ای از علاقه‌ها و ارتباط با قرآن کریم است که خواندن مستمر قرآن، درک معنای آیات، تدبر در آن‌ها و پای‌بندی به آموزه‌های الهی، در همه‌ی شؤون زندگی مبتنی بر قرآن و عترت، لازمه‌ی همه‌ی مراحل و مراتب آن است. دست‌یابی به این امر، اولاً تدریجی است و در طول زمان از نظر کمی و کیفی ارتقا می‌یابد، ثانیاً متناسب با اهداف هر یک از دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی، موجب بهره‌مندی دانش‌آموزان از قرآن کریم می‌شود و در نهایت به کسب توانایی و علاقه به بهره‌مندی مستمر و همیشگی از قرآن کریم خواهد انجامید.

۲. از یک حد پایه برخوردار است. هر چند افراد با توجه به تفاوت‌هایی که در تحصیلات، شرایط اقتصادی و اجتماعی دارند، به سطوح متفاوتی از سواد قرآنی نیازمندند، ولی بهره‌مندی عموم از یک حد پایه ضروری است.

۳. حد سواد قرآنی در طول زمان در حال رشد است. با توجه به شرایط و امکانات هر جامعه و تغییرات آن‌ها در طول زمان، این حد، نیازمند شناسایی و تعریف خاص است. برای مثال، ممکن است با توجه به شرایط و امکانات فعلی در آموزش قرآن، حد ضروری خواندن قرآن به صورت معمولی (فارسی خوانی) تعیین شود، اما در آینده، با ارتقای این شرایط، حد ضروری را، خواندن با لحن عربی تعیین کرد و یا حد برخی از دیگر مهارت‌های پایه را ارتقا بخشید.

۴. حداقل سواد قرآنی به علاقه‌مندی خواندن مستمر قرآن کریم، فهم تدریجی معنای عبارات و آیات آن می‌انجامد و زمینه‌ساز بهره‌گیری مادام‌العمر از آموزه‌های الهی می‌شود.

هدف آموزش عمومی قرآن کریم، نمی‌تواند صرفاً دست‌یابی به دانش و مهارت خاصی در ارتباط با قرآن باشد، بلکه باید توانایی و قابلیت فراهم آورد که فرد بتواند ضمن انس و ارتباط دائمی با قرآن کریم، پیوسته خود را در معرض تزکیه و تعلیم الهی قرار دهد و از قرآن کریم بهره‌مند شود.

اجزای اصلی سواد قرآنی

با توجه به تعریف سواد قرآنی، می‌توان برای آن سه جزء اصلی در نظر گرفت. این سه جزء عبارت‌اند از: خواندن قرآن کریم، درک معنای عبارات و آیات قرآن کریم، و تدبر در آیات. تدبر در آیات که از توصیه‌های اکید قرآن کریم و معصومین - علیهم‌السلام - است، از مهارت‌های عمومی است که گاهی در زبان روایات، به عنوان شرط اصلی بهره‌مندی از قرآن کریم بیان شده است، تا آن‌جا که در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - نقل شده است که فرمودند: «لَا خَيْرَ فِي قِرَائِهِ لَا تَدَبَّرُ فِيهَا». در صورتی که این سه جزء اصلی سواد قرآنی را در سه وجه هرم نشان دهیم، قاعده‌ی این هرم که بنیان و اساس نگاه‌داری سه وجه آن است، انس دائمی با قرآن کریم خواهد بود. انس با قرآن کریم، غیر از نقشی که در ایجاد مهارت‌های پایه‌ی سواد قرآنی دارد، هم نگاه‌دارنده و حافظ این مهارت‌هاست و هم محصول و ثمره‌ی اصلی سواد قرآنی محسوب می‌شود.

سواد قرآنی، اعتقاد و علاقه به یادگیری قرآن کریم و برخورداری از دانش و مهارت پایه به منظور بهره‌گیری مستمر و مادام‌العمر از قرآن کریم و انس داشتن با آن است

بین و بخوان

گفت‌وگو با مسعود وکیل، از نویسندگان کتاب‌های آموزش قرآن دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

گفت‌وگو: بهناز پورمحمد

عکس: طیبه رحیمی



اشاره

○ حدود ۱۰ سالی است که آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی به شیوه‌ی جدید تدریس می‌شود. به نظر گروه قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، میزان موفقیت بچه‌ها در رسیدن به هدف‌های قصد شده در برنامه، چه‌قدر بوده و آیا در این زمینه ارزش‌یابی صورت گرفته است؟

● این کار جزو برنامه است. طرح ارزش‌یابی برون‌داد آموزش قرآن در دوره‌ی راهنمایی، توسط «مؤسسه‌ی پژوهشی» سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در دست اجراست و به صورتی طراحی شده است که نتیجه‌ی پژوهش، وضعیت کل بچه‌ها را به نمایش می‌گذارد. امیدواریم به زودی نتایج این ارزش‌یابی را از طریق همین نشریه اعلام کنیم.

در ضمن باید عرض کنم، قبل از اجرای برنامه‌ی جدید، از برنامه‌ی قبلی ارزش‌یابی به عمل آوردیم تا بعد امکان مقایسه

مطلع شدیم که کتاب‌های درسی قرآن در سه سال راهنمایی تغییرات عمده‌ای کرده و قرار است در سال تحصیلی جاری، پس از اجرا در سال‌های اول و دوم راهنمایی، در سال سوم نیز اجرای سراسری شود. کتاب‌های جدید تا پایان سوم راهنمایی به صورت سه کتاب ده جزئی (هر پایه ده جزء از قرآن کریم) به همراه آموزش مفاهیم است که تا پایان سوم راهنمایی، کل قرآن کریم را دانش‌آموزان قرائت (روخوانی) می‌کنند و درک معنای آن‌ها را یاد می‌گیرند؛ البته منطبق با برنامه‌ریزی و اهداف آموزش و پرورش. بر آن شدیم تا با یکی از نویسندگان این کتاب، مسعود وکیل به گفت‌وگو بنشینیم و از چند و چون و چگونگی اجرای آن در کلاس‌های راهنمایی، برای شما عزیزان اطلاعات کسب کنیم.



با صداوسیما در
این زمینه هماهنگ
شده است. برنامه‌ی
خوبی به نام «هر روز
با قرآن، هم‌گام با
دانش‌آموزان» تهیه
شده است که طبق
صفحات تعیین‌شده‌ی
روزانه، از شبکه‌ی قرآن
پخش می‌شود

مستقیم برقرار می‌کرد. البته آن روش نیز مشکلات خاص خودش را داشت. به هر صورت نقص و مشکل کتاب‌های آموزش قرآن این بود که آموزش‌ها به خواندن قرآن از روی مصحف کامل منتهی نمی‌شد.

اما نقص دوم، مشکل دیگری که ما در آموزش قرآن در سراسر کشور داریم این است که خواندن روزانه و مستمر قرآن در جامعه‌ی ما به رفتاری پسندیده‌ی جاری و ساری تبدیل نشده است. بهترین رفتاری که مدنظر قرار دارد این است که با قرآن مانند ایام ماه رمضان رفتار کنند. در رمضان بیشتر مردم خود را موظف به خواندن یک جزء از قرآن کریم می‌کنند و اگر روزی نرسند، سعی در جبران آن در روزهای دیگر دارند. امیدواریم با توسعه‌ی فرهنگ قرآنی، این نقص هم برطرف شود.

● شما با توزیع کتاب‌های ۱۰ جزئی، می‌خواهید این نقص را برطرف کنید که بچه‌ها آموزش قرآن را با خود قرآن شروع کنند؟

● با خود قرآن شروع نکنند، بلکه با خود قرآن به پایان برسانند. ما آموزش را می‌دهیم و دانش‌آموزان با این مهارت آشنا می‌شوند. ما می‌توانیم آموزش روخوانی قرآن را به آموزش شنا، رانندگی، دوچرخه‌سواری و... از نظر مهارتی بودن، تشبیه کنیم. یعنی شما می‌روید مهارت رانندگی کسب کنید. اول باید در امتحان آیین‌نامه شرکت کنید و سپس در آزمون عملی. پس از قبولی شما، همه می‌دانند که هنوز یک راننده‌ی ماهر و حرفه‌ای نشده‌اید، ولی صلاحیت‌های اولیه را پیدا کرده‌اید. آن وقت هر از چند گاهی با خودرویی و در حالی که کسی کنار شما نشسته است، در جایی خلوت تمرین می‌کنید تا کاملاً راه بیفتید و بتوانید به صورت انفرادی رانندگی کنید.

نظام آموزشی ما باید تا آن‌جا که توان دارد، عادت به خواندن روزانه‌ی قرآن را در برنامه‌ی خود بگنجانند. این هدف را ما در ۱۰ جزئی‌ها آورده‌ایم. خود این امر خیلی مهم بود که خواندن یک صفحه از قرآن در برنامه به صورت ۱۰ جزئی بیاید.

● این سؤال ممکن است برای همکاران دبیر پیش بیاید که حجم کتاب زیاد است و آموزش مفاهیم را هم داریم و فرصت برای تدریس بسیار کم است. در این برنامه، جایگاه آموزش مفاهیم چه می‌شود؟

● برنامه‌ی آموزش در ارتباط با نحوه‌ی خواندن و نحوه‌ی مفاهیم (درک معنا) با قبل هیچ تغییری نکرده است. تنها تغییر در کتاب به این صورت است که در ابتدای هر درس از کتاب‌های قبلی، دو تا سه صفحه به آیات قرآن کریم اختصاص داشت. این آیات از کتاب برداشته و کتاب ۱۰ جزئی اضافه شده است. به این ترتیب، دانش‌آموزان دو کتاب دارند: یکی آموزش قرآن و یکی هم قرآن کریم که ۱۰ جزئی است.

تقاضایمان از همکاران دبیر این است که هرگز وقت مفاهیم را به قرائت، و یا بالعکس، وقت قرائت را به مفاهیم اختصاص

داشته باشیم. این اولین مرتبه‌ای است که ما در یک طرح علمی، می‌توانیم گزارشی از وضعیت دانش‌آموزان در پایان دوره‌ی راهنمایی و همچنین پایه‌ی پنجم دبستان ارائه کنیم.

● به چه علت آموزش و پرورش به این نتیجه رسید که باید در دوره‌ی راهنمایی کتاب‌های ۱۰ جزئی تدریس شود؟

● مدت دو سال است که طرح آزمایشی اجرا شده و سال تحصیلی جاری (۹۰-۱۳۸۹) سومین سال اجرای آن است که هر سه پایه‌ی راهنمایی را شامل می‌شود. البته طرح جدیدی نیست و از هشت سال پیش جزو برنامه‌های ما بوده است که به دلیل برخی مشکلات، به اجرا در نمی‌آمد.

● می‌توانید برخی از مقدماتی را که باعث دیر اجرا شدن طرح شده است ذکر کنید؟

● باید برای هر دانش‌آموز در هر سال تحصیلی یک کتاب ۱۰ جزئی تأمین می‌کردیم. این خودش رقم قابل ملاحظه‌ای بود. البته خوش‌بختانه در سال تحصیلی جاری، به تعداد دانش‌آموزان کتاب چاپ شده است. به هر حال، مشکلاتی از این قبیل وجود داشته است.

● چه اقداماتی صورت گرفت تا تدریس ۱۰ جزئی‌ها در مدارس پا بگیرد؟

● به طور خیلی خلاصه، حدود شش سال است که برنامه‌ی آموزش قرآن در پایه‌ی پنجم دبستان اجرا می‌شود. دانش‌آموزان در درس قرآن، یک درس در میان را به خواندن ۳۰ جزء قرآن می‌پردازند که قرآن از دفتر مدرسه تأمین می‌شود. البته حدود نیمی از قرآن‌ها را قبلاً به مدارس رسانده بودیم و امسال بقیه را به مدارس می‌رسانیم. شش سال پیش، نیمی از مدارس سراسر کشور این قرآن‌ها را دریافت کردند. سعی کردیم تعداد قرآن‌ها با تعداد نیمکت‌های هر کلاس برابر باشد.

تدریس قرآن در پایه‌ی پنجم دبستان به این شکل است که معلم به روش تصادفی، قرآن را باز می‌کند. بچه‌ها در کلاس، در کنار کتاب درسی قرآن، قرآن را از روی مصحف کامل نیز قرائت می‌کنند. به این ترتیب، آن‌ها از خلال درس‌ها به قرآن کامل هدایت می‌شوند. این موضوع بسیار مهمی است که در متن برنامه گنجانده شده و لوازم آن فراهم آمده است تا بچه‌ها آرام‌آرام از روی قرآن کامل قرائت کنند. یعنی آماده می‌شوند تا در دوره‌ی راهنمایی روخوانی به خوبی اتفاق بیفتد.

● فلسفه‌ی تغییر کتاب‌ها چه بوده است؟

● نقص‌هایی در آموزش قرآن در آموزش و پرورش وجود دارد که ما کوشیده‌ایم، تا حدودی آن‌ها را برطرف کنیم.

● لطفاً درباره‌ی این نقص‌ها توضیح بدهید.

● در زمان‌های دورتر، کتاب آموزش قرآن وجود نداشت. هر کس می‌خواست قرآن یاد بگیرد، از خود کتاب قرآن استفاده می‌کرد. اما این حسن را داشت که فرد از اول با خود قرآن ارتباط



ندهند. این به برنامه لطمه می‌زند و هیچ فایده‌ای هم ندارد. باید نیمی از وقت را به مفاهیم و نیمی دیگر را به ۱۰ جزئی اختصاص بدهند.

○ آموزش مفاهیم را دبیران محترم ۱۰ سالی است که تدریس می‌کنند و مشکلی از این نظر نیست. قسمتی که ممکن است برای معلمان مشکل ایجاد کند، چگونگی تدریس ۱۰ جزئی‌هاست. برای راهنمایی و رفع مشکل دبیران چه پیشنهادی دارید؟

● برای هر جلسه ۱۰ جزئی، حدود هشت صفحه برای هر هفته در نظر گرفته شده و هر درس به دو جلسه تقسیم شده است. ۱۲ درس که در ۲۴ جلسه تدریس می‌شود. پس هر درس در دو جلسه تدریس می‌شود. در هر جلسه ۹۰ دقیقه داریم که ۱۰ دقیقه از آن در اختیار معلم است. می‌ماند ۸۰ دقیقه. ۴۰ دقیقه به مفاهیم و ۴۰ دقیقه به ۱۰ جزئی‌ها می‌پردازیم. ۴۰ دقیقه‌ی اول مربوط به قرائت است که در کتاب آموزش قرآن به آن‌ها اشاره کرده‌ایم. برای هر جلسه هشت صفحه قرار داده‌ایم.

معلم هر میز دو نفری را یک گروه در نظر می‌گیرد. اگر سه نفر بودند، گروه‌ها سه نفری می‌شود. اگر هم در یک میز چهار دانش‌آموز نشسته‌اند، به دو گروه دو نفری تقسیم می‌شوند. معلم برای هر گروه یک صفحه از هشت صفحه را مشخص می‌کند. اگر تعداد گروه‌ها از هشت صفحه بیشتر بود، مجدداً از صفحه‌ی اول برایشان تعیین می‌کند.

تعیین گروه گام اول برای فعالیت اول است. به بچه‌ها فرصت می‌دهیم، پنج یا شش دقیقه با هم مطالعه کنند تا اگر اشکالی داشتند، به کمک هم برطرف کنند. در غیر این صورت، مشکل خود را با معلم خود در زمانی که معین شده است، در میان می‌گذارند. دقت کنید، این زمان بیش از پنج یا شش دقیقه نباشد، چون بچه‌ها به صحبت کردن مشغول می‌شوند. کنترل و مدیریت زمان توسط معلم، در موفق بودن گام اول خیلی نقش دارد.

تذکر ما به بچه‌ها این است که خوب گوش کنند. ضمن قرائت به بچه‌ها متذکر می‌شویم اگر هر کدام از طرفین کلمه‌ای را غلط قرائت کرد، صبر کند و در آخر مطرح کند. ما در کتاب این توصیه را داریم: «ببین و بخوان». یعنی دقت کن و بخوان؛ همین طوری از ذهنت نخوان. این فعالیت هم باید پنج یا شش دقیقه بیشتر انجام نگیرد؛ به همان دلیل که در ابتدا گفتیم.

در این زمان معلم کاملاً در اختیار کلاس و دانش‌آموزان است. اشکالات فردی دانش‌آموزان را گوش و کمک می‌کند که کلمه‌ها را صحیح بخوانند. با مطالعه‌ی بچه‌ها، اشکالاتشان در آن هشت صفحه‌ی تدریس شناسایی می‌شود و معلم برای رفع آن اقداماتی به عمل می‌آورد. اشکالات بچه‌ها روی تخته نوشته می‌شود و ظرف همان پنج شش دقیقه اشکالاتشان رفع می‌شود. این کار نهایتاً ۱۵ دقیقه وقت می‌برد. ظرف ۲۵ دقیقه‌ی باقی‌مانده، از تعدادی از بچه‌ها می‌خواهیم، از صفحاتی که

خوانده‌اند، قرائت کنند. این کار به دو شکل امکان دارد: یا به انتخاب خود دانش‌آموز است که از کجای صفحه بخواند، یا این که معلم مشخص می‌کند که مثلاً این دو خط را دانش‌آموزی بخواند. این هم به قوی یا ضعیف بودن دانش‌آموز بستگی دارد؛ خودش انتخاب کند یا متن ساده‌تری را معلم از او بخواهد که قرائت کند. البته لازم نیست معلم هر بار از اول یا آخر قرآن، از بچه‌ها بخواهد که قرائت قرآن کنند. می‌تواند از آخر، وسط یا اول همان هشت صفحه انتخاب کند و فرقی نمی‌کند.

○ توانایی دانش‌آموزان براساس شهرها، مدارس و کلاس‌های مختلف، متفاوت است. حتی بچه‌هایی که در یک نیمکت می‌نشینند، شرایطشان با هم فرق می‌کند. بعضی از بچه‌ها در قرائت ضعیف هستند. برای آموزش این گروه از بچه‌ها چه راهکاری ارائه داده‌اید؟

● در کلاسی که امسال عهده‌دار تدریس آن بودم، اتفاقاً دانش‌آموز خیلی ضعیف هم داشتم. اگر این وضعیت را یک سوم کلاس داشته باشند، نتیجه می‌گیریم که این دانش‌آموزان در مقدمات روخوانی مشکل دارند. معلم اجازه دارد تا سه جلسه ۱۰ جزئی‌ها را کنار بگذارد و به روشی که ما در راهنمای معلم کتاب‌های راهنمایی گفته‌ایم، از لوحه‌های آموزش روخوانی استفاده کند. اگر معلم این کار را انجام دهد، عموم بچه‌ها به دلیل زمینه‌ای که از دوره‌ی ابتدایی دارند و توان ذهنی که در دوره‌ی راهنمایی به دست آورده‌اند، می‌توانند آهسته و شمرده شمرده قرآن را قرائت کنند؛ همین یعنی پیشرفت.

آموزش مفاهیم از کلمه‌ها و ترکیب‌ها و عباراتی که در هشت صفحه‌ی آن جلسه آمده است، مثال‌هایی مربوط به آموزش مفاهیم آن جلسه پیدا کنیم. این امر اقدام جدید و نویی است. با این کار، مسئله‌ی اصلی، یعنی خواندن و فهمیدن قرآن، کاملاً بر هم منطبق می‌شوند.

○ پس در سال تحصیلی جاری، کتاب‌های ۱۰ جزئی و آموزش مفاهیم بر هم منطبق خواهند شد؟

● این امر از سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در اول راهنمایی اتفاق می‌افتد.

○ طرح تدریس کتاب‌های ۱۰ جزئی جدید است. بنابراین، ممکن است همکاران در تدریس، به اشکالاتی برخورد کنند. برای رفع اشکالات به کجا باید مراجعه کنند؟

● مدرسان قرآنی در مناطق برای همین امر در خدمت همکاران عزیز هستند. در عین حال می‌توانند با تلفن دفتر تألیف گروه قرآن، با شماره‌های ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۲۳ و ۰۲۱-۸۸۳۰۵۷۷۱ تماس بگیرند. من و دوستان دیگر منتظر نظرات، پیشنهادات و توصیه‌های همکاران محترم هستیم و در خدمت‌گزاری آماده‌ایم.

○ در برخی استان‌ها، معلمان و دانش‌آموزان ضمن دریافت کتاب‌های آموزشی قرآن چاپ سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ کتاب‌های ۱۰ جزئی را هم تحویل گرفته‌اند. تکلیف آن‌ها چه می‌شود؟

● ما برگه‌ای میان کتاب‌هایشان گذاشته‌ایم که جدول صفحات طول سال را برایشان توضیح داده است و معلمان عزیز هم آشنا به کار هستند. به جای آیات اول هر درس، مطابق با ۱۰ جزئی‌ها کار می‌کنند و مفاهیم هم که همه یکی است و فرقی نکرده است.

○ برخی از اولیا یا دانش‌آموزان ممکن است این سؤال برایشان پیش آید که ما کل کتاب را کار نکرده‌ایم. چرا از قسمت‌هایی که نخوانده‌ایم، آزمون به عمل آورده‌اند؟ چه جوابی برای این گروه از اولیا و دانش‌آموزان دارید؟

● من به دبیران عزیز توصیه می‌کنم به کمک مدیر مدرسه در ابتدای سال تحصیلی، برای والدین جلسه‌ی توجیهی برگزار کنند و فلسفه‌ی این کار را کاملاً توضیح دهند، تا برای خواندن قرآن در منزل و همراهی کردن با فرزندانشان در منزل، فرهنگ‌سازی شود. در این امر از کمک و مساعدت اولیا نباید چشم پوشید.

در همین ارتباط، لازم است به اولیا بگوییم که لزومی ندارد کل ده جزء در مدرسه تدریس شود. نکات مهم و کلیدی هر درس گفته و خوانده می‌شود و برای توضیح و روخوانی بیشتر، صفحات دیگر را در منزل قرائت می‌کنند. مثل سایر دروس که مباحث و مطالب هر درس گفته می‌شود و تمرینات اضافی یا خارج از کتاب، در منزل انجام می‌گیرند. هیچ فرقی با دروس دیگر ندارد.

پس اگر معلم متوجه شد که دانش‌آموزان در گام‌های اولیه‌ی روخوانی - نه روان‌خوانی - قرآن مشکل دارند، باید با بچه‌ها کار کند. حتی می‌تواند از همین کتاب‌های ۱۰ جزئی استفاده کند و تا چهار جلسه، یعنی آخر مهر، فرصت دارد که دانش‌آموزان را به حد مطلوب برساند و برای شروع ۱۰ جزئی‌ها، از جلسه‌ی پنجم مطابق با برنامه‌ریزی تدریس کند. اما از اول کتاب شروع نمی‌کند، بلکه از جایی که برای آبان ماه مشخص شده است، تدریس را ادامه می‌دهد. یک توصیه‌ی مهم دیگر این‌که ما برای بازنگری نباید قاعده‌آموزی کنیم و به تعاریف بپردازیم، بلکه قاعده‌ها را باید در چارچوب کاربردی و عملی آموزش بدهیم.

منطق ما این است که وقتی دانش‌آموزی بتواند یک صفحه روخوانی درست داشته باشد، پس می‌تواند تمام قرآن را به یک میزان قابل قبول روخوانی کند.

○ در برنامه‌ی ۱۰ جزئی‌ها به دانش‌آموزان سفارش کرده‌اید که شبی یک صفحه از قرآن را در منزل بخوانند. آیا تمهیداتی اندیشیده‌اید که اگر بچه‌ها در روخوانی مشکلی برایشان پیش آمد، باید چه کنند؟

● با صداوسیما در این زمینه هماهنگ شده است. برنامه‌ی خوبی به نام «هر روز با قرآن، هم‌گام با دانش‌آموزان» تهیه شده است که طبق صفحات تعیین شده‌ی روزانه، از شبکه‌ی قرآن پخش می‌شود.

برای رفع اشکال هم از قبل دی‌وی‌دی مناسبی آماده شده که ۳۰ جزء قرآن همراه با قسمت‌بندی در آن آمده است و همراه کتاب در ابتدای سال به همه‌ی دانش‌آموزان تحویل داده می‌شود. اگر دانش‌آموزان به اشکالی برخوردند، با مراجعه به این لوح فشرده می‌توانند اشکال خود را رفع کنند. در نهایت دانش‌آموز می‌تواند در جلسه‌ی بعدی کلاس، اشکالش را از معلم خود سؤال کند.

○ قرائت آیات کتاب‌های درسی سال‌های قبل همراه با آموزش مفاهیم همان آیات بوده است. الان با فاصله‌ای که ایجاد شده، آیات به صورت ۱۰ جزئی در یک کتاب مجزا و آموزش مفاهیم در کتاب دیگری آمده است. آیا مشکلی در آموزش مفاهیم به وجود نمی‌آید؟ برای رفع این مشکل در سال تحصیلی جدید چه فکری کرده‌اید؟

● وقتی مفاهیم تدریس می‌شود، از همان کتاب درسی استفاده می‌شود. در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ از کتاب جدید مفاهیم استفاده نکردیم. چون اگر می‌خواستیم هم قرآن‌ها را عوض کنیم هم مفاهیم را، مشکل معلمان مضاعف می‌شد. در ضمن، آموزش مفاهیم منطق خاصی دارد و مبتنی بر آموزش لغات پرکاربرد قرآن است؛ یعنی لغاتی که همه جای قرآن آمده‌اند. برای تکلیف دادن به بچه‌ها و ایجاد ارتباط بین دو کتاب، می‌توانیم علاوه بر روزی یک صفحه قرائت قرآن در منزل، در

از معلمان قرآن می‌خواهم هرگز وقت مفاهیم را به قرائت، و یا بالعکس، وقت قرائت را به مفاهیم، اختصاص ندهند

درس قرآن

طرح درس مبتنی بر هوش های یادگیری گاردنر

دکتر لیلا سلیقه دار

کلیدواژه ها: هوش، یادگیری، قرآن.

اشاره

در طراحی آموزشی مبتنی بر هوش های یادگیری، این فرصت برای معلم وجود دارد تا با استفاده از ابزار گوناگون و متنوع، زمینه ی آموزش وسیع تری برای فراگیرندگان فراهم سازد (در دوره ی پانزدهم رشد راهنمایی، سال تحصیلی ۸۹-۸۸ در هشت شماره به این موضوع اشاره شده است). بدیهی است، طراحی آموزشی شامل تمام مراحل انجام فرایند یاددهی - یادگیری است که فعالیت های پیش از اجرای درس، حین تدریس و پس از آن را شامل می شود. لذا معلم می تواند در هر مرحله، به تعدادی از هوش های چندگانه ی یادگیری تکیه کند و از آن ها بهره بگیرد. در نوشته ی پیش رو، فعالیت های اجرایی در کلاس، برای بخش هایی از درس چهارم درس قرآن پایه ی دوم راهنمایی تحصیلی مورد نظر قرار گرفته و تشریح شده است.

برای این منظور، ابتدا طراحی اجرای دو بخش از درس بررسی شده و سپس به راهکارهایی اجرایی مبتنی بر هوش های یادگیری در رابطه با سایر قسمت های درس اشاره شده است.

تلفظ حرف «ع»

در قسمتی از درس، آموزش تلفظ حرف «ع» مورد نظر است. برای این کار، معلم با طرح سؤالات، فرصتی برای ارائه ی نظرات دانش آموزان فراهم می کند. ابتدا از دانش آموزان می خواهد پنج کلمه در فارسی را که در آن ها حرف «ع» به کار رفته است، بگویند و یکی از دانش آموزان آن را روی تخته می نویسد. سپس با استفاده از کتاب قرآن، پنج کلمه ی دیگر را که دارای همین ویژگی هستند، در زبان عربی بیابند و بگویند. این کلمات در دو گروه «در فارسی» و «در قرآن» دسته بندی می شوند. در هر فهرست، حرف «ع» با رنگ دیگری مجزای از رنگ سایر حروف نوشته می شود. حال از دانش آموزان می خواهد که به صورت انفرادی، کلمات را بخوانند و به تفاوت قرائت آن ها اشاره کنند. در صورتی که دانش آموزی به

تلفظ درست «ع» در زبان قرآن توجه داشت، از بچه ها می خواهد به آن بیشتر توجه کنند. این کار را خودش نیز انجام می دهد و از دانش آموزان می خواهد که تفاوت تلفظ در این دو گروه را بیان کنند. سپس از آن ها می پرسد، چرا توجه به تلفظ صحیح حروف در زبان عربی اهمیت دارد؟ و می خواهد دانش آموزان نظرات خود را تشریح کنند و برای این کار از مثال های بیشتری استفاده کنند. حالا دانش آموزان در گروه هایی قرار می گیرند تا مثال هایی را در کتاب قرآن پیدا کنند که تاکنون با تفاوت تلفظ حروف آن ها در فارسی و عربی آشنا شده اند. یک ضبط صوت در اختیار هر گروه قرار داده شده است. بچه ها موظف هستند بعد از یافتن ده کلمه با حروف مورد نظر از کتاب قرآن، آن ها را تلفظ کنند و صدای خود را ضبط کنند. سپس صداهای ضبط شده در کلاس پخش و اشکالات احتمالی رفع می شود. در پایان، از دانش آموزان هر گروه خواسته می شود جلسه ی آینده ی هر روز، نوار را به یکی از اعضای گروه بدهند تا همان کلمات را به درستی تلفظ و صدای خود را ضبط کند.

پرواز به سوی آسمان

در بخش دیگری از درس (قسمت شناخت: پرواز به سوی آسمان، معلم آیه ی زیر را که بر یک برگ مقوا خوش نویسی کرده است، بر تابلو می چسباند.

قَمِنْ يَرْدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُو يَسْرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرْدُ أَنْ يُضَلَّهُو يَجْعَلَ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ (انعام/۱۲۵)

سپس از دانش آموزی می خواهد که آن را با صوت روخوانی کند. دانش آموز دیگر نیز معنای آن را نشان دهد و بخواند. سپس از دانش آموزان می خواهد تا به این سؤالات پاسخ دهند:

- * در این آیه، خداوند به چه علمی اشاره کرده است که امروزه نیز از آن استفاده ی زیادی می شود؟
 - * این آیه به کدام آرزوی دیرینه ی انسان اشاره می کند؟
 - * چه اطلاعاتی درباره ی پرواز دارید؟
 - * برای غلبه بر کمبود اکسیژن در پرواز، چه تدابیری اندیشیده شده است؟
 - * آیا تاکنون تجربه ی پرواز داشته اید؟
- او در طرح سؤالات، به نظرات همه ی دانش آموزان توجه می کند،

برای ایجاد زمینه های متنوع در یادگیری دانش آموزان و نیز نشانه گیری هوش های یادگیری بیشتر، معلم می تواند افراد قاری قرآن را برای این کار به کلاس دعوت کند

از دانش‌آموزان بخواهید برای معنای کلمات، ترکیب‌ها و عبارات داده شده در تمرین‌ها، بنابر تمایل و توانایی خود، یکی از تکالیف زیر را انجام دهند:

* برای کلمات و معنای آن‌ها یک چارت برگردان تهیه کنند

* ترکیب‌ها و معنای آن‌ها را با استفاده از تابلوی الکتریکی نمایش دهند.

* کلمات و معنای آن‌ها را در یک صفحه با رنگ‌های متنوع و به صورت درهم بنویسند؛ به شکلی که هر کلمه با معنای خود یک رنگ داشته و قابل شناسایی باشد.

* برای تمرین چهارم که در آن اشکال متفاوت کلمه‌ی مورد نظر است، آهنگ خاصی طراحی کنند و اشکال متفاوت موردنظر برای هر کلمه را در آن ریتم قرار دهند.

طوری که همه‌ی دانش‌آموزان در این مرحله شرکت کنند.

سپس با نشان دادن تصویری از یک لباس فضایی و نیز تصویری از کهکشان‌ها و سیارات دیگر، از دانش‌آموزان می‌خواهد تصور کنند لباس فضایی به تن کرده‌اند و احساس خود را در حین پرواز توضیح دهند. خود نیز روی صندلی می‌نشینند و با تصور بچه‌ها همگام می‌شود؛ مانند این که همه‌ی آن‌ها در یک سفینه در فضا در حال پرواز هستند در بررسی و بیان احساس دانش‌آموزان، به کمبود اکسیژن تأکید و توجه می‌کند. او در این نمایش، توجه دانش‌آموزان را به این نکته جلب می‌کند که اولین بار چه کسی متوجه این مطلب شد که هر چه از زمین دورتر شویم، اکسیژن کمتری وجود دارد؟ و این مطلب را به آیه‌ی قرآن که ابتدای کلاس تلاوت شد، ارتباط می‌دهد.

در پایان و پس از فرود موفقیت‌آمیز سفینه به کلاس، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد بنا به تمایل و توانایی خود، یکی از این تکالیف را انتخاب کنند و تا جلسه‌ی بعد انجام دهند:

* از افراد مطلع (پدر، مادر، اقوام، روحانی مسجد، روحانی مدرسه و...) بپرسند که چه اختراع دیگری را می‌شناسند که سال‌ها پیش در قرآن از آن اطلاعی داده شده بود؟ نتیجه را به صورت شفاهی در کلاس بیان کنند.

* آیه‌ی تلاوت شده در کلاس را بنویسند و معنای آن را در قالب نقاشی نشان دهند.

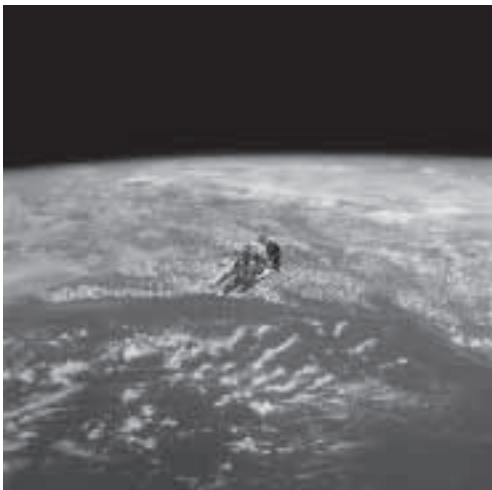
سایر بخش‌های درس

چنانچه می‌دانید، در درس قرآن، بخش‌هایی به روخوانی اختصاص دارد. برای این منظور، از معلم خواسته شده است تا از پخش صدای ضبط شده در لوح فشرده استفاده کند. برای ایجاد زمینه‌های متنوع در یادگیری دانش‌آموزان و نیز نشانه‌گیری هوش‌های یادگیری بیشتر، معلم می‌تواند آفرند قاری قرآن را برای این کار به کلاس دعوت کند. نیز می‌تواند از خانواده‌های دانش‌آموزان کمک بگیرد تا صدای فردی را که به تلاوت صحیح قرآن مسلط است ضبط کنند و به کلاس بیاورند. یا دانش‌آموزان را به گروه‌هایی تقسیم کند و از هر گروه بخواهد، با استفاده از ضبط صوت یا حضور مهمان کلاس، به صورت گروهی به قرائت آیات بپردازند.

همراهی دانش‌آموزان در وضو گرفتن پیش از درس، انجام روخوانی‌ها در نمازخانه‌ی مدرسه، مسجد محل و یا حسینیه‌ی محله، از دیگر شیوه‌های مناسب و تأثیرگذار در اجراست.

هم چنین، ایجاد محیطی طبیعی در کلاس مانند استفاده از گلدان و گل‌های طبیعی در کلاس و مواردی از این دست نیز برای ارضای نیاز هوش‌های طبیعت‌گرا مؤثر است. این امکانات می‌تواند برای ذکر مثال‌های متفاوت از سوی معلم، برای ایجاد ارتباط درس با طبیعت و محیط اطراف نیز مفید باشد. در صورتی که این شرایط در کلاس مهیا نباشد، برگزاری کلاس در حیاط مدرسه یا فضای سبز اطراف مدرسه، جای‌گزین مناسبی است.

در انجام بخش تمرین‌ها نیز شیوه‌های گوناگونی می‌تواند در بهره‌گیری از هوش‌های متفاوت دانش‌آموزان مؤثر باشد. برای مثال،



همراهی دانش‌آموزان در وضو گرفتن پیش از درس، انجام روخوانی‌ها در نمازخانه‌ی مدرسه، مسجد محل و یا حسینیه‌ی محله، از دیگر شیوه‌های مناسب و تأثیرگذار در اجراست

کلاسی قرآنی شاد

سحر بیاضیان
عکس: رضا بهرامی



ویژه نامه‌ی آموزش درس قرآن

اشاره

همکاران عزیز، حتماً پیش از این شما هم مثل من به فکر افتاده‌اید که چگونه کلاس شاد و فرح‌بخش برای درس قرآن ایجاد کنید تا هم این درس در ذهن بچه‌ها به خوبی حک شود و هم خاطره‌ی خوشی از روزهای با قرآن بودن در به همراه داشته باشند.

وسایل لازم: یک نایلون ۲×۲ متر بی‌رنگ و شفاف، چند برگه‌ی کوچک سفید یا رنگی، مازیک وایت‌برد تا حد امکان به دو رنگ متفاوت، چهار برگه‌ی A₄ سفید.

همان‌طور که می‌بینید، دو وسیله لازم داریم. شما هم می‌توانید مثل ما از شیوه‌های زیر، برای آموزش مفاهیم و لغات قرآنی به فارسی و به عکس از فارسی به عربی، بازی‌هایی طراحی

کنید. خوش‌حال می‌شویم از بازی‌های شما به نام خودتان در مجله یاد کنیم.

*** نخست** بچه‌های کلاس را براساس نام چهار سوره از قرآن گروه‌بندی می‌کنیم. نام سوره‌ها را روی برگه‌ای می‌نویسیم و با فاصله‌های مناسب به دیوار می‌زنیم. از بچه‌ها می‌خواهیم، ظرف ۳۰ ثانیه، زیر یک اسم بایستند و به گروه‌هایی با اسامی متفاوت تقسیم شوند. می‌توانیم نام چهار سوره را که از اسامی پیامبران است، برای آن‌ها استفاده کنیم.

*** از هر گروه** می‌خواهیم، یک یا دو عبارت قرآنی درس را انتخاب و نوبتی این بازی را شروع کنند. مثلاً گروه یوسف، از بچه‌های دوم راهنمایی، صفحاتی از ده جزئی را انتخاب می‌کنند و شروع می‌کنند به نوشتن کلمات آن به تفکیک روی نایلون.

همکار محترم و دبیر قرآن عزیز می‌توانیم، با کمک یکی دو تا از بچه‌های کلاس، برگه‌های معانی این کلمات را از قبل آماده کنیم تا وقت زیادی از کلاس گرفته نشود. ولی معانی را به تفکیک انتخاب می‌کنیم. مثلاً وقتی به «لَهُ الْمُلْكُ» می‌رسیم، برای این عبارت سه برگه‌ی فارسی خواهیم داشت که ما به ازای «لَ»، «هُ» و «الْمُلْكُ» هستند. برگه‌های فارسی را میان همه‌ی



شماره ۲ آبان ۸۹
دوره‌ی ۱۶



وبژمانامه‌ی آموزش درس قرآن

کلمه یا بخشی از کلمه‌ی قرآنی خود را با ماژیک رنگ مخالف خط بکشند.

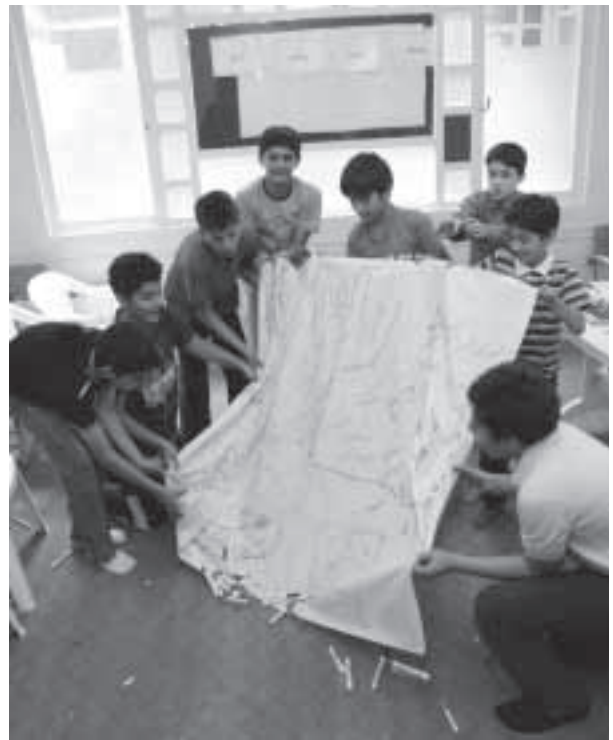
به این ترتیب، کلمات باقی مانده یعنی کلمه‌های قرآنی که دور آن‌ها خط کشیده نشده و مثلاً به عبارت قرآنی گروه ۱ تعلق دارد، به اندازه‌ی ۱۰ امتیاز از امتیاز گروهی کم خواهد کرد. برگه‌های معانی فارسی که بچه‌ها نتوانسته باشند معادل آن‌ها را پیدا کنند و دور آن‌ها خط بکشند و در عبارت قرآنی همان گروه قرار دارند، مثلاً گروه دو از امتیاز این گروه، ۱۰ امتیاز کم خواهد کرد. خوب است که قبل از بازی به بچه‌ها بگوییم، این بازی، هم نمره‌ی مثبت دارد و هم منفی، و باید حواسشان را جمع کنند. و خوب‌تر آن است کاری کنیم که همه‌ی بچه‌ها به فعالیت و کار در کلاس تشویق شوند. شاید لازم باشد این کار را با نمره انجام دهیم.

از این که گام به گام با ما جلو می‌آیید و ما را از تجربه‌های خود محروم نمی‌کنید، از شما بسیار سپاس گزاریم.

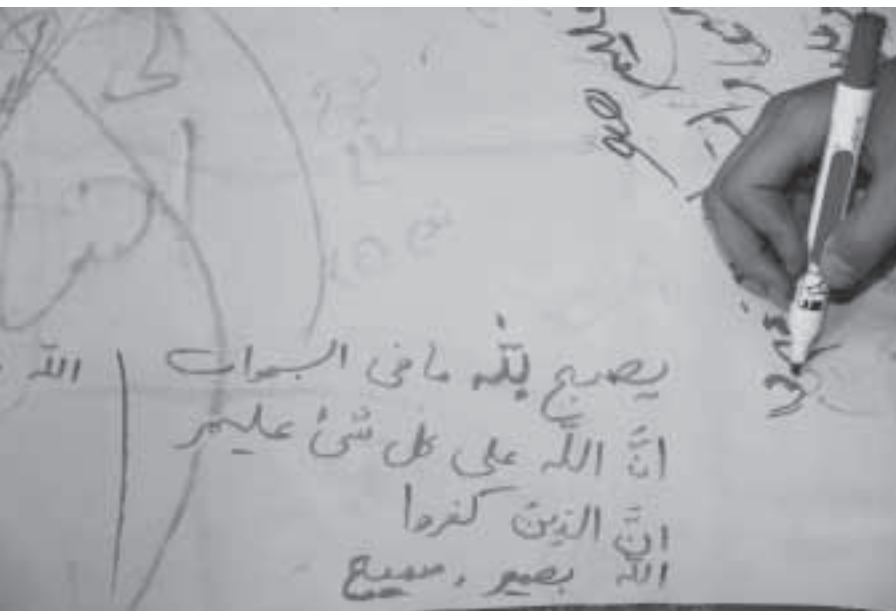


گروه‌ها بر می‌زنیم و پخش می‌کنیم. قطعاً همه‌ی معانی برای یک گروه در دست گروه خودش قرار نمی‌گیرد و فقط چندتایی امتیاز ۲۰ اولیه را می‌گیرند. یعنی با دور اول پخش برگه‌های معانی فارسی، هر کس که معنی در دستش، معنی یک بخش از عبارات قرآن انتخابی گروه خودش باشد، به ازای هر برگه، ۲۰ امتیاز می‌گیرد.

در دور بعدی، دو دقیقه وقت می‌دهیم تا بچه‌ها داخل گروه‌های همدیگر شوند و برگه‌ی مورد نظر خود را در گروه‌های مخالف پیدا کنند. افراد حق دارند فقط یک برگه را با یک برگه جابجا کنند. به این ترتیب، در دور دوم، کسانی که کلمات فارسی عبارات قرآنی خود را پیدا کرده باشند، ۱۰ امتیاز می‌گیرند و پیشنهاد می‌کنم، برای آن که معلوم شود چه کلماتی پیدا شده است، دور



چگونه کلاس شاد و فرح بخش
برای درس قرآن ایجاد کنید



نامرنگاری

روزنامه
فروردین ۱۳۸۹



ترجمه: معصومه خیرآبادی

مطالعه‌ای که به درخواست مؤسسه‌ی «world vision» انجام شد، نگرانی‌های تازه‌ای را در مورد رو به زوال گذاشتن مهارت‌های نوشتاری بین نسل‌های دانش‌آموزی برانگیخت. وجود برنامه‌های غلط‌یابی در رایانه‌ها و اتکای دانش‌آموزان به آن‌ها، باعث کم‌توجهی دانش‌آموزان به نوشته و در نتیجه افزایش ضعف‌های نگارشی مانند املا، نقطه‌گذاری و دستور شده است.

سو پالمرو یکی از متخصصان حیطه‌ی آموزش و نویسنده‌ی کتاب «کودکی زهرآگین»^۱ معتقد است، اگر دانش‌آموزان نامه ننویسند و از طرف دوستان خود نامه دریافت نکنند، منافع مهم‌ی زیادی را از دست می‌دهند، زیرا نامه‌هایی که روی کاغذ نوشته می‌شوند، خصوصی‌تر از نامه‌های الکترونیکی هستند و بر ایجاد روابط دوستانه تأثیر بیشتری دارند. هرگاه به روابط واقعی اهمیت داده شود، در واقع روی ارتباطات ماندگار سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و صرفاً به یک ایمیل، پیام یا کارت تبریک بسنده نکرده‌ایم.

همچنین، تلاش برای نوشتن، در دانش‌آموزان امری طبیعی است. حرکت مداوم قلم بر کاغذ، فکر کردن برای

فناوری‌های جدید، راه‌های بی‌شماری را برای آموزش و یادگیری فراروی معلمان و دانش‌آموزان قرار داده‌اند. برای مثال، امروزه رایانه‌ها و پست‌های الکترونیکی، در انتقال اطلاعات نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. با بهره‌گیری از اینترنت، دسترسی به دانش و آگاهی در زمانی اندک امکان‌پذیر شده است. معلمان و دانش‌آموزان حتی بدون حضور در کلاس و داشتن ارتباط رودررو، قادر به تبادل اطلاعات هستند. اما درکنار همه‌ی مزایا، بهره‌گیری از وسایل جدید، معایبی هم به همراه داشته است.

نوجوانان و جوانان امروز، پیغام‌های خود را از طریق وسایل الکترونیکی مانند رایانه و تلفن همراه به یکدیگر ارسال می‌کنند. بنابراین، تمایل چندانی برای نگارش نامه به روش سنتی ندارند. تحقیقات نشان داده است، یک دهم دانش‌آموزان دبستانی، حتی برای یک بار هم نوشتن نامه روی کاغذ را تجربه نکرده‌اند و تقریباً یک سوم نوجوانان، بیش از یک بار در سال نامه نمی‌نویسند. نیمی از دانش‌آموزان نیز با استفاده از وب‌سایت‌هایی مانند فیس‌بوک^۲، با دوستان خود ارتباط برقرار می‌کنند.

شماره ۲۸۹
فروردین ۱۳۸۹



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)

رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)

رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌پیش دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی

آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) • رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) • رشد آموزش قرآن • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت‌بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش‌وپرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

یافتن لغت‌های مناسب به منظور انتقال بهتر معنا و توجه به املا و نگارش صحیح، بر توانایی‌های نوشتاری دانش‌آموزان تأثیر بسزایی می‌گذارد. این کار ارزش زیادی دارد، زیرا دانش‌آموزان تنها از طریق تمرین کردن باسواد می‌شوند و باسواد نشانه‌ی تمدن بشر است.

نتایج نظرسنجی یوگو^۴ از ۱۲۰۰ کودک و نوجوان ۷ تا ۱۴ ساله نشان داد، ۱۰ درصد از نوجوانان هرگز نامه ننوخته‌اند. این رقم، در بین پسران به ۱۳ درصد افزایش می‌یابد. نظرسنجی دیگری نشان می‌دهد، کودکان هر چه بزرگ‌تر می‌شوند، تمایل کمتری برای نوشتن نامه از خود نشان می‌دهند. ۳۱ درصد از دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۴ ساله، سالی یک بار هم نامه ننوخته‌اند. اما به گفته‌ی خودشان، نیمی از آن‌ها در طول یک هفته، از طریق وبسایت یا تلفن همراه، نامه یا پیغام الکترونیکی ارسال کرده‌اند. این رقم گاهی افزایش چشم‌گیرتری داشته است؛ به طوری که از هر ۱۰ نوجوان، ۸ نفر به ارسال پیغام الکترونیکی تمایل دارد.

این مطالعه هم‌چنین نشان داد، بسیاری از نوجوانان قادر به تنظیم حتی یک نامه هم نیستند. تقریباً نیمی از ۱۱ ساله‌ها اقرار کرده‌اند که هنگام طرح‌بندی ساختار نامه، گیج می‌شوند و نمی‌دانند چگونه باید آن را تنظیم کنند.



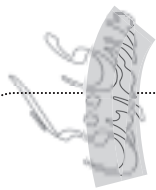
در سال ۲۰۰۸، مصححان برگه‌های امتحانی، برای نمره دادن به دانش‌آموزان، دچار مشکلات عدیده‌ای شده بودند، زیرا دست‌نوشته‌های دانش‌آموزان بسیار ناخوانا بود. یکی از اعضای بزرگ‌ترین هیئت‌های برگزارکننده‌ی آزمون در انگلستان اظهار داشت، بعضی از نوشته‌ها به اندازه‌ای بد بودند که به نسخه‌های خطی قدیمی شباهت داشتند و اشتباهات املائی جدی و زیادی در آن‌ها دیده می‌شد.

پی‌نوشت

1. facebook
2. Sue Palmer
3. Toxic childhood
4. YouGov

www.educationnews.org

منبع



علی اصغر جعفریان

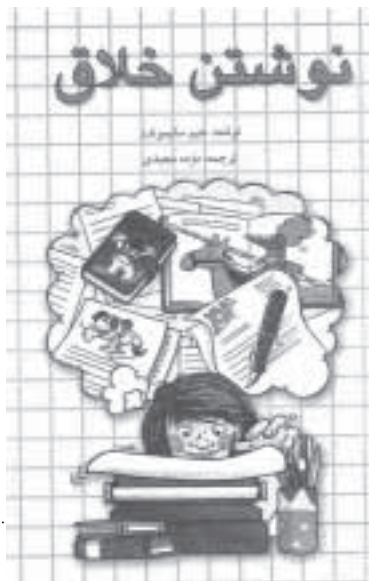
کسی می تواند خلاق باشد که خودش را از چارچوب استانداردها و کلیشه ها رها سازد. یکی از درس هایی که توسط آن دانش آموزان می توانند خود را از حوزه ی فرمول ها و قید و بندهای متعارف خارج کنند، درس انشاست. در این درس، دانش آموزان با دنیای واقعی آشنا می شوند و از آن ها خواسته می شود نگاه و احساسات و اندیشه های خود را در دفتر انشا بنویسند.

به نوعی می توان گفت، ما در درس انشا می توانیم دنیا را از پنجره ی نگاه دانش آموزان ببینیم. این درس یکی از مؤثرترین راه ها در حوزه ی بروز خلاقیت دانش آموزان است.

کتاب «نوشتن خلاق» نوشته ی **جیم سایموندز** ترجمه ی **مژده مجیدی**، یکی از کتاب های خوب و تأثیرگذار در زمینه ی نویسندگی است؛ کتابی که به زبانی رسا و شیوه ای مناسب، روش ها و راه کارهای عملی را به خوانندگان یاد می دهد.

این کتاب را مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر برای دانش آموزان به چاپ رسانده است. معلمان عزیز درس انشا می توانند، آن را به عنوان کتاب کمک آموزشی به دانش آموزان معرفی کنند و خود نیز از آن بهره مند شوند.

به امید روزی که ما بتوانیم به سادگی، اندیشه ها و نگاه خود را از ذهن خارج کنیم و روی صفحه ی سفید کاغذ بنویسیم تا ماندگار شود و دیگران از آن بهره مند شوند.



همت مضاعف، کار مضاعف

برگ اشتراک مجله های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله ی درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه ی سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده ی اشتراک باپست سفارشی. (کپی فیش را نزد خود نگه دارید).

♦ نام مجله های درخواستی:

.....

.....

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

.....

♦ میزان تحصیلات:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان:

.....

خیابان:

.....

پلاک:

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده اید، شماره ی اشتراک خود را بنویسید:

کد اشتراک:

امضا:

• صندوق پستی مرکز بررسی آثار:

۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

• صندوق پستی امور مشترکین:

۱۶۵۹۵/۱۱۱

• نشانی اینترنتی:

www.roshdmag.ir

• پست الکترونیک:

Email:info@roshdmag.ir

• امور مشترکین:

۰۲۱-۷۷۳۳۶۵۶ - ۷۷۳۳۵۱۱۰

• پیام گیر مجله های رشد:

۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- ♦ هزینه ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده ی مشترک است.
- ♦ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

